



ایران چگونه انقلاب تازه رخ داده و جامعه متحول شده‌اش را در جنگ تحمیلی حفظ کرد

مضمون فتح

در «روایت سال‌های جنگ» رادیو مضمون

و بر اساس اسناد، جزئیات کمتر شنیده

از تاریخ دفاع مقدس را بشنوید

۲

صفحه ۷

؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟

رهبر انقلاب روز گذشته از ظرفیت نرم‌افزاری

و سخت‌افزاری دفاع مقدس گفتند

در جنگ هم ما خودمان را
شناختیم هم دنیا ما را

۱۵،۱۶

رئیس‌جمهور در نیویورک چه گفت؟

علیه تبعیض
و تحدید در دنیا

۷

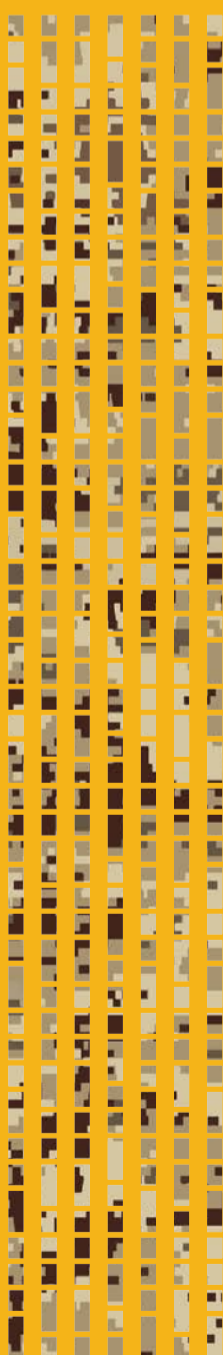




فرهنگ‌یگان

فرد روز

<div><div>📅</div><div><div>پنجشنبه ۳ شهریور ۱۴۰۲</div></div></div>
<div><div>📺</div><div><div>شماره ۳۹۶۴</div></div></div>
<div><div>🌐</div><div><div>www.fdn.ir</div></div></div>
<div><div>📡</div><div><div>FARHIKHTEGANDAILY</div></div></div>



<div><div>👤</div><div><div>عطیه همتی</div><div>دبیرگروه نقد روز</div></div></div>
<div><div>📅</div><div><div>۴۳ سال از جنگ تحمیلی به جمهوری اسلامی ایران گذشت و هنوز از دل قصه ها و روایات ناب و تر و تازه بیرون می آید که مخاطبان پروپاقرص خودش را دارد. هنوز کتاب‌های الواسی از دفاع مقدس بسیار پرفروشند و مخاطب تشنه است که از این هشت سال جنگ ریز و با جزئیات بداند و این جزئیات و روایات را پخته‌تر و دقیق‌تر به نسل بعد از خود منتقل کند و به سوالات او درباره جنگ و چرایی آن جواب‌های دقیق و روشنی بدهد. موضوعی که رهبر انقلاب نیز در سخنرانی روز گذشته خود به آن اشاره کردند و گفتند: «درباره</div></div></div>

قدرت‌طلبی جنون‌برتری طلبی صدام از همان آغاز به قدرت نشستن او نمود کامل و مشخصی داشت. نمونه‌اش اینکه به‌محض نشستن برمسند قدرت طول خدمت سرسازی را در عراق افزایش داد. دعوی عرب و عجم نیز از دعوای کلیشه‌ای و باسابقه دولت بود. برخی مانند بختیار و تبهسار اویسی درباره ضعف قوای نظامی ایران به صدام این گرا را داده بودند که قدرت نظامی ایران قوی نیست و رژیم بعث عراق می‌تواند از پس آن به راحتی بربیاید. تقویم اتفاقات بین دو کشور از اواسط ۵۸ به خوبی نشان می دهد صدام خودش را آماده جنگ بزرگی علیه ایران می‌کرد. در یکم آبان ۱۳۵۸، سفارت آمریکا در تهران به وزارت امور خارجه ایران حمله آینده عراق به ایران را خبر داد. ۵ آبان ۱۳۵۸، سفیر عراق از لزوم بازگشت اروندرود به عراق در مصاحبه با روزنامه النهار گفت. در ۱۲ فروردین ۱۳۵۹، ارتش عراق به متولدین سال ۱۹۵۵ برای خدمت احتیاط و اعلام بسیج نظامی فراخوان داد و پس از ۱۰ روز در ۲۲ فروردین ۱۳۵۹، دوباره با فراخوان کلیه متولدین ۱۹۲۹ آنها را به خدمت احضار کرد. در ۱۴ فروردین ۱۳۵۹، واشنگتن پست نوشت: «ایران و عراق در آستانه جنگ قرار دارند. ۱۷ فروردین ۱۳۵۹، سعدون حمادی وزیر امور خارجه عراق خواستار تخلیه و خروج نیروهای ایرانی از سه جزیره ایرانی تنب بزرگ، تنب

ایران چگونه انقلاب تازه رخ داده و جامعه متحول شده‌اش را در جنگ تحمیلی حفظ کرد

مضمون فتح

در «روایت سال‌های جنگ» رادیو مضمون و بر اساس اسناد، جزئیات کمتر شنیده از تاریخ دفاع مقدس را بشنوید

ایران نام می‌بریم، این سوال را در مخاطب به وجود می‌آورد که چرا معتقدیم این جنگ «تحمیلی» بود و اگر تحمیل بود چرا بعد از آزادسازی‌ها ادامه پیدا کرد؟ چه کسانی و به چه شکلی این جنگ را به ایران تحمیل کردند؟ اینها همه سوالاتی است که پادکست رادیومضمون سعی کرده به شکل جامع و روشن به آنها پاسخ بدهد. پادکستی که تا به حال ۱۰ قسمت از آن منتشر شده‌است و همچنان ادامه دارد. به بهانه آغاز جنگ تحمیلی و هفته دفاع مقدس به چند سوال اساسی و کلیدی درباره جنگ ایران و عراق پاسخ دادیم. پاسخ‌هایی که خلاصه شده قسمت‌های مختلف رادیومضمون کاری از گروه پادکست‌های همیشه درمیان با همکاری روزنامه «فرهیختگان» است که در ادامه می‌خوانید.

صدام کشته شدند. ۳۰ فروردین ۱۳۵۹، دیپلمات‌های ایرانی مقیم بغداد، از عراق اخراج شدند. ۳۰ فروردین ۱۳۵۹، پس از چند حمله عراق به نقاط مرزی ایران، در واکنش به اقدامات نجاوژگانانه و گفته‌های مداخله‌گرانه عراق، امام صحبت کردند. ۴ اردیبهشت ۱۳۵۹، صدام در سخنرانی عمومی‌اش بر حاکمیت عراق بر استان خوزستان تأکید و اعلام کرد: «خوزستان متعلق به عراق است و به‌زودی به زور به خاک عراق افزوده خواهد شد.» هم‌زمان، برای دومین بار، گروهی از ایرانیان و ایرانی‌نباران مقیم عراق را از خاک عراق اخراج و با وضعی اسفناک، ۳۰ هزار نفر را آواره مرزها کرد. ۱۰ اردیبهشت ۱۳۵۹، نیویورک تایمز نوشت دولت آمریکا پس از شکست و ناکامی در ماجرای فرودگاه طیس (حمله ناکام نظامی آمریکا که میان سئزراه‌های طیس زمین‌گیر شد)، سه طرح نظامی مهم را بررسی می‌کند. ۱۲ تیر ۱۳۵۹، برژینسکی، مشاور امنیت ملی دولت آمریکا در مرز اردن و عراق با صدام ملاقات کرد و چراغ سبز آمریکا برای حمله به ایران را به وی اعلام کرد. ۱۶ تیر ۱۳۵۹، خبرگزاری‌ها از دگربری گسترده در ۱۲ منطقه مرزی ایران و عراق خبر دادند. ۱۸ تیر ۱۳۵۹، کودتای شبکه قناب (نوزه) کشف و خشی شد. در این کودتا که از ماه‌ها قبل برنامه‌ریزی شده بود، قرار بود چند هوادار پیمایي جنگنده با پرواز از پایگاه شهید

کوچک و ابوموسی شد. ۱۸ فروردین ۱۳۵۹، صدام در جشن‌های دوازدهمین سالگرد به قدرت رسیدن حزب بعث اعلام کرد: آماده است به زور اختلافات با ایران را از بین ببرد. حاضران نیز شعارهایی نظیر «اعراب اهواز را، به حال خود بگذارید»، «خلیج عربی، گورستان رژیم نژادپرست فارس خواهد بود» سر دادند. حزب بعث نقشه‌هایی جعلی از استان خوزستان ایران را، با نام عربستان پخش کرد. در این نقشه‌ها مرزهای مصوب بین المللی تغییر داده شده بود و شهر اهواز را «الاحواز» و خرمشهر را «محمسه» و آبادان را «عبادان» و هویزه را «حویزه» و سوسنگرد را «خفاجیه» نام گذاشته بودند. ۱۸ فروردین ۱۳۵۹، روابط دیپلماتیک تهران و واشنگتن از سوی آمریکا قطع شد. وزیر خارجه ایالات متحده از اقدامات دولتش علیه ایران گزارش داد و از امکان حمله نظامی به ایران برای رهایی گروگان‌ها گفت. ۲۰ فروردین ۱۳۵۹، روزنامه ویکی تلگراف نوشت عراق خود را به همراه آمریکا برای متوزی کردن ایران همسو می‌بیند. ۲۱ فروردین ۱۳۵۹، روزنامه کیهان به نقل از فرمانده کل ارتش اعلام کرد ارتش عراق به ۱۵ کیلومتری مرز ایران رسید. ۲۹ فروردین ۱۳۵۹، آیت‌الله سیدمحمدباقر صدر دانشمند بلند آوازه عراقی که مواضعی نزدیک به آیت‌الله خمینی داشت و خواهرش بنت‌الهدی صدر، به دستور شخص

آیا ایران در ماه‌های ابتدایی جنگ شکست خورد؟

برای صدام اشغال سوسنگرد از نظر استراتژیک خیلی مهم بود، درحالی‌که با مقاومت ایران فقط بستان آن هم به‌طور موقت تصرف شد و سوسنگرد مثل آبادان هرگز به اشغال در نیامد. پس از این منظر صدام شکست خورده است نه ایران

۲- سازمان رزم ایران بعد از قرار شاه از هم پاشیده بود و بعد از انقلاب به خاطر افسای نقشه کودتا و نسو به حساب‌های داخلی ارتش بسیار ضعیف شده بود

چرا جنگ بعد از فتح خرمشهر ادامه پیدا کرد؟

بعد از عملیات ثامن‌الائمه و طریق القدس و فتح‌المبین و اکتون بیت‌المقدس ایران یک به یک سرزمین‌های اشغال شده خود را بازمی‌گرفت و عراق به‌شدت از ورود ایران به خاک خود واهم داشت و به همین دلیل در سانه‌ها اعلام می‌کرد که آماده صلح است. از این رو ایران با دست برتری که داشت مجازات صدام و رژیم بعث عراق را از محافل بین‌الملل خواستار شد و این موضوع را تضمینی برای تکرار نکردن دست‌درازی هر قدرت دیگری به خاک کشورش می‌دانست. اگر به روند قطعنامه‌های صادر شده و همچنین مفاد بیانیه‌ها و پیشنهادات بی مسئولیت و جانبدارانه مذاکره‌کنندگان رجوع کنید که خواستار توقف دفاع ایران و حمله عراق بودند؛ به علاوه به سابقه آتش‌بس‌هایی که عراق در زمان ضعف خواستارش می‌شد تا قوای خود را تقویت کند و منسجم‌تر حمله را

بعد از عملیات ثامن‌الائمه و طریق القدس و فتح‌المبین و اکتون بیت‌المقدس ایران یک به یک سرزمین‌های اشغال شده خود را بازمی‌گرفت و عراق به‌شدت از ورود ایران به خاک خود واهم داشت و به همین دلیل در رسانه‌ها اعلام می‌کرد که آماده صلح است. از این رو ایران با دست برتری که داشت مجازات صدام و رژیم بعث عراق را از محافل بین‌الملل خواستار شد و این موضوع را تضمینی برای تکرار نکردن دست‌درازی هر قدرت دیگری به خاک کشورش می‌دانست. اگر به روند قطعنامه‌های صادر شده و همچنین مفاد بیانیه‌ها و پیشنهادات بی مسئولیت و جانبدارانه مذاکره‌کنندگان رجوع کنید که خواستار توقف دفاع ایران و حمله عراق بودند؛ به علاوه به سابقه آتش‌بس‌هایی که عراق در زمان ضعف خواستارش می‌شد تا قوای خود را تقویت کند و منسجم‌تر حمله را

بعد از عملیات ثامن‌الائمه و طریق القدس و فتح‌المبین و اکتون بیت‌المقدس ایران یک به یک سرزمین‌های اشغال شده خود را بازمی‌گرفت و عراق به‌شدت از ورود ایران به خاک خود واهم داشت و به همین دلیل در رسانه‌ها اعلام می‌کرد که آماده صلح است. از این رو ایران با دست برتری که داشت مجازات صدام و رژیم بعث عراق را از محافل بین‌الملل خواستار شد و این موضوع را تضمینی برای تکرار نکردن دست‌درازی هر قدرت دیگری به خاک کشورش می‌دانست. اگر به روند قطعنامه‌های صادر شده و همچنین مفاد بیانیه‌ها و پیشنهادات بی مسئولیت و جانبدارانه مذاکره‌کنندگان رجوع کنید که خواستار توقف دفاع ایران و حمله عراق بودند؛ به علاوه به سابقه آتش‌بس‌هایی که عراق در زمان ضعف خواستارش می‌شد تا قوای خود را تقویت کند و منسجم‌تر حمله را

و همین که با چنین نیروی نظامی کم‌رقمی ماه‌ها ایستادگی کردیم، معنی‌اش این است که شکست نخوردیم. همچنین از چندماه قبل ارتش مدام آلارم احتمال حمله عراق را می‌داد اما دیگر به آن اعتماد نداشتند. تنها پشتیبان اصلی ارتش امام خمینی بود که جلوی تضعیف ارتش به‌عنوان نیروی نظامی کشور را گرفت

۳- نیروی هوایی ایران در روز اول و دوم آغاز حمله عراق چنان ضرب سستی وارد داد، متوجه می‌شوید که توقف جنگ بعد از خرمشهر شکست حتمی ایران در جنگ بود. مهم‌ترین مساله درباره ادامه جنگ بعد از بازپس‌گیری خرمشهر این است که بداییم توقف جنگ امکان نداشت. هیچ یک از نیروهای سیاسی و نظامی نیز خواهان توقف جنگ نبودند. از ام‌ام نیز نقل‌های مختلفی آمده‌است که موافق جنگ بوده‌است. استدلال اصلی هم این بود که دیگر نه صدام و نه هیچ‌کس دیگر نیاید جرات دست‌درازی به خاک ایران را پیدا می‌کرد. از طرفی هیچ عقل سلیمی وقتی در موقعیت برتری جنگ قرار دارد شکست را نمی‌پذیرد و پذیرش توقف جنگ بعد از عملیات بیت‌المقدس از ما چهره کاملاً شکست‌خورده‌ای در دنیا می‌ساخت که ممکن بود دوباره به خودشان اجازه بدهند به ما حمله کنند.

چرا جنگ بعد از فتح خرمشهر ادامه پیدا کرد؟

برای صدام اشغال سوسنگرد از نظر استراتژیک خیلی مهم بود، درحالی‌که با مقاومت ایران فقط بستان آن هم به‌طور موقت تصرف شد و سوسنگرد مثل آبادان هرگز به اشغال در نیامد. پس از این منظر صدام شکست خورده است نه ایران

آیا ایران در ماه‌های ابتدایی جنگ شکست خورد؟

چرا جنگ بعد از فتح خرمشهر ادامه پیدا کرد؟

بعد از عملیات ثامن‌الائمه و طریق القدس و فتح‌المبین و اکتون بیت‌المقدس ایران یک به یک سرزمین‌های اشغال شده خود را بازمی‌گرفت و عراق به‌شدت از ورود ایران به خاک خود واهم داشت و به همین دلیل در رسانه‌ها اعلام می‌کرد که آماده صلح است. از این رو ایران با دست برتری که داشت مجازات صدام و رژیم بعث عراق را از محافل بین‌الملل خواستار شد و این موضوع را تضمینی برای تکرار نکردن دست‌درازی هر قدرت دیگری به خاک کشورش می‌دانست. اگر به روند قطعنامه‌های صادر شده و همچنین مفاد بیانیه‌ها و پیشنهادات بی مسئولیت و جانبدارانه مذاکره‌کنندگان رجوع کنید که خواستار توقف دفاع ایران و حمله عراق بودند؛ به علاوه به سابقه آتش‌بس‌هایی که عراق در زمان ضعف خواستارش می‌شد تا قوای خود را تقویت کند و منسجم‌تر حمله را



EPISODES

چرا جنگ شد؟

نوزه همدان، مراکز حساس کشور ازجمله منزل امام در جماران، نهاد‌های دولتی و سپاه پاسداران را بمباران کنند و با تسخیر رادیوتلوویزیون و شکستن دیوار صوتی در شهرهای بزرگ، مردم را به همراهی با کودتا‌ها داز کنند. کودتا دومین بخش از طرح آمریکا برای مقابله با انقلاب ایران بود. ۱۴ مرداد ۱۳۵۹، کنفرانس سران کشورهای عرب در طائف عربستان برگزار شد و صدام از نیت خود برای حمله به ایران گفت و باخنده جنگ با ایران را تفریحی نظامی خواند. هشت کشور عربی شرکت‌کننده در این نشست، پشتیبانی همه‌جانبه خود را از تصمیم صدام اعلام کردند. ۱۶ و ۱۹ شهریور ۱۳۵۹، منطقه مرزی زین‌الکش و میمک توسط عراق اشغال نظامی شد. ۲۶ شهریور ۱۳۵۹، صدام حسین، رئیس‌جمهور عراق قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر را برابر دوربین‌های تلویزیونی پاره و به ایران اعلان جنگ کرد و در آخر در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ نیروی هوایی عراق با حمله به ۱۰ فرودگاه ایران حملات نیروی زمینی خود به تمام مرزهای کشورمان جنگ تمام‌عیاری را به ایران تحمیل کرد. درست است که آغاز رسمی جنگ در ۳۱ شهریورماه بود اما باید گفت دگربری‌های بین ایران و عراق در مرزها از یکی دوسال قبل آغاز شده بود و رژیم بعثی در چندین مورد مرزهای ما را مورد هدف قرار داده بود.

آیا ایران در ماه‌های ابتدایی جنگ شکست خورد؟

برای صدام اشغال سوسنگرد از نظر استراتژیک خیلی مهم بود، درحالی‌که با مقاومت ایران فقط بستان آن هم به‌طور موقت تصرف شد و سوسنگرد مثل آبادان هرگز به اشغال در نیامد. پس از این منظر صدام شکست خورده است نه ایران

۲- سازمان رزم ایران بعد از قرار شاه از هم پاشیده بود و بعد از انقلاب به خاطر افسای نقشه کودتا و نسو به حساب‌های داخلی ارتش بسیار ضعیف شده بود

چرا جنگ بعد از فتح خرمشهر ادامه پیدا کرد؟

روایت آنهایی که بعد‌ها خواهان پایان یافتن جنگ بعد از خرمشهر بودند تنها از جهت تضعیف رقبای سیاسی‌شان در داخل کشور بوده است وگرنه هیچ استدلال نظامی و حتی مابه‌ازای خارجی که نشان دهد توقف جنگ در آن برعه به نفع ایران بوده است وجود ندارد. از طرفی از این نکته نباید غافل شد که ایران امکان پایان جنگ هم نداشته‌است چراکه عراق توقف جنگ را تنها برای تحکیم خطوط پدافندی و تجهیز منابع رزمی و انسانی خود می‌خواست‌است اما وگرنه آنان که امروز مدافع رویای خاتمه جنگ بعد از آزادی خرمشهر هستند، هیچ‌گاه نتوانسته‌اند تضمینی برای عدم تکرار تجاوز به خاک ایران بدهند. اما استراتژی گذشته درسی به باقی قدرت‌ها داد که تاکنون ایران را مجبور به جنگیدن در منطقه خود نکرده است.

چرا جنگ بعد از فتح خرمشهر ادامه پیدا کرد؟

برای صدام اشغال سوسنگرد از نظر استراتژیک خیلی مهم بود، درحالی‌که با مقاومت ایران فقط بستان آن هم به‌طور موقت تصرف شد و سوسنگرد مثل آبادان هرگز به اشغال در نیامد. پس از این منظر صدام شکست خورده است نه ایران

آیا ایران در ماه‌های ابتدایی جنگ شکست خورد؟

چرا جنگ بعد از فتح خرمشهر ادامه پیدا کرد؟

روایت آنهایی که بعد‌ها خواهان پایان یافتن جنگ بعد از خرمشهر بودند تنها از جهت تضعیف رقبای سیاسی‌شان در داخل کشور بوده است وگرنه هیچ استدلال نظامی و حتی مابه‌ازای خارجی که نشان دهد توقف جنگ در آن برعه به نفع ایران بوده است وجود ندارد. از طرفی از این نکته نباید غافل شد که ایران امکان پایان جنگ هم نداشته‌است چراکه عراق توقف جنگ را تنها برای تحکیم خطوط پدافندی و تجهیز منابع رزمی و انسانی خود می‌خواست‌است اما وگرنه آنان که امروز مدافع رویای خاتمه جنگ بعد از آزادی خرمشهر هستند، هیچ‌گاه نتوانسته‌اند تضمینی برای عدم تکرار تجاوز به خاک ایران بدهند. اما استراتژی گذشته درسی به باقی قدرت‌ها داد که تاکنون ایران را مجبور به جنگیدن در منطقه خود نکرده است.

چرا جنگ بعد از فتح خرمشهر ادامه پیدا کرد؟

روایت آنهایی که بعد‌ها خواهان پایان یافتن جنگ بعد از خرمشهر بودند تنها از جهت تضعیف رقبای سیاسی‌شان در داخل کشور بوده است وگرنه هیچ استدلال نظامی و حتی مابه‌ازای خارجی که نشان دهد توقف جنگ در آن برعه به نفع ایران بوده است وجود ندارد. از طرفی از این نکته نباید غافل شد که ایران امکان پایان جنگ هم نداشته‌است چراکه عراق توقف جنگ را تنها برای تحکیم خطوط پدافندی و تجهیز منابع رزمی و انسانی خود می‌خواست‌است اما وگرنه آنان که امروز مدافع رویای خاتمه جنگ بعد از آزادی خرمشهر هستند، هیچ‌گاه نتوانسته‌اند تضمینی برای عدم تکرار تجاوز به خاک ایران بدهند. اما استراتژی گذشته درسی به باقی قدرت‌ها داد که تاکنون ایران را مجبور به جنگیدن در منطقه خود نکرده است.

روایت آنهایی که بعد‌ها خواهان پایان یافتن جنگ بعد از خرمشهر بودند تنها از جهت تضعیف رقبای سیاسی‌شان در داخل کشور بوده است وگرنه هیچ استدلال نظامی و حتی مابه‌ازای خارجی که نشان دهد توقف جنگ در آن برعه به نفع ایران بوده است وجود ندارد. از طرفی از این نکته نباید غافل شد که ایران امکان پایان جنگ هم نداشته‌است چراکه عراق توقف جنگ را تنها برای تحکیم خطوط پدافندی و تجهیز منابع رزمی و انسانی خود می‌خواست‌است اما وگرنه آنان که امروز مدافع رویای خاتمه جنگ بعد از آزادی خرمشهر هستند، هیچ‌گاه نتوانسته‌اند تضمینی برای عدم تکرار تجاوز به خاک ایران بدهند. اما استراتژی گذشته درسی به باقی قدرت‌ها داد که تاکنون ایران را مجبور به جنگیدن در منطقه خود نکرده است.

مضمون فتح

02:13:48 / 02:21:58



02:13:48 / 02:21:58



02:13:48 / 02:21:58



افق ۱۰ میلیون فارغ‌التحصیل در ۲ دهه آینده

فرهنگستان

دانشگاه

پنجشنبه، ۲ شهریور ۱۴۰۲ | شماره ۳۶۶ | WWW.FDN.IR

رئیس صندوق رفاه دانشجویان خبرداد

افزایش وام‌های دانشجویی برای سال تحصیلی جدید

مشاور امور بانوان و خانواده

دانشگاه آزاد اعلام کرد

آغاز به کار شبکه «بانوان نقش آفرین» در دانشگاه آزاد

رئیس هیات عالی جذب اعضای هیات علمی

اعضای هیات علمی باید بر اساس آمایش سرزمینی جذب شوند

رئیس جمهور در نیویورک چه گفت؟

علیه تبعیض و تحدید در دنیا

ادامه از صفحه ۷

تورویسم را خنثی می‌کند. مدیریت و بهره‌برداری برخی از سرویس های امنیتی غربی از بستر گروه‌های افراطی و به‌ویژه جابه‌جایی هدفمند نیروهای جنگجوی خارجی در حوزه‌های مختلف جغرافیایی نیز به این نگرانی‌ها دامن می‌زند. برخی از کشورهای اروپایی باید پاسخ دهند که چرا در عین ادعای مبارزه با تروریسم، به پناهگاه امن گروه تروریستی‌ای تبدیل شده‌اند که تاکنون بیش از ۱۷ هزار نفر از شهروندان ایرانی را در کوچه و خیابان تور کرده است؟ تبعیض در مبارزه با تروریسم به معنای چراغ سبز به تروریست هاست.

ملت‌های منطقه، ایران را شریکی مطمئن

برای امنیت و رژیم صهیونیستی را عامل اصلی

نامانی و ترویج خشونت در منطقه می‌دانند

ایران که خود بزرگ‌ترین قربانی تروریسم است پیش‌قراول مبارزه با تروریسم در منطقه است. ملت‌های منطقه، ایران را شریکی مطمئن برای امنیت خود و رژیم اشغالگر قدس را عامل اصلی نامانی، بی‌ثباتی و ترویج خشونت در منطقه می‌دانند. آیا وقت آن نرسیده که به ۷۵ سال اشغال سرزمین فلسطین و ظلم به آن ملت مظلوم و کشتار زنان و کودکان پایان داده شود و حقوق ملت فلسطین به رسمیت شناخته شود؟ ندوام اشغال فلسطین و بیخش‌هایی از خاک لبنان و سوریه توسط رژیم صهیونیستی و محروم ساختن ملت مظلوم فلسطین از حقوق مسلم و ذاتی خود، به‌ویژه در تشکیل دولت فلسطینی به پایتختی بیت‌المقدس منجر به تشدید جنایات این رژیم و گسترش دامنه تجاوز و تهدید به سایر کشورهای منطقه شده است.

ترور شهید سلیمانی جایزه به داعشی بود

که ساخته دست خود آمریکایی‌ها بود

ترور شهید قاسم سلیمانی جایزه به داعشی بود که گفته مقامات سابق آمریکا ساخته دست خودشان بود. به همین خاطر، به جرای آنکه از آن فرمانده شجاع تقدیر کنند او را ترور کردند. اما جمهوری اسلامی ایران با استفاده از همه ابزارها و ظرفیت‌ها برای اجرای عدالت و محاکمه عادلان و مباشران این تروریسم دولتی تا حصول نتیجه قطعی از پای نخواهد نشست؛ خون مظلوم پایمال نخواهد شد و دامن‌ان ظالم را خواهد گرفت.

روسیا محترم دولت‌ها و هیات‌ها! اشغالگری، تروریسم و افراط‌گرایی از جمله مهم‌ترین تهدیدهای جدی در غرب آسیا هستند که برهم‌زننده هر نظم مبتنی بر منافع ملت‌های منطقه است.

تبعیض در مبارزه با تروریسم به معنای چراغ سبزه تروریست هاست

ریشه‌کنی تروریسم در گرو مبارزه فراگیر و هدفمند با ریشه‌ها و جلوه‌های آن می‌جازات بدون تبعیض تروریست‌ها در سراسر جهان است. استفاده برخی دولت‌های غربی از تروریسم به‌عنوان ابزار سیاست خارجی مبارزه کشورهای منطقه علیه

در بیست‌وپنجمین جلسه کمیسیون تخصصی نشریات علمی معاونت علوم، مهندسی و کشاورزی دانشگاه آزاد اسلامی، با انتشار فصلنامه نفت و رسوب (Journal of Oil and Sediment) واحد مشهد موافقت شد.

احسان سبحانی، سرپرست اداره نظارت و تولید علم دانشگاه آزاد مشهد گفت: «نشریات علمی نقش بی‌بدیلی در انعکاس نتایج حاصل از فعالیت‌های علمی دارند و انتشار آنها دارای اهمیت زیادی است و یکی از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده برون‌داد‌های علمی و پژوهشی دانشگاه هستند.»

آمریکاتنها مجرم اتمی جهان

با این رفتار، آمریکا عملا و برخلاف تمام ادعاهایش، قانون‌گریزی و زورگویی را به جای همکاری تجویز کرده است. آمریکا باید با اعمادسازی اثبات‌کنند که دارای حسن‌نیت است و اراده واقعی برای عمل به تعهدات خود و نهایی‌کردن مسیر را دارد. اروپایی‌ها نیز که در پی سال‌ها عدم پایبندی به تعهدات خود از جمله در لغو تحریم‌ها، اکنون بگرام و قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل را نقض می‌کنند، باید درک کنند که با سرعت گرفتن در مسیر پرزورینه تقابل، بازنده خواهند شد. سلاح هسته‌ای هیچ جایگاهی در دکترین دفاعی جمهوری اسلامی ایران ندارد. گزارش‌های رسمی مراجع ذی‌ربط بین‌المللی و حتی جوامع اطلاعاتی غربی نیز بارها بر صحت این ادعا تأکید کرده‌اند. جمهوری اسلامی ایران همانند دو دهه گذشته به هیچ‌عنوان از حقوق مسلم ملت خود برای بهره‌مندی صلح‌آمیز از فناوری هسته‌ای کوتاه نخواهد آمد. تنها مجرم اتمی جهان، نه‌تنها به تعهدات خود ذیل آن، بی‌ثمنی بر خلع سلاح اتمی عمل نمی‌کند، بلکه با اعمال تحریم‌های یکجانبه غیرقانونی، اصول مسلم حقوق بین‌الملل و منشور ملل متحد را نقض و حقوق ملت‌ها را پایمال می‌کند. اما این تحریم‌ها بر عزم ملت ما در مسیر پیشرفت کشور، بی‌تأثیر بوده است. وقت آن رسیده که آمریکا به بحران تصمیم‌گیری و تبادل تجربیات در حوزه زنان، استان‌های همجوار می‌توانند پروژه‌های مشترک داشته باشند.»

مشاور امور بانوان و خانواده دانشگاه آزاد از آغاز به کار شبکه «بانوان نقش‌آفرین» در دانشگاه آزاد خبر داد و گفت: «در این طرح استان‌های کشور به هفت منطقه تقسیم شدند که علاوه بر برگزاری نشست‌های مجازی و حضوری و تبادل تجربیات در حوزه زنان، استان‌های همجوار می‌توانند پروژه‌های مشترک داشته باشند.»

عاصمه قاسمی در گفت‌وگو با ایسکانیوز اظهار کرد: «برای تعامل مستقیم با مسئولان و رابطان امور زنان و خانواده در واحدهای دانشگاه آزاد در راستای اینکه صرفا ارتباط مجازی نداشته باشیم؛ استان‌های کشور را منطقه‌بندی کردیم و هر چند استان را تقسیم‌بندی و شبکه‌ای را شکل دادیم، یعنی علاوه بر شبکه مرکزی، خرده‌شبکه‌هایی را هم برای افزایش تعاملات ایجاد کردیم.» وی ادامه داد: «با این اقدام رابطان و مسئولان استان‌های همجوار می‌توانند به هم نزدیک و پروژه‌های مشترک داشته باشند. در واقع در کنار تمام مسئولیت‌هایی که برای مسئولان امور زنان و خانواده تعریف شده امسال پروژه‌هایی را

خبر نشریه علمی «نفت و رسوب» دانشگاه آزاد مشهد مجوز گرفت

وی با بیان اینکه در بیست‌وپنجمین جلسه کمیسیون تخصصی نشریات علمی معاونت علوم، مهندسی و کشاورزی دانشگاه آزاد، با انتشار فصلنامه نفت و رسوب (Journal of Oil and Sediment) واحد مشهد موافقت شد، اظهار کرد: «نشریه علمی انگلیسی زبان «نفت و رسوب» با همکاری اعضای هیات علمی گروه آموزشی مهندسی نفت و زمین‌شناسی دانشگاه آزاد مشهد و اساتید منتخب دانشگاه‌های مختلف داخل و خارج از کشور با هدف گسترش هرچه بیشتر اطلاعات و پژوهش‌های علمی و نشر نتایج تحقیقات بدیع و ارزشمند در زمینه‌های تخصصی،

خبر دانشگاه آزاد خراسان رضوی میزبان سفر استانی مدیران صندوق پژوهش و فناوری

عسکری غلامزاده مدیرعامل صندوق غیردولتی پژوهش و فناوری دانشگاه آزاد در این نشست با بیان فلسفه سفرهای استانی به معرفی تاریخچه و شرح خدمات ارائه‌شده صندوق از بدو تأسیس تاکنون پرداخت و ضمن استماع گزارش روسای واحدهای شهرستانی و مدیران ستادی استانی به سوالات و ابهامات حضار پاسخ داد. در انتهای این نشست تفاهمنامه همکاری سه‌ساله و قرارداد تعیین‌نماینده صندوق در دانشگاه آزاد استان خراسان رضوی بین طرفین به امضا رسید. همچنین با پیشنهاد رئیس دانشگاه آزاد واحد مشهد مقدس، ناطق گلستان به‌عنوان نماینده صندوق تعیین شد و دفتر نمایندگی صندوق در ساختمان هیات‌امنای استانی افتتاح

خبر شبکه «بانوان نقش آفرین» در دانشگاه آزاد آغاز به کار کرد

ابتدای راه است.» وی در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به سامانه ازدواج دانشگاهیان همرسان که با بهره‌مندی از هوش مصنوعی در حوزه ازدواج واسطه‌گری انجام می‌دهد، تصریح کرد: «این سامانه برای همه دانشجویان، اساتید و کارکنان دانشگاه آزاد قابل استفاده است و محدودیت سنی هم ندارد.» قاسمی افزود: «این سامانه به دستور رئیس دانشگاه آزاد برای تمام واحدهای کشور قابل استفاده است و از آنجایی که این سامانه نیاز به متخصصانی دارد که بدانند چگونه واسطه‌گری را انجام بدهند و از سامانه استفاده کنند. از تمام مراکز استان‌ها درخواست شد تا دو نفر را برای آموزش توسط نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها معرفی کنند.» وی اضافه کرد: «روسیا تمام مراکز استان‌ها دو نفر را معرفی کردند و ما نیز به نهاد مرکز معرفی کردیم که به محض برخورداری از آموزش‌های لازم، به این افراد گواهی شرکت در دوره هم اعطا می‌شود و اینها می‌توانند مشاور و کاربر این سامانه شوند و با جابجایی در مراکز خود کار را آغاز می‌کنند.»

«فرهیبختگان» روند سلب اعتبار علمی از مقالات را بررسی کرد

آمریکارتبه نخست مردودی مقالات علمی دنیا

تعداد مقالات مردودی ایران هم افزایش یافت



آمریکا رتبه نخست مردودی مقالات

تعداد مقالات مردودی ایران هم افزایش یافت



زهرا رهنمایی
خبرنگار گروه دانشگاه

نمایه شدن مقالات در پایگاه‌های استنادی معتبر دنیا یکی از مولفه‌های اعتباربخشی به دانشگاه‌ها و در نگاه کلی، کشورها محسوب می‌شود، هر اندازه که تعداد این مقالات از یک کشور بیشتر باشد، جایگاه بهتری در میان قدرت‌های علمی خواهد داشت. با این حال بعضاً مقالاتی که توانسته‌اند در بین مقالات پایگاه‌های معتبر جهانی هم منتشر شوند، بعد از مدتی از درجه اعتبار علمی ساقط می‌شوند. مقالاتی که طبیعتاً می‌تواند به عنوان نمره منفی برای نگارنده آنها تلقی شود. جالب اینجاست که برخی از این مقالات در زمره مقالات پراسنتاد هم قرار می‌گیرند اما فرآیندی در میان پراسنتادها هم نمی‌تواند دلیل محکمی برای قطعیت علمی آنها محسوب شود.

چرا برخی مقالات از درجه علمی ساقط می‌شوند؟
هرچند که مقالات بنا به دلایل مختلفی سلب اعتبار علمی می‌شوند و نمی‌توان یک دلیل واحد برای این مساله در نظر گرفت، اما در نگاه کلی چند دلیل مانند قابل اتکا نبودن به داده‌های علمی، تکراری بودن یافته‌های علمی، سرقت علمی در مقاله از سوی نویسندگان، محتوای آن مشمول کار غیراخلاقی باشد و... باعث می‌شود تا مقاله‌ای بعد از نمایه شدن، ری ترک‌ت یا همان سلب اعتماد علمی شود. نکته قابل توجه در این میان آن است که براساس آمار منتشر شده از سوی اسکوپوس، با وجود اینکه طی سال‌های اخیر آمار مقالات نمایه شده در این پایگاه استنادی روند صعودی داشته اما به همان میزان هم تعداد مقالاتی که اعتبار علمی آنها سلب شده هم با روند افزایشی همراه بوده است.



دانشگاه

پنجشنبه ۳ شهریور ۱۴۰۲
شماره ۳۹۶۴
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

سهام مقالاتی که اعتبار علمی آنها سلب شده، از سال ۲۰۱۸ به بعد رشد چشمگیری داشته است. به طوری که در این سال به دو هزار و ۹۷۸ مقاله رسید و معنایش رشد ۱۰ درصدی به نسبت سال ۲۰۱۷ است. در جایگاه کشورها هم باز هم جای چین و انگلیس تغییر کرد و بعد از آمریکا، چین در جایگاه دوم قرار گرفت. هرچند که تعداد مقالات ایرانی هم با ۴ پله افزایش روی عدد ۳۶ باقی ماند. جابه‌جایی‌ها درباره دانشگاه‌ها هم تا حدی رخ داد و با وجود حفظ جایگاه اول و دوم از سوی هاروارد و تورنتو همانند سال ۲۰۱۷، برای اولین بار دانشگاه سیدنی به جایگاه رسید. در دسته بندی موضوعی هم سهم مقالات دارویی همانند سال قبل کمتر از ۵۰ درصد بود. بعد از آن مقالات دیگر حوزه‌ها با سهم ۱۴،۵ درصد و بیوشیمی با ۱۰،۱ درصد قرار دارد. نوع مقالات هم همانند همه این سال‌ها با سهم ۹۴،۱ درصدی در اختیار مقالات و بعد از آن مقالات مروری با سهم ۴ درصدی قرار دارد.

رشد ۱۲ درصدی تعداد مقالات سلب اعتبار علمی شده در سال ۲۰۱۹ و رسیدن آن به سه هزار و ۱۱۸ مقاله نشان می‌دهد همزمان با رشد کمی مقالات، اعتبار علمی آنها هم تحت الشعاع قرار گرفته است. از حفظ سه جایگاه اول کشورهایی که بیشترین تعداد این مقالات را در اختیار داشتند که باز همان ترتیب آمریکا، چین و انگلیس است که بگذریم، باید عنوان کرد تعداد مقالات ایران هم به ۴۵ مقاله رسید که به نسبت ۳۶ مقاله سال ۲۰۱۸، رشد ۲۵ درصدی داشته است. همچنین برای اولین بار دانشکده پزشکی هاروارد توانست به جایگاه دوم رسیده و پله نخست را در اختیار دانشگاه تورنتو با ۴۱ مقاله بگذارد. بعد از آن دانشگاه سیدنی با ۳۳ مقاله در پله سوم قرار گرفته است. نکته قابل توجه اینکه هر سالی که می‌گذرد، سهم مقالاتی که در دیگر حوزه‌ها قرار دارند، افزایش پیدا کرده و در این سال به ۱۵،۱ درصد رسیده است. البته حوزه دارو همچنان بیشترین سهم را با ۴۹،۹ درصد در اختیار دارد. بعد از آن حوزه بیوشیمی با سهم ۸،۲ درصدی بوده است. در این برهه، دو هزار و ۹۴۲ مقاله سلب اعتبار شده که سهم ۹۴،۴ درصدی دارد و بعد از آن مقالات مروری با سهم ۳،۹ درصد قرار دارد.

در سال ۲۰۲۰ تعداد مقالاتی که اعتبار علمی آنها بعد از انتشار، سلب شده بود با رشد ۱۵ درصدی به سه هزار و ۵۷۷ مقاله رسید؛ مقالاتی که ۲۹ درصد از کل آنها یعنی هزار و ۵۷ مقاله‌اش مربوط به آمریکایی‌ها بوده است. بعد از آن چین با ۵۳۳ مقاله و انگلیس با ۳۳۲ مقاله در جایگاه دوم و سوم قرار داشتند. نکته‌ای که باید به آن توجه کرد، اینکه در تمام این سال‌ها، آمریکا همیشه در جایگاه اول قرار داشته است. همچنین مقالات ایرانی هم به نسبت سال ۲۰۱۹، رشد ۲۵ درصدی داشته و به مرز ۵۰ مقاله نزدیک شد. به عبارت دیگر ۴۷ مقاله ایرانی در این سال اعتبارشان لغو شد. آنچه درباره این سال بیش از پیش به چشم می‌آید، اینکه دانشکده پزشکی هاروارد به رتبه سوم رسید و به جای آن دانشگاه تورنتو در جایگاه اول و دانشگاه Insem به رتبه دوم رسید. با این حال باز هم مقالات مرتبط با حوزه دارو با سهم ۴۷،۲ درصدی از کل مقالات در رتبه اول قرار داشت. بعد از آن مقالات دیگر حوزه‌ها با سهم ۱۷،۴ درصدی در رتبه دوم و بیوشیمی‌ها با سهم ۹ درصدی در رتبه سوم قرار داشت. مقالات هم با سهم ۹۳،۸ درصدی همچنان بیشترین رد اعتبارات علمی را به خود اختصاص داده‌اند، بعد از آن هم سهم مقالات مروری ۴،۲ درصد اعلام شده است.

از رشد شش درصدی مقالات سلب اعتبار علمی شده در سال ۲۰۲۱ و رسیدن آن به سه هزار و ۷۸۷ مقاله که بگذریم؛ باید عنوان کرد آمریکایی‌ها در این سال هزار و ۱۱۲ مقاله‌شان از نظر علمی رد شده بود. بعد از آنها چینی‌ها با ۵۵۰ مقاله و انگلیسی‌ها با ۳۸۳ مقاله بودند. وضعیت برای کشورها هم با رشد پنج درصدی به ۴۹ مقاله رسید. در این سال باز هم دانشکده پزشکی هاروارد با ۵۵ مقاله رد اعتبار شده، در جایگاه اول موسسات آموزشی قرار گرفت، بعد از آن دانشگاه ملیورن و در پله سوم هم دانشگاه بنسلیوانیا قرار گرفته است. حوزه موضوعی دارو اما بار دیگر توانست برخلاف روال سال ۲۰۲۰ به ۵۰،۴ درصد برسد و بعد از آن مقالات دیگر حوزه‌ها هم با سهم ۱۵ درصدی و بیوشیمی‌ها با سهم ۸ درصدی قرار داشتند.

نیمکت

افزایش وام‌های دانشجویی برای سال تحصیلی جدید

رئیس صندوق رفاه دانشجویان وزارت علوم از افزایش وام‌های دانشجویی برای سال تحصیلی جدید خبر داد. مسعود گنجی، در گفت‌وگو با خبرنگاری دانشجو، گفت: «صندوق رفاه دانشجویان تا جایی که امکانات دانشگاه‌ها اجازه می‌دهد تسهیلات رفاهی را برای دانشجویان فراهم می‌کند تا دانشجویان بدون دغدغه معیشتی بتوانند به تحصیل بپردازند.» گنجی اضافه کرد: «برای ثبت نام وام‌های دانشجویی پس از اعلام سازمان سنجش و نهایی شدن اسامی دانشجویان فعالیت خودمان را آغاز می‌کنیم و پس از معرفی اسامی وی ادامه داد: «بیشترین افزایش وام در حوزه وام مسکن متاهلی است که با توجه به قانون حمایت از جوانی جمعیت به ۷۰ میلیون تومان افزایش پیدا کرده و بقیه وام‌ها هم رشد خوبی نسبت به سال‌های قبل داشته است.» گنجی خاطرنشان کرد: «بودجه صندوق رفاه دانشجویان در مجموعه هزار میلیارد تومان است و در نیمسال تحصیلی اول سال جدید حدود ۵۰۰ میلیارد تومان برای وام‌ها در نظر گرفته شده است.»



تعیین ظرفیت هزار و سیصدوسی نفری جهت تکمیل ظرفیت دستیاری پزشکی

پس از اعلام نتایج نهایی پنجاهمین دوره آزمون پذیرش دستیار تخصصی، اکنون مرحله تکمیل ظرفیت برای این دوره اعلام شده است. ظرفیت پذیرش در این مرحله ۱۳۳۰ نفر در ۱۳ رشته تخصصی است. مرکز سنجش آموزش پزشکی اعلام کرده است برای این دوره از آزمون دستیاری، مرحله تکمیل ظرفیت اجرا می‌شود و مرحله تکمیل ظرفیت در پنجاهمین دوره آزمون پذیرش دستیار تخصصی پزشکی از سوم مهرماه آغاز می‌شود و داوطلبان واجد شرایط تا ۷ مهرماه می‌توانند انتخاب رشته کنند. آن دسته از داوطلبان پنجاهمین دوره آزمون پذیرش دستیار تخصصی که در مرحله اصلی مجاز به انتخاب رشته محل بوده و در اعلام نتایج مرحله اصلی مردود اعلام شده‌اند یا به هر دلیل موفق به انجام انتخاب رشته محل نشده‌اند، می‌توانند از ساعت ۱۰ صبح دوشنبه ۳ مهر تا ساعت ۲۴ روز جمعه ۷ مهر ۱۴۰۲ با مراجعه به سایت مرکز سنجش آموزش پزشکی، انتخاب رشته کنند.



علمی دنیا

۲۰۱۶

تعداد مقالات سلب اعتبار شده جهان

۲۶۱۵

تعداد مقالات سلب اعتبار شده ایران

۲۶

سهم مقالات سلب اعتبار علمی ایران به پایین ترین حد رسید

یک سال بعد تعداد مقالاتی که از کل کشورهای دنیا سلب اعتبار شده بود به ۲ هزار و ۶۱۵ مقاله رسید که رشد ۳۱ درصدی را شامل می شود. مقالاتی که بخش عمده آن به ترتیب در اختیار آمریکا، انگلیس و چین بود و آمار مقالات بی اعتبار علمی انگلیس بار دیگر از چین پیشی گرفت. نکته قابل تامل اینکه تعداد مقالات ایران به ۲۶ رسید که نشان دهنده ریزش ۲۴ درصدی این حوزه است. هرچند که باز هم مقالات منتشر شده در حوزه دارو با سهم ۵۰٫۹ درصدی در رتبه اول، مقالات دیگر حوزه ها با سهم ۱۱٫۸ درصدی دوم و در نهایت هم بیوشیمی با سهم ۱۱٫۴ درصدی در جایگاه سوم قرار دارد. طبیعتا در این بین باز هم دانشکده پزشکی هاروارد با ۳۵ مقاله در رتبه اول قرار داشت، اما چینش دو دانشگاه دیگر به نسبت سال گذشته، به طور کامل تغییر یافته و دانشگاه تورنتو و پنسیلوانیا در رتبه دوم و سوم قرار گرفتند. حتی اگر بخواهیم دسته بندی مقالات را هم داشته باشیم، باید عنوان کرد همانند سال های قبل دست برتر با سهم ۲۴٫۸ درصدی در اختیار مقالات و بعد از آن هم مقالات مروری با سهم ۲۳٫۳ درصدی قرار دارند.

۲۰۱۷

تعداد مقالات سلب اعتبار شده جهان

۲۷۱۶

تعداد مقالات سلب اعتبار شده ایران

۳۲

رشد عجیب ۲۳ درصدی مقالات بی اعتبار علمی ایران

یک سال بعد اما وضعیت کلی مقالات تغییر کرد و دنیا با رشد چهار درصدی در این زمینه مواجه شد؛ به طوری که براساس آمار اسکوپوس در این سال ۲ هزار و ۷۱۶ مقاله علمی سلب اعتبار شدند. هرچند که در چین سه کشور اصلی تغییر به نسبت سال ۲۰۱۶ ایجاد نشد، اما تعداد مقالات علمی کشور از اعتبار آنها سلب شد به ۳۲ مقاله افزایش یافت که معنایش رشد ۲۳ درصدی آن ظرف یک سال میلادی است. با این حال یکی از اتفاقات مهم امسال را باید کاهش ۵۰ درصدی تعداد مقالات حوزه دارو دانست؛ چراکه سهم این مقالات به ۴۹٫۲ درصد رسید. البته رتبه های دوم و سوم هم سهم شان تغییر قابل تاملی داشت، به طوری که مقالات مرتبط با دیگر حوزه ها به ۱۴٫۹ درصد افزایش یافت؛ هرچند که سهم حوزه بیوشیمی روی همان ۱۱ درصد ثابت ماند. از لحاظ دانشگاهی هم مثل همه این سال های نام برده شده، دانشکده پزشکی هاروارد در جایگاه اول قرار داشت و بعد از آن دانشگاه تورنتو دوباره رتبه دوم را تجربه کرد، هرچند که برای اولین بار دانشگاه موناخ در رتبه سوم قرار گرفت. در حوزه نوع مقاله هم تغییری ایجاد نشد و باز هم دست برتر با سهم ۹۳٫۳ درصد در اختیار مقاله و ۴٫۶ درصد در اختیار مقالات مروری بوده است.

۲۰۲۳

تعداد مقالات سلب اعتبار شده جهان

۲۳۱۷

تعداد مقالات سلب اعتبار شده ایران

۳۶

۳۶ مقاله ایرانی سلب اعتبار شدند

در سال ۲۰۲۳ که هنوز چند ماهی به پایان آن باقی مانده، دو هزار و ۳۱۷ مقاله رد اعتبار شدند که هرچند به نسبت سال قبل کاهش ۴۰ درصدی داشته است، اما هنوز نمی توان به طور قطع درباره این سال اظهار نظر کرد. هرچند که باز هم آمریکایی ها، چینی ها و انگلیسی ها بیشترین آمار را به خود اختصاص داده اند، اما تعداد مقالاتی که از ایران هم سلب اعتبار شده به ۳۶ عدد می رسد؛ طبیعتا این عدد با توجه به اینکه هنوز این سال به پایان نرسیده، باید به عنوان هشدار در نظر گرفته شود. نکته مهم دیگر درباره این سال، آن است که بعد از دانشکده پزشکی هاروارد ۳۲ مقاله، دانشگاه موناخ برای دومین بار با حفظ رتبه دوم، در میان سه دانشگاه اول قرار دارد و بعد از آن وزارت آموزش و پرورش چین رتبه سوم را به خود اختصاص داده است. سهم مقالات دارویی بار دیگر ریزش و به ۴۷٫۶ درصد رسید. اما سهم مقالات دیگر حوزه ها با ۱۸ درصد رشد قابل توجهی داشته است.

۲۰۲۲

تعداد مقالات سلب اعتبار شده جهان

۳۸۳۲

تعداد مقالات سلب اعتبار شده ایران

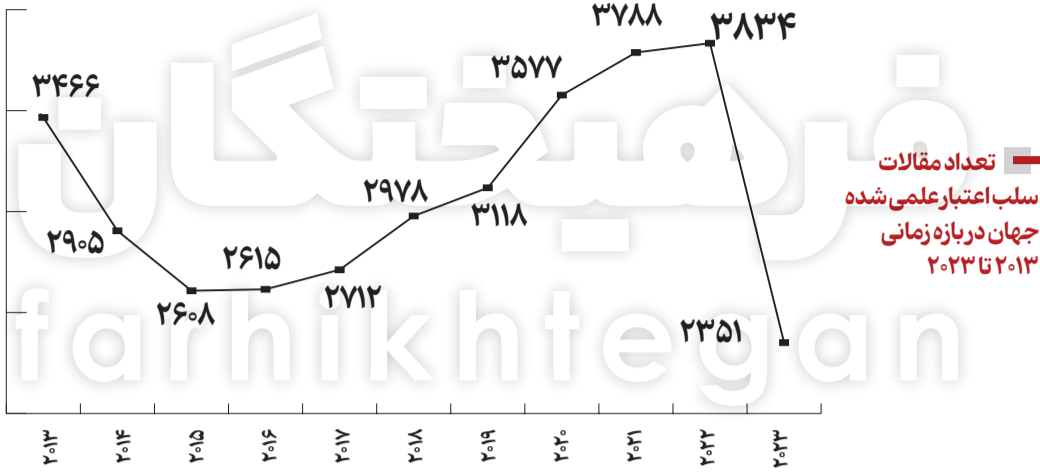
۴۸

مقالات دارویی بیشترین رد اعتبار علمی را داشته اند

در سال ۲۰۲۲ در مجموع سه هزار و ۸۳۲ مقاله علمی دنیا رد اعتبار شد که به نسبت سال ۲۰۲۱، تنها ۱٫۱۹ درصد رشد داشته است. با این حال باز هم آمریکایی ها ۲۹ درصد از کل مقالات این مقالات را در اختیار داشتند. رتبه های دوم و سوم در جایگاه کشورها هم مانند سال گذشته بدون تغییر ماند. ایرانی ها اما تعداد مقالات شان به ۴۸ عدد رسید که معنایش ریزش دو درصدی در این حوزه است. نکته جالب درباره این سال آن است که این دانشگاه کالج لندن هم برای اولین بار با فراگیری در جایگاه سوم، به جمع سه دانشگاه اولی که بیشترین رد اعتبارات علمی را به خود اختصاص داده اند، رسید. البته رتبه اول بدون تغییر در اختیار دانشکده پزشکی هاروارد و رتبه دوم هم دوباره به تورنتو رسید. سهم مقالات دارویی هم بار دیگر به زیر ۵۰ درصد رسید و براساس آمار اسکوپوس ۴۹٫۴ درصد از کل مقالات مرتبط با حوزه دارو است. اما سهم مقالات مرتبط با حوزه های دیگر با رشد یک درصدی به ۱۶٫۴ درصد به نسبت سال قبل رسید. جایگاه سوم هم مثل همیشه در اختیار بیوشیمی بوده است.

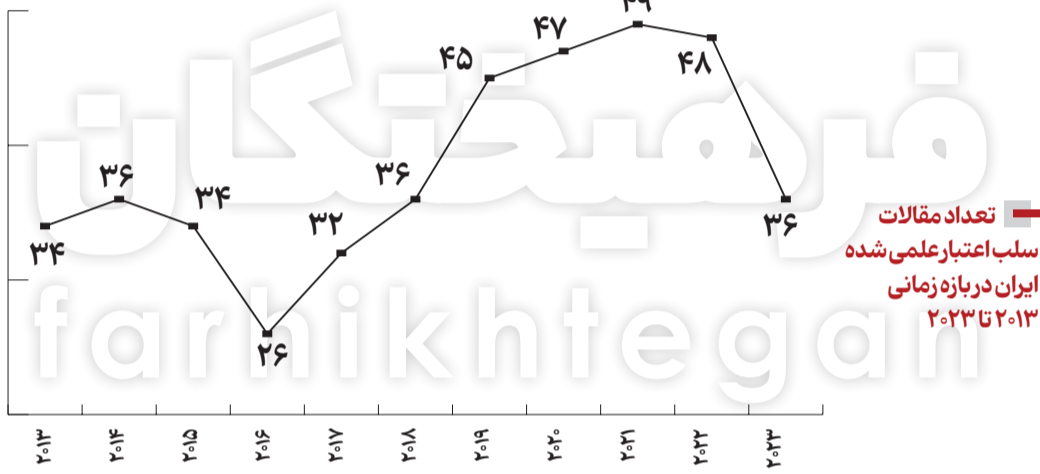
رشد ۱۱ درصدی تعداد مقالاتی که اعتبار علمی شان از بین رفت!

در یک بررسی کلی در اسکوپوس، باید عنوان کرد در بازه زمانی ۹ ساله از ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۳ روند پرفراز و نشیبی را داشته است. به طوری که از سه هزار و ۴۶۶ مقاله به سه هزار و ۸۳۴ مقاله در سال ۲۰۲۲ رسیده که نشان از رشد ۱۱ درصدی این دسته از مقالات دارد. با این حال از سال ۲۰۲۲ تا ۲۰۲۳ (با در نظر گرفتن این مساله که هنوز این سال به اتمام نرسیده) این میزان از مقالات ۴۰ درصد کاهش یافته است. هرچند که در این میان باید به این مساله هم توجه کرد که سال ۲۰۲۲ را باید بدترین سال از حیث رد اعتبار علمی مقالات دانست و در مقابل سال ۲۰۱۵ با ۲ هزار و ۶۰۸ مقاله هم جزء بهترین سال ها در این زمینه به شمار می رود. نکته ای که نمی توان اهمیت آن را در این بخش نادیده گرفت، این است که با رشد کمی تعداد مقالات منتشر شده در دنیا، تعداد مقالاتی که بعد از مدتی بنا به دلایل گفته شده اعتبار علمی شان از بین می رود هم بیشتر خواهد شد.



۲۰۲۱؛ بدترین سال برای مقالات علمی ایران

در این میان تعداد مقالات علمی ایران هم از این قاعده مستثنی نبوده و در بازه زمانی ۹ ساله یعنی از ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۲ با رشد ۳۴ درصدی همراه بوده است. هرچند که در سال جاری میلادی تنها ۳۶ مقاله ایرانی از درجه اعتبار ساقط شدند اما بالاترین میزان را باید به سال ۲۰۲۱ با ۴۹ مقاله سلب اعتبار علمی شده، نسبت داد. بعد از آنکه قابل توجه این است که در سال ۲۰۱۶ در مجموع تنها ۲۶ مقاله ای که از سوی نویسندگان کشورمان منتشر شده اعتبارشان رد شده است. در اینجا بد نیست به این مساله هم اشاره شود که هرچند این مهم برای همه کشورهای دنیا وجود دارد و در این میان آمریکایی، انگلیسی ها و چینی همیشه در رتبه های اول تا سوم قرار داشتند، اما طبیعتا روند رشد سلب اعتبار علمی از مقالات علمی ایران می تواند زنگ خطر جدی برای کشورمان به شما می رود و می طلبد متولیان امر توجه جدی تری به این مساله داشته باشند.



پرتکرارترین دلایل ابطال علمی مقالات

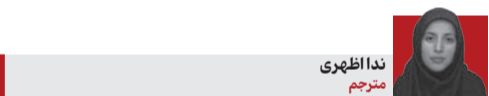
با پیشنهاد بازنگری دقیق مقالات به مجلات به دنبال ارجاع آنها به بخش دوری، جزئیاتی جعلی از مقاله را ارائه می دهند که شباهت بسیار زیادی به جزئیات مقاله محققان واقعی دارند و باعث می شود مقالات دقیق و واقعی به نظر برسند و در نهایت منجر به انتشار سریع مقالات می شود. نقض کپی رایت؛ نقض قانون کپی رایت، خواه به صورت عمدی یا غیر عمدی نیز می تواند از دلایل ابطال مقالات به شمار رود، به عنوان مثال اگر ارقام یک مقاله که پیش تر در مقاله یا مجله دیگری منتشر شده، بدون کسب مجوز از ناشر اصلی بازتولید شود، این نقض قانون کپی رایت تلقی می تواند منجر به ابطال مقاله شود. نقض قانون کپی رایت هم از شایع ترین دلایل رد و ابطال مقالات منتشر شده است.

تضاد منافع در انتشار مقاله: از دلایل دیگر برای سلب اعتبار و ابطال مقالات منتشر شده می توان به تضاد منافع اشاره کرد. این مورد که بخشی از اخلاق پژوهشی است، زمانی رخ می دهد که یک مقاله با همکاری چند نفر نوشته شده باشد یا تحت حمایت یک سازمان یا نهاد خاصی باشد. از این رو چاپ مقاله در یک مجله باید با رضایت طرفین نویسندگان انجام شود و در صورتی که بعد از انتشار مقاله مشخص شود که این مقاله بدون رضایت آنها به انتشار رسیده، مقاله سلب اعتبار می شود. نداشتن تأییدیه اخلاقی: در کنار دلایل دیگر نقض اخلاق هم می تواند انگیزه بالایی برای ابطال مقاله منتشر شده باشد. این معمولا به شکل عدم موفقیت در جست وجو و کسب تأییدیه اخلاقی برای انجام یک سری تحقیقات پیش از تأیید آن است. به عنوان مثال ممکن است در مقاله از آزمایش روی حیوانات یا انسان ها استفاده شده باشد که نیاز به تأییدیه های اخلاقی داشته باشد. اگر پس از انتشار مقاله مشخص شود که تأییدیه ای اخذ نشده، احتمالا منجر به ابطال مقاله خواهد شد.

دلایل سلب اعتبار مقالات

به دنبال مشکلات موجود در تصویر

علاوه بر اینکه برخی خطاها و مشکلات در متن و نگارش مقالات باعث سلب اعتبار و ابطال آن پس از انتشار در مجلات می شود، گاهی ممکن است این مشکلات در تصاویر چاپ شده در داخل متن مقالات باشد که دلیلی بر ابطال کل مقاله خواهد شد. طبق آمار تعداد خطاهایی که باعث سلب اعتبار مقالات شده اند، از سال ۲۰۱۰ با رشد قابل توجهی روبه رو بوده اند و در سال های ۲۰۲۰ و ۲۰۲۱ به اوج خود رسید، به طوری که از ۲۹۰ با مقاله سلب اعتبار شده به ۴۹۹ مقاله در سال ۲۰۲۰ و ۷۰۲ مقاله در سال ۲۰۲۱ افزایش یافته است که در این میان، پرتکرارترین خطا، استفاده از تصاویر تکراری در مقاله بوده است.



ندا اظهري
منترجم

مقالات وقتی مراحل بازنگری و تأیید را از سوی ژورنال ها دریافت می کنند وارد مرحله انتشار می شوند و این مرحله برای نویسنده مقاله می تواند بسیار ارزشمند باشد. اما گاهی پیش می آید که مقاله ای پس از انتشار در یک ژورنال، برگشت زده شده و از آن سلب اعتبار می شود. معمولا این سلب اعتبار و برگشت زده شدن مقالات به دلایل عمده ای رخ می دهد که بخشی از آنها به دنبال خطاهای غیر عمدی و برخی ناشی از سوء رفتارهای اخلاقی ابطال می شوند.

خطاهای غیر عمدی: خطاهای صادقانه معمولا جزء خطاها و اشتباهات غیر عمدی و سهوی محسوب می شوند که شامل مواردی چون استفاده نادرست از داده های نادرست یا تکنیک تجزیه و تحلیل داده های نامناسب یا گمراه کننده هستند. نمونه دیگری از یک خطای صادقانه ممکن است انتشار تکراری یک مقاله به طور ناخواسته و غیر عمدی باشد. به عنوان مثال اگر یک مقاله به طور تصادفی توسط دو نویسنده مختلف به دو مجله مختلف ارسال و این خطا تنها پس از انتشار مشخص شده باشد. این مورد که شامل انتشار تکراری مقالات هم می شود ۱۱ درصد خطاهای مربوط به ابطال مقالات را به خود اختصاص می دهد.

سرقت ادبی: سوء رفتار اخلاقی از جمله دلایل بسیار رایج برای سلب اعتبار مقالات منتشر شده به شمار می رود که معمولا توسط شخصی غیر از نویسنده یا نویسندگان مقاله شناسایی می شود. نمونه هایی از سوء رفتار عمدی که می تواند منجر به ابطال و رد مقالات منتشر شده شود، شامل استفاده از داده های جعلی، سرقت ادبی متن یا دستکاری تصاویر است. بیشترین دلیل ابطال مقالات پس از انتشار به همین مورد برمی گردد. حدود ۲۹ درصد از موارد ابطال مقالات به دلیل سرقت ادبی اتفاق می افتد. اجازه کتبی از نویسنده برای چاپ مقاله: دریافت اجازه کتبی از نویسنده برای چاپ مقاله در یک مجله از الزامات انتشار مقالات است. به عنوان مثال اگر نام افراد بدون اطلاع یا رضایت آنها به عنوان نویسنده در یک نسخه خطی منتشر شده یا فهرست شده باشد، می تواند دلیلی برای رد و ابطال مقاله منتشر شده باشد.

تقلب در بازنگری مقالات: از دیگر دلایل شناخته شده و پرتکرار برای ابطال مقالات منتشر شده، تقلب در بازنگری مقالات است. در سال های اخیر مجلات در سراسر دنیا از وجود شبکه های بازنگری متقلب که توسط ناشران فاقد اعتبار اداره می شوند، آسیب می بینند که در پشت صحنه انتشار مقالات به بازنگری و انتشار مقالات تقلبی می پردازند. این شبکه ها

دلایل سلب اعتبار



ادامه از صفحه ۴

۵

فرهنگستان
دانشگاه

پنجشنبه ۳ شهریور ۱۴۰۲
شماره ۳۹۶۴
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

سیستم آموزشی آمریکا به دنبال راهکارهای انگیزه‌بخش برای افزایش تعداد دانشجویان است

افق ۱۰ میلیون فارغ‌التحصیل در ۲ دهه آینده



نداظهري

مترجم

در سال‌های اخیر گرایش افراد به ویژه جوانان برای حضور در دانشگاه و داشتن تحصیلات دانشگاهی و در نتیجه کسب مدرک دانشگاهی به طور چشمگیری کاهش یافته است. این امر به ویژه بعد از همه‌گیری کرونا و آنلاین شدن بسیاری از کلاس‌های دانشگاهی روند رو به رشدی پیدا کرده و وضعیت نابسامان اقتصادی را نمی‌توان در این کاهش گرایش نادیده گرفت؛ به طوری که بسیاری از دانشجویان معتقدند که دیگر ارزش زیادی برای هزینه کردن برای تحصیل در دانشگاه قابل نیستند. این وضعیت در آمریکا شدیدتر است و کارشناسان بر این باورند که آموزش عالی آمریکا با اقدامات فاطمانه و جسورانه، می‌تواند تاثیر خود را گسترش داده و به وعده‌های خود پیرامون نتایج عادلانه‌تر عمل کند و وضعیت رقابتی اقتصادی کشور را بهبود بخشد. سیستم آموزش عالی آمریکا از چند جنبه با بحران مواجه است؛ رشد ثبت‌نام دانشجویان روندی رو به کاهش داشته، بدهی دانشجویان در بالاترین حد خود قرار دارد، بخش آموزش عالی به وعده‌های خود مبتنی بر برقراری برابری بیشتر عمل نکرده و شهرت و مقبولیت آموزش عالی در میان بسیاری از آمریکایی‌ها رو به افول است. در این میان، راه‌حل چالش برانگیز اما روشنی وجود دارد. آموزش عالی باید بر مأموریت اصلی خود یعنی آموزش فراگیر متمرکز بماند اما شیوه‌های خود را برای خدمت به آمریکایی‌ها نسبت به سایر قومیت‌ها توسعه دهد. تجزیه و تحلیل‌ها نشان می‌دهد که آموزش عالی باید هدف جسورانه را دنبال کند به این طریق که باید شمار فارغ‌التحصیلان دانشگاهی را تا ۲۰ سال آینده به ۱۰ میلیون بیشتر از تعداد فارغ‌التحصیلان فعلی افزایش دهد. این هدف بلند پروازانه حکایت از آن دارد مسیری برای دستیابی به این هدف باید طی شود که به جای تشدید چالش‌های این حوزه، آنها را مورد توجه قرار داده و تلاش می‌کند آنها را حل و فصل کند.



مدارک دانشگاهی همچنان جواب می‌دهند

مدارک لیسانس، کاردانی و گواهینامه‌های واجد شرایط همچنان در میان مهم‌ترین عوامل توانمندسازی تحرک اقتصادی و توانمندسازی فردی در آمریکای باقی مانده‌اند. با کنترل متغیرهای جمعیت‌شناختی، فارغ‌التحصیلان دارای مدرک لیسانس به طور متوسط از ۴۵۰ هزار دلار (برای زنان) تا ۶۵۰ هزار دلار (برای مردان) در طول زندگی خود به دست می‌آورند که به مراتب بیشتر از درآمدی است که افراد دارای مدرک دیپلم کسب می‌کنند و مطالعات نیز نشان داده است که میزان درآمدها در حال افزایش است. علاوه بر این، مدرک تحصیلات تکمیلی دارای مزایای غیرپولی قابل توجهی است که از پیامدهایی نظیر سلامت بهتر، مشارکت مدنی بیشتر و ادرومی‌گردد. این مزایا از طریق افزایش تولید ناخالص داخلی، افزایش پرداخت مالیات و کاهش اتکا به خدمات اجتماعی، اثرات ترکیبی بر اقتصاد به جا می‌گذارند. مزیت‌های داشتن مدرک تحصیلات تکمیلی بسیار واضح است اما آنها به طور مساوی در سراسر جامعه توزیع نمی‌شوند. آمریکایی‌های سیاه‌پوست و اسپانیایی‌تبارها کمترین میزان پیشرفت تحصیلی را در پرونده خود دارند به طوری که تنها ۲۱ درصد از اسپانیایی‌ها و ۲۸ درصد از آمریکایی‌های سیاه‌پوست در مقابل ۴۲ درصد از سفیدپوستان غیراسپانیایی و ۶۱ درصد از آمریکایی‌های آسیایی مدرک لیسانس یا بالاتر دارند. بسیاری از دانشکده‌ها به ویژه آن دسته از دانشکده‌هایی که به بخش قابل توجهی از دانشجویان کم‌درآمد خدمت می‌کنند، هر ساله موفق نمی‌شوند درصد زیادی از دانشجویان خود را فارغ‌التحصیل کنند و میلیون‌ها نفر از آنها بدون دریافت مدرک به دانشگاه به‌کار باقی می‌مانند.

افت تعداد دانشجویان بعد از همه‌گیری

به گزارش mckinsey، از دیگر روند‌های نگران‌کننده آموزش عالی می‌توان به کاهش ثبت‌نام دانشجویان در سراسر جهانی در سال‌های اخیر اشاره کرد که به ویژه در آمریکا موجب نگرانی بسیاری از کارشناسان حوزه آموزش عالی شده است. این چالش به سه دلیل عمده اتفاق افتاده است که شامل کاهش نرخ زاد و ولد در آمریکا از زمان رکود بزرگ، تغییر درک هزینه‌ها و مزایای کسب مدرک، و پیامدهای ناشی از همه‌گیری کرونا می‌شود. حتی به رغم کاهش ثبت‌نام دانشجو در دانشگاه‌های آمریکا، تقاضا برای به خدمت گرفتن کارگرانی که دارای مدرک دانشگاهی هستند، روند رو به افزایشی داشته است. تجزیه و تحلیل‌ها نشان می‌دهد که ۸۶ درصد از مشاغل جدیدی که پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۳۰ ایجاد شوند، در حوزه‌هایی چون پرستاری، تدریس و امنیت سایبری هستند که در رقابت جهانی به تحصیلات پس از دوران متوسطه یا همان تحصیلات دانشگاهی نیاز دارند. در نهایت، با توجه به افزایش بدهی وام‌های دانشجویی، شک و تردید در مورد ارزش آموزش تحصیلات تکمیلی نیز افزایش یافته است؛ تغییری که با همه‌گیری تشدید یافته است. در ماه می ۲۰۲۱، حدود ۶۵ درصد از دانشجویان مورد بررسی با این بیانیه موافق بودند که آموزش عالی دیگر ارزش هزینه کردن ندارد. این میزان در دسامبر ۲۰۲۰ به ۵۷ درصد کاهش یافت و با تداوم روند کاهش، در آگوست ۲۰۲۰ به ۴۹ درصد دانشجویان رسید.

رشد اقتصادی درگرو تحرک آموزش عالی

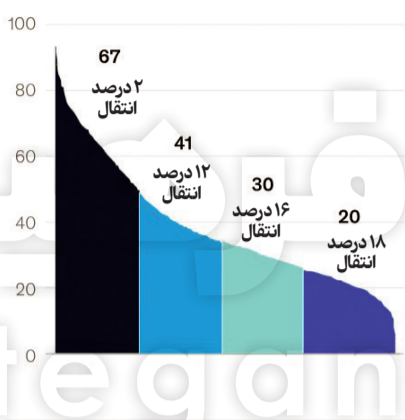
آمارهای ارائه شده سوالی را در ذهن ایجاد می‌کند مبنی بر اینکه چگونه بخش آموزش عالی می‌تواند ارزش پیشنهادی خود را بهبود بخشد و مزایای آموزش عالی را به آمریکایی‌های بیشتری گسترش دهد و در عین حال، تحرک اقتصادی عادلانه‌تر و اقتصاد قدرتمندتری را ایجاد کند. برای این مهم، دو مرحله مورد نیاز است. اول اینکه در حالی که ظرفیت‌های بالایی در سیستم آموزش عالی وجود دارد، موسسات آموزش عالی باید نشان دهند که می‌توانند قبل از افزایش ثبت‌نام‌ها، دانشجویان خود را با موفقیت فارغ‌التحصیل کنند. در این میان، این موضوع اهمیت دارد که دانشکده‌ها توانایی فارغ‌التحصیلی بیشتریین تعداد دانشجویان آسیب‌پذیر را داراست.

تلاش برای افزایش میزان ظرفیت دانشگاه‌ها

تجزیه و تحلیل ثبت‌نام و تکمیل ظرفیت دانشکده‌ها نشان می‌دهد که تنها ۱۱ درصد از ظرفیت موجود در بخش آموزش عالی را دانشکده‌هاایی تشکیل می‌دهند که هم نرخ تکمیل ظرفیت آنها بالاتر از میانگین است و هم سهم

نرخ تکمیل ظرفیت موسسات دوساله

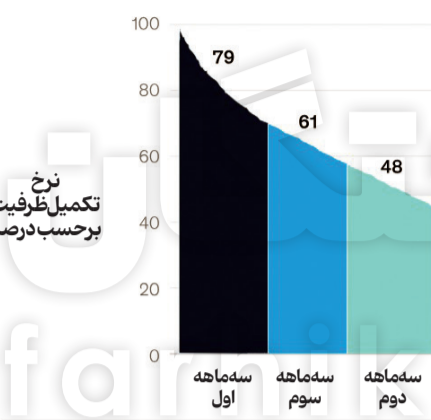
(کالج، ۲۰۱۹)



سهم دانشجویان کم‌درآمد برحسب درصد	۳۸	۳۴	۳۹	۵۶
۱.۵ (۱۳%)	۱.۲ (۱۰%)	۰.۸ (۷%)	۰.۲ (۲%)	

نرخ تکمیل ظرفیت موسسات چهارساله

(کارشناسی، ۲۰۱۹)



سهم دانشجویان کم‌درآمد برحسب درصد	۴۸	۴۳	۳۶	۲۵
۱.۳ (۱۱%)	۱.۷ (۱۴%)	۲.۱ (۱۸%)	۳.۱ (۲۶%)	

بیش از ۴۵ درصد شکاف در نرخ تکمیل ظرفیت بین موسسات دو و چهارساله در بازه سه‌ماهه نخست تا سه‌ماهه چهارم وجود دارد

قرار داده است:

منابع مالی و مقرون به صرفه: دانشکده‌ها را مقرون به صرفه‌تر کنید؛ از کمک‌های مالی با زمان بندی استراتژیک گرفته تا خدمات کم هزینه‌ای مانند مراقبت از کودکان که ادامه تحصیل را ممکن می‌سازد، استفاده کنید. به اطلاعات دسترسی پیدا کنید؛ دانشکده‌ها باید دسترسی به اطلاعات پیرامون نحوه ثبت‌نام، نحوه دریافت کمک مالی و آنچه را ممکن است به‌عنوان پیامدهای دوره‌های مختلف ایجاد شوند، فراهم کنند.

چهارچوب ذهنی و آمادگی: دانشکده‌ها باید به دانشجویان کمک کنند تا از طریق دوره‌های پیش‌ثبت‌نامی و کسب تجربیات فوق درسی به وظیفه خود عمل کنند.

شبکه‌ها و خدمات حمایتی: دانشکده‌ها باید اطمینان حاصل کنند که دانشجویان از حمایت‌های مورد نیاز، از مرییان و استادان گرفته تا راهنمایی‌های شغلی و حرفه‌ای برخوردار هستند.

۵ راهکار حل موانع موجود

سرمایه‌گذاران و موسسات آموزش عالی برای رفع موانع موجود بر سر راه دانشجویان و موسسات و نیز دستیابی به اهداف مدنظر دانشکده‌ها، باید پنج اقدام قطعی را در دستور کار خود قرار دهند.

۱ سرمایه‌گذاران و موسسات آموزشی باید ۵۲ میلیون و ۵۰۰ هزار دانشجوی بزرگسال باقی‌مانده بدون مدرک دانشگاهی را از طریق ساختارهای حمایتی خلاقانه، دوره‌های کلاسی انعطاف‌پذیر و روش‌های آموزشی مناسب تر اولویت‌بندی کنند.

۲ آنها باید تکمیل ظرفیت مازاد در دانشکده‌های آمریکا را با یک میلیون و ۶۵۰ هزار صندلی آزاد در موسساتی با عملکرد برتر با نرخ تکمیل ظرفیت بالاتر انجام دهند.

۳ آنها همچنین باید برای بهبود دسترسی و کاهش شکاف ۴۵ درصدی در نرخ تکمیل ظرفیت ثبت‌نامی دانشگاه‌ها، از دانشجویان در فرآیند بین‌ثبت‌نام تا اشتغال حمایت و از مداخلات مبتنی بر داده‌های خاص دانشجویی استفاده کنند.

۴ آنها باید از طریق ثبت‌نام در ۶۴ درصد دوره‌های تحصیلات تکمیلی که با گذشت سرمایه‌گذاری را طی ۱۰ سال ارائه می‌دهند، دانشجویان را به سمت مسیرهایی با بازگشت سرمایه و اشتغال بالا هدایت کنند.

۵ سرمایه‌گذاران و موسسات آموزش عالی باید به دنبال گزینه‌هایی برای بهبود مقرون به صرفه شدن دانشکده‌ها از طریق بهره‌وری هزینه‌ها و مکانیسم‌های تامین مالی جدید بررسی کنند.

فارغ‌التحصیلی ۱۰ میلیون فارغ‌التحصیل دیگر در بازه‌های ۲۰ ساله، از بسیاری جهات برای موفقیت و تاب‌آوری کشور در آینده ضروری است. آمریکا به فارغ‌التحصیلان بیشتری برای پر کردن مشاغلی با مهارت بالا نیاز دارد که باعث رشد اقتصادی، تحرک و رقابت بیشتر، افزایش مشارکت مدنی و بهبود نتایج سلامت و امنیت ملی می‌شود. در این میان، افرادی که به تعادل میان این موارد چنگ می‌زنند، ۱۰ میلیون نفری هستند که آینده کشور را رقم خواهند زد.

بالاتری از میانگین دانشجویان واجد شرایط برای دریافت کمک هزینه‌های فدرال به دانشجویان کم‌درآمد را به خود اختصاص داده‌اند. میانگین نرخ تکمیل ظرفیت ثبت‌نام دانشجویان در مقطع کارشناسی و کاردانی در سراسر آموزش عالی آمریکا، به ترتیب ۶۴ و ۳۴ درصد گزارش شده است. با وجود این، دیدگاه موسسه به موسسه روایت ظرفیت‌تری را نشان می‌دهد و بیانگر آن است که پتانسیل واقعی برای بهبود وضعیت قابل توجه در سراسر آموزش عالی این کشور وجود دارد.

در ابتدا، نرخ تکمیل ظرفیت ثبت‌نام دانشکده‌ها به‌طور گسترده‌ای بر اساس هر موسسه برای هر دو مدرک لیسانس و کاردانی متفاوت است. دوم اینکه تفاوت‌های بزرگی میان دانشکده‌ها با عملکرد بالا و پایین هنگام کنترل نوع موسسه و سهم دانشجویان واجد شرایط دریافت کمک‌هزینه وجود دارد.

حتی هنگام تنظیم موسسات آموزشی مشابه طبق طبقه‌بندی «کارنگی» که چهارچوبی برای توصیف تنوع سازمانی در آموزش عالی است، میانگین شکاف در نرخ تکمیل ثبت‌نام دانشجویان بین موسسات دو و چهار ساله با عملکرد بالا و پایین ۳۰ درصد باقی می‌ماند. این امر نشان می‌دهد که نرخ تکمیل ظرفیت موسسات بر اساس برنامه‌های دانشکده یا مشخصات دانشجویان تعیین نمی‌شود. اقداماتی که یک موسسه دانشگاهی انجام می‌دهد شامل چگونگی مشارکت و حمایت از دانشجویان، می‌تواند تاثیر زیادی بر تعداد دانشجویانی داشته باشند که فارغ‌التحصیل می‌شوند.

سوم اینکه تعدادی از دانشکده‌ها نشان داده‌اند که پیشرفت‌های بزرگ در طول یک دوره ده ساله امکان‌پذیر است؛ ۱۲۱ موسسه ارائه‌دهنده مدرک لیسانس با حداقل ۴ هزار دانشجو، نرخ تکمیل ثبت‌نام دانشجویان را طی یک دهه گذشته حداقل ۱۰ درصد بهبود بخشیده‌اند. توسعه نرخ ثبت‌نامی‌ها به ویژه برای دانشجویان کم‌درآمد می‌تواند به اولویت‌بندی تبدیل شود، زیرا تنها ۱۱ درصد از ظرفیت دو و چهار ساله موجود در موسسات با نرخ تکمیل ظرفیت بالاتر از حد متوسط و سهم دانشجویان واجد شرایط دریافت‌گردد است. افزایش ثبت‌نامی‌ها به میزان ۳ تا ۴ درصد در سال به‌رغم اجرای اقداماتی برای بالاترین نرخ تکمیل ظرفیت می‌تواند ظرفیت اضافی و کافی برای تحقق هدف مورد نظر آموزش عالی ایجاد کند. هزینه کلی تربیت ده‌ها میلیون فارغ‌التحصیل طی ۲۰ سال حدود یک هزار و ۲۰۰ میلیارد دلار می‌شود. در صورتی که هزینه‌های موسسات آموزش عالی مقرون به‌صرفه‌تر شده و موانع آموزشی از سر راه موسسات برداشته شود، مانند برگزاری دوره‌های آنلاین و ترکیبی و طرح‌های اقساط شهریه، این هزینه‌ها کاهش می‌یابد. همچنین می‌توان این کارها را از طریق اقدامات دانشگاهی انجام داد که منجر به نرخ بالاتر تکمیل ظرفیت ثبت‌نام دانشجویان و نیز ایجاد مشاغلی پردرآمدتر می‌شود. سرمایه‌گذاران آموزش عالی باید برای کمک به تامین مالی این اقدامات و اطمینان از اینکه دانشجویان باقی‌مانده هم فارغ‌التحصیل می‌شوند و هم شغل پرسود پیدا می‌کنند، همکاری کنند.

چرا ظرفیت دانشجویان دانشکده‌ها تکمیل نمی‌شود؟

شرکت «مکینزی» بیش از صد اقدام را با هدف بهبود دسترسی دانشجویان و تکمیل ظرفیت‌های ثبت‌نامی دانشگاه‌ها از منظر چهار مانع بزرگ پیش‌روی فراگیران و اقدامات کلی مورد نیاز برای اصلاح آنها مورد تجزیه و تحلیل صرفاً با تصور حرکت دادن دست‌هایش استفاده کند.

شرکت نورالینک برای آزمایش بالینی داوطلب می‌پذیرد

شرکت نورالینک ایلان ماسک اکنون درحال پذیرش داوطلب برای انجام اولین آزمایش‌های انسانی قرار دادن تراشه در مغز است. به گزارش ایسنا و به نقل از دیجیتال‌ترندز، شرکت نورالینک (Neuralink) اعلام کرده است که اکنون درخواست‌های داوطلبان انسانی را که مایل به کاشت رابط رایانه‌ای آزمايشی N۱ این شرکت در مغز خود هستند، می‌پذیرد. اولین مطالعه انسانی نورالینک، به نام پرایم (PRIME) برگرفته از سرواژه‌های کلمات رابط دقیق ریابنیک کاشته شده مغز و رایانه به زبان انگلیسی، توجه افراد مبتلا به فلج چهار اندام به دلیل آسیب نخاعی گردن یا اسکلوژز جانبی آمیوتروفیک (ALS) را به خود جلب می‌کند. آنها همچنین باید دست‌کم ۲۲ سال داشته باشند و یک مراقب ثابت و قابل اعتماد نیز داشته باشند. ماسک در سال ۲۰۲۲ گفت که قصد دارد این دستگاه را در مغز خودش قرار دهد، اما معیبه به نظر می‌رسد که او جزء اولین دسته از شرکت‌کنندگان در آزمایش باشد. شرکت نورالینک درحال توسعه فناوری است که مغز انسان را با یک رابط رایانه‌ای ادغام می‌کند تا افراد مبتلا به بیماری‌های عصبی را قادر سازد با دستگاه‌های مختلف ارتباط برقرار کرده و آنها را کنترل کنند. به‌عنوان مثال، فردی که فلج است به‌طور بالقوه می‌تواند از تلفن خود صرفاً با تصور حرکت دادن دست‌هایش استفاده کند.

احداث اولین کارخانه تولید ربات انسان‌نما

اولین کارخانه تولید انبوه ربات‌های انسان‌نما در جهان اسما افتتاح می‌شود تا تولید انبوه این ربات‌ها را به واقعیت تبدیل کند. به گزارش ایسنا و به نقل از آی‌ای، اولین کارخانه تولید ربات‌های انسان‌نما در ایالت اورگان متحده به احتمال فراوان اواخر اسما افتتاح می‌شود. شرکت اجیلیتی رپوتیکس (Agility Robotics) به‌تازگی اعلام کرده است که مقدمات افتتاح این واحد تولیدی با نام روبوف (RoboFab) درحال انجام است. در این بیانیه مطبوعاتی ذکر شده است که ساخت این تأسیسات از سال گذشته آغاز شده است. دامیون شلتون (Damion Shelton) یکی از هم‌بنیان‌گذاران و مدیرعامل این شرکت، گفت: «افتتاح کارخانه مایک لفظه‌مهم در تاریخ رباتیک، یعنی آغاز تولید انبوه ربات‌های انسان‌نمای تجاری است. گفته می‌شود کارخانه روبوف می‌تواند هر ساله ۱۰ هزار ربات انسان‌نما بسازد. در سال ۲۰۲۰، این شرکت یک ربات دویو بدون سر به نام دیجیت (Digit) را معرفی کرد. این ربات که توسط این شرکت طراحی و ساخته شده است، جهشی قابل توجه در دنیای رباتیک، به‌ویژه در حرکت پاها و طراحی ربات‌های انسان‌نما از خود نشان داد. ربات نسل بعدی این شرکت نیز دارای سر، دست و چشم‌های ال‌ای دی بود. شلتون می‌گوید: «ما دیجیت را برای حل مشکلات دشوار در نیروی کار مورد نیازماند آسیب‌ها، فرسودگی شغلی، جابه‌جایی زیاد و شکاف‌های پرشدنی برای نیروی کار با چشم‌انداز نهای افزایش توانایی انسان‌ها ساختیم.»

چارسوی فناوری

همکاری دوربین‌های ناسا برای ثبت تصویری

حیرت‌انگیز از نیمه پنهان ماه

دوربین‌های قدرتمند مدارگرد قمری ناسا به‌تازگی تصاویری شگفت‌انگیز از نیمه پنهان ماه شکار کرده‌اند که جزئیات بی‌سابقه‌ای را نشان می‌دهند. به گزارش ناسا، تصاویر جدید قدرت دو دوربین مدارگرد ناسا را که با هم کار می‌کنند نشان می‌دهد. این تصاویر توسط دوربین مدارگرد شناسایی ماه (LROC) و دوربین ShadowCam که یکی از ابزار ناسا روی فضاپیماي موسسه تحقیقات هوافضای کره جنوبی به نام دانوری (Damuri) است، به دست آمده است. دوربین مدارگرد شناسایی ماه می‌تواند تصاویر دقیقی از سطح ماه بگیرد، اما توانایی محدودی برای عکاسی از بخش‌های سایه‌دار ماه که هرگز نور مستقیم خورشید را دریافت نمی‌کنند، دارد. اما دوربین ShadowCam ۲۰۰ برابر بیشتر از دوربین مدارگرد شناسایی ماه به نور حساس است و می‌تواند در این شرایط بسیار کم‌نور با موفقیت عمل کند و ویژگی‌هایی را آشکار کند که برای LROC قابل مشاهده نیستند. با این حال، حساسیت دوربین ShadowCam به نور باعث می‌شود که قادر به گرفتن تصاویری از بخش‌هایی از ماه که مستقیماً توسط نور خورشید روشن شده‌اند، نباشد. بنابراین با بهینه‌سازی هر یک از این دو دوربین متناسب با شرایط نوری خاصی که در نزدیکی قطب‌های کره ماه وجود دارد، تحلیل‌گران می‌توانند تصاویر هر دو ابزار را با هم ترکیب کنند تا جزئیات بی‌سابقه‌ای از منطقه قطب جنوب تنها ماهواره طبیعی زمین را آشکار کنند.

رئیس‌جمهور در نیویورک چه گفت؟

علیه تبعیض و تحدید در دنیا

سخترانی رئیس جمهور ایران در سازمان ملل:

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا و نبينا محمد وآله الطاهرين و صحبه المنتجبين

فبشر عباد الذين يستمعون القول فيتبعون أحسنه

(قرآن کریم سوره زمر آیات ۱۷ و ۱۸)

آقای رئیس!

انتخاب جنابعالی را به ریاست هفتادوهشتمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد تبریک می‌گویم.

از سال قبل که من از این تریبون با شما سخن گفتم، جهان دستخوش تحولات مهم تلخ و شیرینی بوده است. قریب به هشت دهه پس از تاسیس سازمان ملل، اجلاس جدید مجمع عمومی درحالی آغاز می‌شود که جهان، تحولات بی سابقه و تاریخ‌سازى را تجربه می‌کند. در این میان آنچه تضمین‌کننده آینده‌ای روشن برای جامعه بشری است، توجه به ارزش‌های والایی است که انسان را به سمت کمال و کرامت سوق می‌دهد؛ و چه چیزی بهتر از کلام پروردگار می‌تواند انسانیت و ارزش‌های تعالی‌بخش انسانی را تعریف کند.

حضار گرامی! خانم‌ها و آقایان!

قرآن کلام خداوند و کتابی است که انسان را به عقلانیت، معنویت، عدالت، اخلاق و حق‌باوری دعوت می‌کند. سه رکن اساسی در قرآن، توحید، عدالت و کرامت انسانی است که تا‌مین‌کننده سعادت بشر است. مگر قرآن چه فرموده که کینه‌های مستکبرین و ارباب قدرت و ثروت را برانگیخته است؟ قرآن می‌فرماید: «ای بشر؛ ستم و تفرقه را نپذیر». با این رهنمود می‌توان جهانی از کرامت و عظمت ساخت. قرآن از وحدت بشر می‌گوید و اینکه همه ساکنان زمین، همچون خواهر و برادرند و از یک پدر و مادر؛ قرآن انسان را نماینده خداوند زن و مرد را با وجود تفاوت‌های طبیعی، مکمل یکدیگر و مساوی در محضر خداوند می‌داند؛ قرآن از حریم خانواده دفاع می‌کند و کودک را امانت خدا می‌داند. وفای به عهد و پیمان، راستگویی و امانتداری، صداقت در مرادوات و معاملات، خدمت به محرومان و مبارزه با فقر و فحشا و بی‌عدالتی...آری اینهاست محتوای قرآن شریف. آیا این نخستین‌بار است که کلمات خداوند را می‌سوزانند و گمان می‌کنند، صدای ملکوت را برای همیشه قطع می‌کنند؟ آیا نمرود و فرعون و قارون بر ابراهیم و موسی و عیسی پیروز شدند؟

اسلام‌ستیزی و آپارتاید فرهنگی شایسته پیشرفت‌های انسان معاصر نیست

قرآن، توهین به عقاید و باورها را منع کرده و احترام به ابراهیم و موسی و عیسی را احترام به محمد(ص) می‌داند.

وَمَا أَوْفَىٰ مَوْثِقِي وَعَيْسِي ۖ وَالنَّبِيِّنَّ مِن رَّيْبِهِمْ لَأُثَبِّتُنَّ يُثِينَ أَخْبَدُ لَهُمْ ۚ وَنَحْنُ لَهُ مُشْلِمُونَ (قرآن کریم سوره آل‌عمران- آیه ۸۴)

این مفاهیم وحدت بخشش و تعالیم تعالی، الهام بخش، انسان‌ساز، جامعه‌ساز و تمدن‌ساز انبیا برای جوامع بشری، ابدی اند و هرگز نمی‌سوزند.



محور صحبت‌های بایدن در سازمان ملل:

توسعه بانک جهانی: بایدگام‌های زیادی برای توسعه بانک جهانی برداریم و تا‌ماین اعتبار مالی برای کشورها صورت بگیرد. رئیس بانک جهانی خواست ۲۵ میلیارد دلار برای این بانک تا‌مین اعتبار صورت بگیرد. **هوش مصنوعی:** فناوری هوش مصنوعی هم می‌تواند بالقوه قوی باشد و هم می‌تواند خطرات زیادی به همراه داشته باشد. باید اطمینان حاصل کنیم که وسایل به شکل درست و برای فرصت‌های مناسب استفاده بشود از قدرت و فناوری هوش مصنوعی استفاده کنیم و با رهبران جهان و رقیبان مطمئن شویم که از قدرت درست هوش مصنوعی استفاده شود. **تروویسم:** می‌خواهیم کشورها و شبکه‌ها پاسخگو باشند و کشورهایی که توطئه می‌چینند از هم بپاشند.

آفریقا: در آفریقا، آن‌گلو و کنگو می‌خواهیم همکاری‌ها را بالا ببریم که

آتش توهین و تحریف، هرگز حریف «حقیقت» نخواهد شد.

آقای رئیس!

اسلام‌ستیزی و آپارتاید فرهنگی، در صورت‌های مختلف خود ازجمله سوزاندن کتاب مقدس قرآن تا منع حجاب در مدارس و ده‌ها تبعیض شرم‌آور دیگر، شایسته پیشرفت‌های انسان معاصر نیست. پشت پرده این نفرت پراکنی‌ها، طراحی بزرگ‌تری وجود دارد و تقلیل آن به مقوله آزادی بیان، گمراه‌کننده است.

سازمان ملل نیز با طراحی سازوکاری، احترام به ادیان الهی را تضمین نماید

غرب که اینک با بحران هویتی و کارکردی مواجه شده است، جهان را جنگل و خود را باغی زیبا می‌بیند. برخی جریان‌های شوم ولی قدرتمند، راه‌حل را در بحران‌سازی و دشمن‌تراشی می‌بینند. این آپارتاید فرهنگی، جامعه مسلمانان و به خصوص مهاجران را هدف گرفته است؛ مهاجرانی که خود قربانیان سیاست‌های استعمار هستند. ما نیز همچون همه مومنان و آزادیخواهان بر این باوریم که احترام به ادیان الهی باید جزء دستور کارهای بین‌المللی قرار گیرد و سازمان ملل نیز با طراحی سازوکاری، احترام به ادیان الهی را تضمین نماید. در کنار جنگ علیه اسلام، شاهد جنگ علیه خانواده نیز هستیم. خانواده اصل‌ترین، دیرپاترین، بنیادی‌ترین و فطری‌ترین نهاد بشری است که امروز در معرض تهدید قرار گرفته است. امروز جنایت علیه بشریت، فقط اشغال سرزمین‌ها و کشتار بی‌گناهان و استعمار ملت‌ها نیست، بلکه هجوم به پناهگاه فطری و طبیعی بشر یعنی خانواده نیز جنایت علیه بشریت است. حفاظت از حریم خانواده و ازدواج که از وصلت یک زن و یک مرد شکل می‌گیرد، یک واقعیت جهانی است که باید به دستور کار مشترک جهانی تبدیل شود. آموزش، توسعه و تعالی انسانی جزء در چهارچوب ارزش‌های خانوادگی به کمال نمی‌رسد.

امروز نیازمند جنبش جهانی تعهد به خانواده هستیم

روایت‌های ساختگی از زوجیت و جنسیت، درحقیقت تلاش برای حذف مفاهیم تعالی نظیر مادر، پدر و خانواده طبیعی است؛ اقداماتی که می‌توان آن را مصدایق جنایت علیه بشریت و موجب انقطاع نسل بشر دانست. مقابله با چنین رویکردهایی وظیفه انسانی ماست. ما امروز نیازمند جنبش جهانی تعهد به خانواده هستیم تا همه اعضای خانواده زندگی گرم درکنار یکدیگر را تجربه کنند. ما از همه رهبران جهان و رهبران ادیان الهی می‌خواهیم به وظیفه تاریخی خود در حمایت از جایگاه اصل‌ مفهوم خانواده و مقابله با رویاروهای ساختگی عمل نمایند. ما از سازمان ملل انتظار داریم که احترام به جایگاه والا و اصل‌ خانواده را در صدر دستور کار خود قرار دهد. خانم‌ها و آقایان! ما در یک دوره سرنوشت‌ساز تاریخی قرار گرفته‌ایم. جهان درحال تغییر وگذار به نظم بین‌المللی نوظهور است و این مسیر غیرقابل بازگشت است.

پروژه آمریکایی کردن جهان شکست‌خورده است

معادله سلطه غربی برای جهان، دیگر جواب نمی‌دهد. نظم کهنه لیبرال که در خدمت منافع سلطه‌گران و سرمایه‌داران سیری‌ناپذیر بود کنار زده شده و در یک کلام، پروژه آمریکایی کردن جهان شکست خورده است.

ملت ایران به‌مدد انقلاب اسلامی بیشترین روشنگری را در برانداختن نقاب از چهره سلطه‌گران داشته است

ملت ایران افتخار دارد که به مدد انقلاب شکوهمند اسلامی خود، بیشترین روشنگری را در برانداختن نقاب از چهره سلطه‌گران شرق و غرب انجام داده و با همراهی دیگر ملت‌های غرب آسیا، نقش تعیین‌کننده‌ای در ناکامی نظام سلطه داشته است. اینک که مقاومت و بیداری ملت‌های جهان از همیشه بیشتر شده و قدرت‌های نوظهور سر بر آورده‌اند، امید است که نظمی جدید و عادلانه بر جهان حاکم شود. آنچه برای نظم بین‌المللی جدید کلیدی است کنار گذاشتن سلطه جهانی و جایگزینی آن با نظم‌ها و همکاری‌های منطقه‌ای است. جمهوری اسلامی ایران از حد‌اکثر همکاری اقتصادی و سیاسی درون و میان منطقه‌ای حمایت می‌کند و علاقه‌مند است تا براساس عدالت، با همه جهان، تعامل داشته باشد. بااین حال، اینک که کشورهای مستقل جهان در مسیر همکاری و همکاری بیشتر قدم برمی‌دارند، شاهد تلاش برخی قدرت‌ها برای شعله‌ور کردن آتش درگیری در مناطق مختلف هستیم. آنها یا داشتن ذهنیت جنگ سرد، به‌دنبال بلوک‌بندی مجدد جهان هستند. این حرکت، ارتجاعی و به ضرر امنیت و رفاه ملت‌هاست.

ایران قاطعانه باور دارد نباید اجازه داد شرق و غرب جدیدی شکل بگیرد

جمهوری اسلامی ایران قاطعانه بر این باور است که نباید اجازه داد شرق و غرب جدیدی شکل بگیرد. نا‌امن کردن کریدورهای تجاری، تنزل درجه کشورها از متحد به وابسته، ممانعت از رشد اقتصادی کشورهای مستقل، و ایجاد جنگ‌های نیابتی در آسیا و اروپا بخشی از همین زنجیره شوم است.

ملت‌های غرب آسیا می‌دانند دموکراسی اسم رمزی برای کودتا، اشغالگری و جنگ است

طنز ماجرا آن است که این اقدامات را به اسم دفاع از دموکراسی مطرح می‌کنند اما همه جهان از جمله ملت‌های ما در غرب آسیا معنای واقعی دموکراسی غربی را لمس کرده‌اند و می‌دانند که صرفا اسم رمزی است

برای کودتا، اشغالگری و جنگ، تکلیف دنیا با پروژه و مکتب لیبرال دموکراسی مشخص است؛ چراکه می‌دانند چیزی نیست جز یک دستکش مخملی که زیر آن دستی چدنی قرار دارد. اینک مکتبی که می‌خواست الگوی جهان باشد به درس عبرت تبدیل و به پایان راه خود نزدیک شده است. خانم‌ها و آقایان! درست در زمانی که برخی قدرت‌ها، جهان را به سوی جنگ‌های بیشتر پیش می‌برند، جمهوری اسلامی ایران سیاست «همسایگی و همگرایی» را مطرح کرده است.

همسایه مستقل و قدرتمند را برای منطقه فرصت می‌دانیم

سیاست همسایگی، سیاستی خیرخواهانه برای منطقه است و بر این اساس همکاری‌های گسترده اقتصادی و تقویت پیوندهای زیرساختی در صدر دستور کار منطقه‌ای قرار می‌گیرد. جمهوری اسلامی هر دستی را که برای دوستی دراز شود، به گرمی می‌فشارد. همسایه مستقل و قدرتمند برای منطقه فرصت است. اینک که منطقه ما از دهه تنش و بحران تحمیلی عبور کرده و مقاومت ملت‌های آزاده در ایران و عراق و یمن و لبنان و سوریه و فلسطین و افغانستان، به ثمر نشسته است، چشم‌انداز فرآوری منطقه را صرفا می‌توان با تعمیق اعتماد سیاسی متقابل، همکاری‌های اقتصادی گسترده و امنیت درون‌زا تضمین کرد. بر این اساس، ایران، فصل نوینی از روابط سودمند با کشورهای همسایه، همسو و هم‌اندیش را رقم زده، با عضویت در سازوکارهای منطقه‌ای و بین‌المللی، ظرفیت‌های خود را برای شکل دهی به نظمی عادلانه به اشتراک گذاشته و با اولویت دادن به تکمیل راه‌گذرهای تجاری از جمله راه‌گذر شمال- جنوب که پیوند دهنده جهان شمال با جهان جنوب است، منافع پایدار اقتصادی را برای همه ملت‌های منطقه تضمین می‌کند. همچنین جمهوری اسلامی ایران آمادگی دارد به منظور کاهش و مدیریت آثار مخرب تغییر اقلیم، ظرفیت‌های بی‌نظیر طبیعی و فنی خود را در حوزه تولید و انتقال انرژی‌های پاک با دیگر کشورها به اشتراک گذارد.

به دنبال تضمین امنیت پایدار از طریق همکاری‌های درون منطقه‌ای و ممانعت از مداخله خارجی هستیم

در سطح امنیتی، سیاست همسایگی به دنبال تضمین امنیت پایدار از طریق همکاری‌های درون منطقه‌ای و ممانعت از مداخله خارجی است. از قفقاز تا خلیج فارس، هرگونه حضور بیگانه، نه‌تنها بخشی از راه‌حل نیست بلکه خود مشکل است. ما امنیت همسایگان را امنیت خود و هرگونه ناامنی برای آنها را ناامنی برای خود می‌دانیم. ما با جدیت و حسن نیت، ابتکاراتی را در منطقه رقم زدیم. با این حال پیوند سیاست و امنیت نیازمند تحکیم است و تنها زمانی پایدار می‌شود که با همکاری‌های اقتصادی معنادار ترکیب شود.

دکترین مقاومت با هدایت امام خامنه‌ای امواج اشغالگری و تروریسم را عقب رانده و عصر جدیدی برای منطقه رقم زده است

منطقه غرب آسیا به خاطر تجربه طوفانی استعمار و تجاوزات نظامی مکرر فرصت‌های زیادی را برای توسعه و پیشرفت از دست داده است. اینک که با هدایت رهبر معظم انقلاب اسلامی امام خامنه‌ای، دکترین مقاومت امواج اشغالگری و تروریسم را با موفقیت به عقب رانده فرصت و عصر جدیدی برای منطقه رقم خورده است.

قدرت ایران با حذف گزینه‌های جنگ و اشغالگری از روی میز قدرت‌ها، افق‌های جدیدی را برای منطقه گشوده است

قدرت جمهوری اسلامی قدرتی امنیت‌ساز است و با حذف گزینه‌های جنگ، اشغالگری و تجزیه کشورها از روی میز قدرت‌های سلطه‌گر افق‌های جدیدی را برای منطقه گشوده است. جمهوری اسلامی ایران بر این باور است که اولویت منطقه وحدت اسلامی و توسعه جمعی است. بدون تردید باید پایدارسازی امنیت منوط به توسعه جمعی است و این تنها راه سعادت غرب آسیاست. سرزمین ایران فرصت‌های بی‌نظیری برای سرمایه‌گذاری دارد و اولویت دادن جمهوری اسلامی به همکاری‌های اقتصادی فرصتی برای کشورهای منطقه و جهان محسوب می‌شود. جناب آقای رئیس؛ سال گذشته سال پیروزی ملت ایران بود. برخی از کشورهای غربی و سرویس‌های اطلاعاتی آنها در سال گذشته دچار اشتباه محاسباتی شدند و یکبار دیگر قدرت ملت ایران را دست‌کم گرفتند. از زمان پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی، دشمنان ملت ایران با «بحران‌سازی‌های پیاپی»، انواع جنگ و تحریم و فشار حد‌اکثری را بر مردم ما تحمیل کردند. ۲۵ سال است که این سیاست‌ها شکست خورده و ملت ایران به «پیروزی‌های پیاپی» دست یافته است. اکنون آنها با جمهوری اسلامی‌ای مواجه هستند که به پشتوانه پیوند عمیق با ملت خود، هم مقاومت کرده و هم پیشرفت.

آیا آمریکا به عنوان بزرگ‌ترین زندان مادران جهان می‌تواند صادقانه نگران حقوق زنان باشد؟

در سال گذشته نیز ملت ایران آماج بزرگ‌ترین حمله رسانه‌ای و جنگ روانی تاریخ قرار گرفت. آیا آمریکا که خود، بزرگ‌ترین زندان مادران در جهان است می‌تواند صادقانه نگران حقوق زنان باشد؟

ادامه در صفحه ۳

به تصویر رسانه‌ای رئیس‌جمهور رحم کنید



محمد زعیمرزاده جانشین سردبیر

متن سخنرانی رئیس‌جمهور در هفتاد‌وهشتمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل، سرجمع متنی پخته‌و متوازن بود،متنی که هم‌درتوصیف‌وضع موجود و هم‌در تبیین وضع‌آتی دنیاگاهی واقع‌گرایانه و غیرانتزاعی داشت، سخن از تغییر دنیا‌دیگر‌امری‌شعاری یا یک موضع‌انحصاری برای ایران نیست، بلکه بسیاری از نخبگان و روشنفکران دنیا از طیف‌های مختلف از آن سخن می‌گویند. غیرعقلانی و غیراخلاقی بودن توهین به مقدسات ادیان مختلف خصوصاًقرآن شریف که یک‌هتک‌حیثیت‌ازساحت‌آزادی‌بیان است نقدیکجانبه‌گرایی آن هم از موضع عدالت و...سخنانی جاندار و با پشتوانه نظری است که البته با استدلال‌هایی عمومی طرح شده،گزاره‌هایی که می‌توان درمجموع آنهاراکنشی متناسب‌با منطق عمومی‌گفته‌مان انقلاب اسلامی‌توصیف کرد؛ اما اینجایک سوال مهم پیش می‌آید که بازنمایی این منطق ارائه‌شده رئیس‌جمهور توسط رسانه‌های نزدیک به دولت که‌ان‌شاه‌الله‌با همین هدف در نیویورک مستقر هستند چطور بوده است؟

بین‌الهالین‌بگویم که ابتدا قصد نوشتن آنچه در ادامه می‌خوانید را ندانستم

و ترجیح‌م این بود که آن را به‌بعد از سفر جناب رئیس‌موکل‌کم، اما چون برخی دوستان گفتند که طراحی اقدامات‌پسینی سفر نیویورک هنوز در حال انجام است برای اصلاح برخی روندها و سیاستگذاری‌های رسانه‌ای که تاکنون اتفاق افتاده این چند خط را قلمی کردم.

به‌متن‌تاکیدکنون از فعالیت رسانه‌ای تیم‌همراه آقای رئیس‌منشتر شده دست‌به

یافته‌شدن‌باعناصر ضدلیران، رسانه‌هایی مثل ایران‌اینترنشنال‌وی‌بی‌بی‌سی... است. سیاست‌ساز که سال‌قبل هم وجود داشت. بحث‌انجام‌دراپارتیداتقییح

این عمل نیست. ماجرا فروکاست تصویر رسانه‌ای یک سفر مهم است، فرض کنیم یک ماه قبل ایران اینترنشنال کلام‌محل می‌شد یا بی‌بی‌سی‌ای وجود خارجی نداشت یا اساساً اپوزیسیونی وجود نداشت، تیم رسانه‌ای دولت مستقر در نیویورک چه کارهایی می‌توانست انجام دهد؟ چه امکان‌های

رسانه‌ای پیش‌رو داشت؟

به‌متن‌آقای رئیس‌مراجعه‌کنیم، دربخش دفاع از قرآن کریم گفته شده است: «قرآن کلام خداوند و کتابی است که انسان را به عقلانیت، معنویت، عدالت، اخلاق و حق‌باوری دعوت می‌کند. سه رکن اساسی در قرآن، توحید، عدالت و کرامت انسانی است که تا‌مین‌کننده سعادت بشر است. مگر قرآن چه فرموده است که کینه‌های مستکبران و ارباب قدرت و ثروت را برانگیخته است؟» احتمالاً در جمع حضار مستقر در نیویورک هم از سیاست‌وین، فعالان رسانه‌ای و... حتی در میان معترضان به خود آقای رئیس‌و دولت ایران افرادی هستند که به این گزاره باور دارند و حاضرین درباره این موضوع صحبت‌کنند. آیا تیم رسانه‌ای دولت به سراغ این افراد رفته است؟ آیا توانسته‌ام یک تصویر جهانشمولی از این منطق ارائه‌کنیم؟

یاد‌در‌جای دیگری آقای رئیس‌گفته است: «ما در یک دوره سرنوشت‌ساز تاریخی قرار گرفته‌ایم. جهان درحال تغییر وگذار به نظم بین‌المللی نوظهور است و این مسیر غیرقابل بازگشت است. معادله سلطه غربی برای جهان، دیگر جواب نمی‌دهد.»

آیا واقعاً غیر از ایران فرد دیگری در نیویورک چنین جمع‌بندی‌ای ندارد؟ آیا سیاستمداران، رسانه‌ای‌ها و دانشگاهیان حاضر در نیویورک از کشورهای عضو ائتلاف‌های بریکس و شان‌گاهی نمی‌توانستند جامعه هدف تیم رسانه‌ای دولت برای کشفگری در این موضوع و تبیین همه‌جانبه آن باشند؟ آیا به‌سراغ چنین جمع‌هایی رفته‌اند؟

رئیس‌جمهور در جای دیگری به سیاست منطقه‌ای ایران اشاره می‌کند و می‌گوید: «درست در زمانی که برخی قدرت‌ها، جهان را به سوی جنگ‌های

بیشترپیش‌می‌برند، جمهوری اسلامی ایران سیاست «همسایگی و همگرایی» را مطرح کرده است. سیاست همسایگی، سیاستی خیرخواهانه برای منطقه است و بر این اساس همکاری‌های گسترده اقتصادی و تقویت پیوندهای

زیرساختی در صدر دستور کار منطقه‌ای قرار می‌گیرد.»

آی‌انمی‌شد به‌جای تمرکز بیش‌از حد و افراطی روی کنج‌لنار رفتن با چند مزدور ضدلیران در همان نیویورک با اینکاری ائتلاف رسانه‌ای با کشورها همسایه را شکل داد. با آنها نشست و برخاست کرد و حرف‌های اجاباتی درخصوص این سیاست جدید زد و موضع ایران را در این خصوص به شکل عملی تثبیت کرد؟ آقای رئیس‌و دربخشی از متن خود به تناقض عملی غرب در ساله حقوق بشر اشاره می‌کند و می‌گوید: «با وجود تولید و انتشار ده‌ها هزار خبر و گزارش دروغ درباره ایران، واقعیت‌های مهمی از ایران در سراسر جهان سانسور می‌شود؛ آی‌اشما تاکنون چیزی درباره به‌بمان شیمیایی مردم ایران شنیده‌اید؟ آن سلاح‌های شیمیایی را برخی از اروپایی‌ها به صدام داده بودند. آیا تصویر مصدمان شیمیایی را که هنوز زنده‌اند ولی حدود ۲۵ سال است که در بیمارستان بستری هستند و درد می‌کشند، آیا تصویر کودکان مبتلا به بیماری پروانه‌ای که به خاطر تحریم دارو توسط آمریکا و برخی کشورهای غربی، درد می‌کشند از قاب رسانه‌های اصلی به دنیا من‌خاره شده است؟» تیم رسانه‌ای دولت برای مستندسازی این حرف رئیس‌جمهور و رساندن آن با زبان عمومی و بین‌المللی به گوش دنیا کفرتی کرده است؟ آیا امکان این وجود نداشت که هم‌زمان با طرح این موضوع اقدام رسانه‌ای ملموس‌در فضای مجازی شکل بگیرد؟ نمی‌گویم فیلم جدیدی ساختید یا مستندی کار می‌کردید، اما آی‌انمی‌شد یک گوشه‌ای در این دنیا اثر فاخر از کرخه تا راین ابراهیم خاتمی‌کیا را پخش کنید و برای آن فضای رسانه‌ای بسازید؟ آی‌انمی‌شدرایزنی کرد و همراه رئیس‌جمهور یکی از کودکان مبتلا به بیماری پروانه‌ای را راهی این سفر کرد؟

یا مثلاً در ماجرای توافق هسته‌ای آقای رئیس‌جمهور گفته است: «آمریکایا باید با اعتمادسازی اثبات کند که دارای حسن نیت است و اراده واقعی برای عمل به تعهدات خود و نهایی کردن مسیر دارد. اروپایی‌هایی نیز که در بی‌سال‌ها عدم پایبندی به تعهدات خود از جمله در لغو تحریم‌ها اکنون برجام و قطعنامه ۲۳۳۱ شورای امنیت سازمان ملل را نقض می‌کنند، باید درک کنند با سرعت گرفتن در مسیر پر هزینه تقابل بازنده خواهند شد.»

تیم رسانه‌ای دولت برای پرداختن به موضع رسانه‌ای در خصوص برجام امکانات فراوانی در نیویورک در اختیار داشته است، کنش‌های برجامی دولت که موضوعی پریسامد در افکار عمومی داخلی ایران هم هست چطور توسط تیم رسانه‌ای دولت تصویرسازی شده است؟ شنیده‌ها حاکی از آن است که در سطح معاون وزیر خارجه گفت‌وگو‌هایی در نیویورک رخ داده، رسانه دولت چطور این جلسه را بر ساخت کردند؟ منطق مذاکراتی ایران با چه ابزاری طرح شد؟ آیا کشورهایی در این موضوع هم‌قاف ایران نیستند؟ تیم مستقر سراغ نمایندگان این کشورها رفته است؟ این فهرست را می‌توان هم ناظر به منطق ارائه‌شده توسط رئیس‌جمهور، هم سوالات موجود در افکار عمومی و هم شأن دولت ایران ادامه داد. حتماً دوستان رسانه‌ای دولت هم برای این موارد توضیحات و یا توجیهاتی دارند اما واقعیت این است که بالاخره تصویری که تاکنون از سفر رئیس‌جمهور ساخته شده است هیچ نسبتی با ایده‌های اجابایی دولت ندارد و صرفاً متمرکز بر برخی کنش‌های سلبی است که باید از بی‌یابی شود چقدر در افکار عمومی مؤثر بوده و چقدر شأن کشور در آن رعایت شده است.

فرهنگ نخبگان

روز فکری

پنجشنبه ۳ شهریور ۱۴۰۲

شماره ۳۹۶۴

www.fdn.ir

FARHIKHTEGANDAILY

www.fdn.ir

www.fdn.ir

www.fdn.ir

برای چند دهه جهان تحت سلطه قدرت، ثروت، نهاد‌ها، ایده‌ها، اتحاد‌ها و حتی مشارکت‌های ایالات متحده بود. اگرچه در دو دهه گذشته بسیاری از استراتژیست‌ها و نظریه‌پردازان از پایان هژمونی آمریکا‌سختن به میان آورده‌اند، اما در سال‌های گذشته و به‌ویژه پس از بحران همه‌گیری کرونا، صحبت‌ها حول غیرقابل باگشتت بودن افول هژمونی آمریکا متمرکز شد. از آن زمان، سرعت افول هژمونیک آمریکا شتاب گرفته است. بازرترین مشخصه آن، تصرف کابل توسط طالبان و خروج سریع و آشفته نیروهای آمریکایی از آن بود. خروج از افغانستان، نمایش شکست تحقیرآمیز غرب پس از ۲۰ سال مداخله در افغانستان و غرب آسیا بود. شش ماه بعد، روسیه به اوکراینی که تلاش داشت خود را در اردوگاه غرب تعریف کند، حمله کرد تا پیامد‌های اقتصادی و ژئوپلیتیکی بالقوه‌ا کل اروپا را دریگیرد. مینچی لی، استاد اقتصاد سیاسی در گروه اقتصاد دانشگاه یوتا در مقاله «فروپاشی هژمونی آمریکا و چالش‌های قرن بیست ویکم» ناتوانی آمریکا در جلوگیری از درگیری نظامی یک قدرت بزرگ را «شکست نهایی قدرت هژمونیک فعلی» خوانده و نوشته: «این گرواه قطعی است که افول هژمونی آمریکا وارد مرحله نهایی خود –مرحله فروپاشی– شده است.»

گذر از نظم کنونی به سمت نظم جدید در سایه افول یا ورود هژمونی آمریکا به مرحله فروپاشی، بخشی از متن سخنرانی سیدابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور ایران در مجمع عمومی سازمان ملل بود. او از قرار گرفتن در «یک دوره سرنوشت‌ساز تاریخی» گفت؛ دوره‌ای که «جهان در حال تغییر و گذار به نظم بین‌المللی نو ظهور است.» او تأکید کرد که «این مسیر غیرقابل باگشتت است.» رئیسی از شکست «پروژه آمریکایی کردن جهان» گفت و در بخشی دیگر تأکید کرد: «معادله سلطه غربی برای جهان، دیگر جواب نمی‌دهد.» او نظم کنونی را «نظم کهنه لیبرال» خواند که در خدمت «منافع سلطه‌گران و سرمایه‌داران سبزی ناپذیر» بوده اما اکنون این نظم «کنار زده شده و در یک کلام، پروژه آمریکایی کردن جهان شکست خورده است.» او در پایان سخنانش نیز بار دیگر تأکید کرد: «بشر در حال ورود به مدار جدیدی است. قدرت‌های کهنه، در حال افولند.» رئیسی، به صورت روشن آنها، یعنی نظم لیبرال را «گذشته» نامید و گفت: «ما آینده‌ایم. تکرار می‌کنم که آنها گذشته هستند و ما آینده‌ایم.»

اکنون بسیاری بر این باورند که دوران طولانی هژمونی آمریکا رو به پایان است. همه اصرار دارند که جهان تحت رهبری ایالات متحده جای خود را به چیز جدیدی می‌دهد؛ نظمی پساآمریکایی، پساغربی و پسالیبرالی که با رقابت قدرت‌های بزرگ و پیشرفت اقتصادی و ژئوپلیتیکی چین نمود پیدا کرده است.

دیروز رئیسی تنها کسی نبود که از تغییر نظم جهانی سخن گفت. اولاف شولتس، صدراعظم آلمان نیز در سخنرانی خود، سخنانی گفت که بیانگر ضرورت تغییر در نظم جهانی است. او با اشاره به اینکه ترکیب شورای امنیت با پنج عضو دائمی شامل ایالات متحده آمریکا، روسیه، چین، فرانسه و بریتانیا، «ترکیبی قدیمی» است گفت که آفریقا، همچنین آسیا و آمریکای لاتین، سزاوران این هستند که وزن بیشتری در این سازمان داشته باشند. او بدون اینکه بخواهد نشانه‌های تغییر نظم و دوران جدید را بیان کند، در سخنانش این شرایط نگران‌کننده از سوی کشورش را بازرگو کرد. شولتس در سخنان خود

با انتقاد از برخی از دولت‌ها که فرمول «همکاری میان کشورهای همسو و هم عقیده» را پیش گرفته‌اند یادآور شد که با در نظر گرفتن بحران‌های کنونی، به همکاری بیشتری در جهان نیاز است و نه همکاری کمتر.

متهم‌تغیبن: چین و روسیه

۱۱ سال قبل، بروس تورنتون، نویسنده و خبرنگار آمریکایی در مقاله‌ای با عنوان «چرا قدرت‌های بزرگ افول می‌کنند؟» در اندیشکده هورور، به نوشته‌ای از نورمن دیویس، مورخ بریتانیایی اشاره کرد که می‌گفت «همه دولت‌ها و ملت‌ها، هرچند بزرگ باشند، برای یک فصل شکوفای می‌شوند و جایگزین می‌شوند.» او البته افول را یک انتخاب دانست و راه مقابله با آن را توانایی پرداخت «هزینه زیرساخت‌های نظامی لازم برای دفاع از منافع دور از دسترس خود» دانست و نوشت که قدرت‌ها «هنگامی که دیگر توان پرداخت هزینه‌های آن منافع جهانی را ندارند، شروع به از دست دادن قدرت و نفوذ خود می‌کنند.» آمریکا حداقل در غرب آسیا نشان داده است که توان پرداخت چنین هزینه‌هایی را ندارد و از همین رو برای تمرکز بر چین، ناچار شده است کمی از حضورش در غرب آسیا بکاهد. آنها افول‌شان را پذیرفته‌اند و می‌دانند که دیگر توان هزینه کردن را ندارند اما سعی می‌کنند مانع از رشد دیگران شوند. در حال حاضر متهم اصلی به چالش کشیدن هژمونی آمریکا، چین و روسیه هستند. هفته گذشته آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه آمریکا در سخنرانی در دانشگاه جان هاپکینز در واشنگتن صراحتاً از پایان یک عصر» گفت: «یک عصر جدید در حال آغاز است و تصمیماتی که اکنون اتخاذ می‌کنیم آینده را برای دهه‌های پیش‌رو شکل خواهد داد.» او ادعا کرد که نظم پس از جنگ سرد در حالی پایان یافت که ده‌ها ثبات نسبی ژئوپلیتیکی جای خود را به رقابت شدید با قدرت‌های استبدادی داده است. این قدرت‌ها تحت رهبری روسیه و چین قرار دارند. حمله روسیه به اوکراین فوری‌ترین و حادث‌ترین تهدید برای نظم بین‌المللی است. وی مدعی شد چین بزرگ‌ترین چالش بلندمدت است چراکه آزروی تغییر نظم بین‌المللی را دارد و در حال توسعه قدرت اقتصادی، دیپلماتیکی، نظامی و تکنولوژیکی برای انجام این منظور است. آمریکا که نمی‌تواند افول خود را متوقف کند، در شرایط فعلی سعی در ایجاد اتحاد علیه چین و روسیه دارد. اقدامی که با توجه به قدرت اقتصادی چین بعید به نظر می‌رسد نتیجه‌بخش باشد و بتواند نظم فعلی را حفظ کند.

جهان چه شکلی پیدا می‌کند؟

۱. نظم دارای قدرت‌های سطح‌بندی شده خواهد بود، بدون آنکه این نظام دارای تصلب باشد. به عبارتی دیگر اگر تا پیش از این یک ترکیه قدرتمند، از طریق ارتباط با آمریکا و پذیرفتن نقشی که واشنگتن برایش در نظر گرفته بود می‌توانست قدرت یابد، از این پس این فضا برای آنکارا ایجاد می‌شود که از نقش‌پذیری فراتر رفته و خود مستقل‌پیکر منافع ملی خود باشد. در طول جنگ سرد ۱۹۹۱–۱۹۴۵، آمریکا و شوروی قدرت‌های برتر بودند اما قدرت‌های دیگر موجود در جهان، بدون توجه به این دو، قادر به تحرک مؤثری نبودند. انگلیس و فرانسه تحت تأثیر آمریکا قرار داشتند و چین نیز ابتدا به شوروی متمایل شده و سپس با افزایش تنش بین پکن و مسکو، جذب غرب شد. با وجود چنین کشورهایی اما اتفاقات جهان ذیل آمریکا و شوروی دسته‌بندی می‌شدند. با فروپاشی شوروی و جهان تک‌قطبی، واشنگتن هرچند مورد

مخالفت قرار می‌گرفت اما قادر به دخالت در تمام موضوعات بود و اغلب نیز تأثیرگذار بود.

در جهان آینده اما تصلب به شکل پیشین وجود ندارد. احتمال دارد آمریکا، چین و روسیه جزء دسته نخست باشند و کشورهایی مانند هند، انگلیس، فرانسه، ژاپن، آلمان، اندونزی و برزیل در دسته دوم قرار گیرند. همچنین ترکیه، عربستان سعودی و کره جنوبی می‌توانند در دسته سوم باشند. دسته دوم و سوم شاید تحت تأثیر رده بالاتر از خود باشند، اما این به معنای ذیل‌بندی شدن آنان نیست. به عبارتی دیگر، دسته اول نیز می‌توانند اثراتی از دسته‌های دوم و سوم بپذیرند. این مساله ناشی از تکثر قدرت است. تکثر قدرت مانع از ذیل‌بندی شدن جهان تحت اشراف چند قدرت محدود می‌شود.
۲. در جریان تکثر قدرت، ضمن افزایش تعداد کشورهای قدرتمند در جهان، در کشورهای ضعیف نیز توانمندی‌های مستقلی برای مقابله با تلاش برای ذیل‌بندی شدن تحت قدرت‌های بزرگ‌تر ایجاد می‌شود. این مساله به خوبی در شورش‌های اخیر صورت‌گرفته طی سال‌های اخیر در غرب آفریقا علیه کشورهای غربی مشهود است. برخلاف برداشت‌ها، این کشورها چندان ارتباطی با روسیه نداشته و پیش از این نیز تحت تأثیر شوروی قرار نداشته‌اند بلکه کسانی که دست به کودتا زده‌اند از جمله قدیمی‌ترین متحدان غرب هستند و از شدت سلطه‌گری این مجموعه ناگزیر از واکنش شده‌اند. تا بدینجا مشخص می‌شود روند تکثر قدرت ضمن گسستن فضای دوقطبی و تک‌قطبی، با شکسته شدن فضای تصلب، قدرت‌های دسته‌های پایین‌تر نیز قدرت‌منابر مستقلانه داشته و حتی قدرت‌های ضعیف‌تر نیز همانند گذشته تحت تأثیر قدرت خارجی قرار نخواهند داشت. این روند در حوزه‌های دیگری نیز عمق می‌گیرد از جمله کاهش اثرگذاری دولت‌ها در برابر مردم و گروه‌های موجود در جامعه که پیامد رشد و توسعه شبکه‌های مجازی و گسترش ارتباطات میان مردم با مردم است.

۳. در تغییر نظام بین‌المللی، حتی اگر آمریکا در دسته نخست قدرت‌ها باقی بماند، برای واشنگتن تبعات سنگینی خواهد داشت. نباید فراموش کرد تغییرات پیش‌رو ناشی از اقدام علیه سلطه‌گری غرب بوده و شوش ضدآمریکا تلقی می‌گردد. به همین دلیل بخش اعظم کشورهای قدرتمند در نظام آتی، علیه آمریکا خواهند بود. همین امروز آنتونی بلینکن، وزیر خارجه آمریکا از لزوم مقابله جدی کشورش با چین و روسیه در جهان درحال‌گذار صحبت می‌کند. این نشان می‌دهد در صورت وقوع این گذار، واشنگتن روحیاتی را که موجب شورش علیه‌اش شده‌اند کنار نخواهد گذاشت. به عبارتی دیگر هرچند در حال حاضر جهان با شورش علیه آمریکا درحال تغییر است، اما در آینده واشنگتن با تداوم ستیزه‌جویی با دیگر کشورهای مستقل جهان روند کاهش قدرت و انزوای خود را تشدید خواهد کرد.

۴. اگر آمریکا روند ستیزه‌جویانه خود را به عبارتی «تشدید بی‌نظمی» را در جهانی درحال‌گذار رها نکند، جهان چندقطبی آینده در بخشی از سطوح دوقطبی خواهد شد. به عبارت دیگر، در دسته اول قدرت‌ها که چین، روسیه و آمریکا حضور دارند، چین و روسیه با وجود تفاوت منافع علیه آمریکا با یکدیگر همکاری خواهند کرد و هم‌زمان هند، برزیل، اندونزی و ترکیه نیز واگرایی‌های شدیدی با واشنگتن پیدا می‌کنند. این موضوع را در حال حاضر نیز می‌توان مشاهده کرد. در قالب بریکس ۱۱ کشور شامل چین، روسیه، هند، برزیل، آفریقای جنوبی، ایران، عربستان سعودی، مصر، امارات، آرژانتین و

سید ابراهیم رئیسی در مجمع عمومی سازمان ملل از تغییر نظم آمریکایی به سمت نظم بین‌المللی نو ظهور گفت

ایران در نظم جدید جهانی چه جایگاهی دارد؟

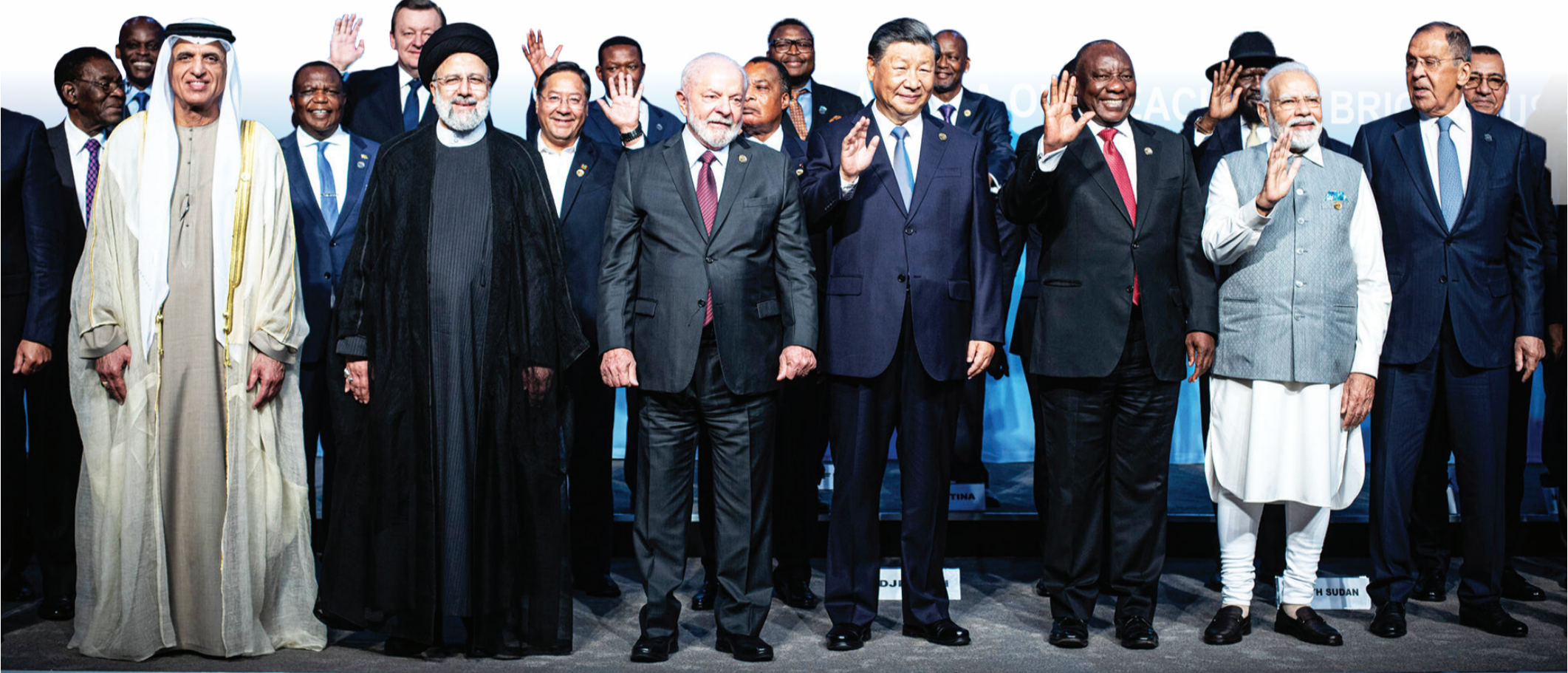
آتیوبی در کنار یکدیگر جمع شده‌اند تا با «یکجانبه‌گرایی» مخالفت کرده و بر طبل «چندجانبه‌گرایی» بکوبند. این صف‌بندی در آینده‌ای که این کشورها قدرتمندتر و آمریکا ضعیف‌تر شده، می‌تواند تبعات سنگینی برای واشنگتن به دنبال داشته باشد و در برخی مقاطع قدرت‌های مختلف و حتی متعارضی را زیر پرچم مقابله با آمریکا جمع کند.

۵. وضعیت آمریکا در نظام آتی، یکی از پیچیده‌ترین و پراهمیت‌ترین مسائل خواهد بود. اگر واشنگتن بخواهد ستیزه‌جویی با دیگران را که طی مدت‌ها در خویش اثباتشده شده تداوم دهد، تضمینی وجود ندارد که دیگر کشورهای مجموعه غرب با این کشور همراه بمانند. با رویگردانی کشورها از آمریکا که امروزه در قالب بریکس نمایان است، به مرور کشورهای اروپایی نیز ابتدا خود را از صف مقاومت آمریکا خارج کرده و در ادامه خود نیز در مقابل این کشور قرار خواهند گرفت. در این مقطع عملاً مجموعه غرب به پایان رسیده و آمریکا در انزوای کم‌سابقه‌ای قرار خواهد گرفت؛ مگر آنکه واشنگتن متوجه زمانه تغییر شده باشد و رویکردهایی را که تا پیش از این به کار می‌آمدند را کنار بگذارد. واشنگتن باید بداند اساساً آنچه موجب ایجاد و شدت روند تکثر قدرت شده میزان بالای همه‌منه طلبی و سلطه‌گری این کشور است. امروز کسانی در آفریقا علیه غرب شورش کرده‌اند که نزدیک‌ترین افراد به این مجموعه بوده و آمریکا خود نیز از وقوع چنین تلاطمی شگف‌زده شده است. واشنگتن و مجموعه غرب درحال چیدن میوه سلطه‌گری مداومند.

ایران در کجاست؟

ایران در روند یافتن جایگاه خود، محدودیت‌ها و توسعه‌دهنده‌هایی دارد. ایران به‌نسبت کشورهای دسته نخست مانند چین، روسیه و آمریکا، از وسعت و جمعیت کمتری برخوردار است اما هم‌زمان به لحاظ قدرت الگودهدگی ناشی از انقلاب اسلامی و همچنین وفور منابع می‌تواند به‌عنوان قدرتی بسیار عظیم جلوه کند. به لحاظ جمعیتی و وسعت نیز تهران می‌تواند این نقیصه را از طریق محور مقاومت جبران کند. ایران اما اگر به درستی دوره گذار را مدیریت نکند، لاجرم در دسته دوم یا حتی در دسته سوم قرار خواهد گرفت. تهران در شرایط کنونی به لحاظ ابعاد ظاهری قدرت همچنان با کشورهایمانند عربستان سعودی، ترکیه، کره جنوبی، آرژانتین و مکزیک مقایسه می‌شود اما باید در نظر داشت برخلاف این کشورها که مترصد بهره‌برداری از فرصت پیش‌رو بوده و خود مدت‌ها پیرو آمریکا بوده‌اند، تهران با مقاومت در برابر واشنگتن یکی از عوامل تغییر در جهان است.

ایران امروزه در نقطه‌ای تعادلی و با بازیگری متوسط همانند کشورهای دسته دوم خواهد بود. ایران در این دسته در کنار هند، برزیل، آلمان و فرانسه قرار خواهد گرفت. هرچند فاصله میان ایران و برخی از این کشورها زیاد است اما باید توجه داشت در این دسته، فاصله میان کشورهای دیگر نیز زیاد بوده و باید دسته‌ها را دارای بازه در نظر گرفت. به عبارتی دیگر از یک بازه قدرت تا زباه‌ای دیگر که سطحی بالاتر است، در یک دسته قرار می‌گیرند و نباید تمام قدرت‌های مزبور را همانند یکدیگر تلقی کرد. چه اینکه در میان قدرت‌های دسته نخست نیز جمعیت و اقتصاد روسیه با چین و آمریکا قابل قیاس نیست. ایران با ارفاق قدرت الگودهدنگی و رهبری محور مقاومت می‌تواند خود را از دسته سوم جدا کرده و در میان دسته سوم قرار گیرد اما روزنه‌هایی برای قرار گرفتن در دسته نخست نیز وجود دارد.



شوراهای علما، تصویری از آینده حکومت‌داری طالبان

میراحمدرضا مشرف

پژوهشگر مسائل بین‌الملل

دروازه‌های گذشته ذبیح‌الله مجاهد، سخنگوی امارت اسلامی طالبان فرامینی از سوی رهبر طالبان منتشر کرده‌است که براساس آنها اعضای شورای علمای دینی در ولایت (استان) افغانستان تعیین شده‌اند. اگرچه روند تعیین شورای علما در ولایات (استان‌های) دیگر افغانستان از جمله کابل در سال گذشته آغاز شده و تاکنون استمرار داشته است، اما این انتصابات جدید در مقطع کنونی از چند جهت می‌تواند حائز اهمیت تلقی شود:

۱. انتصابات مربوط به شوراهای علما در زمانی تداوم پیدا می‌کند که به‌رغم گذشت دو سال از برقراری حکومت طالبان، هنوز هیچ‌گونه چهارچوب مدون و قانونی برای اداره حکومت از سوی آنان تعیین نشده است. در این راستا ذبیح‌الله مجاهد اخیراً به موضوع تدوین قانون اساسی پرداخته و اشاره کرده است که قوانین مادر حال اجرایی شدن است، اما بحث‌ها در شوراه‌ا ادامه دارد و در صورتی که قانون اساسی نهایی شود موضوعات تمام‌بخش‌های حکومت‌داری احیا می‌شود. با توجه به مجموعه تحولات حکومت طالبان و

طالبان است. در وجه کلان‌تر موضوع، نشست سراسری علمای افغانستان که سال گذشته از سوی طالبان برگزار شد، می‌تواند با مشرانو جرگه (مجلس سنا) در قانون اساسی جمهوری قابل قیاس تلقی شود.

۳. تشکیل و تقویت نهادهای انتصابی همچون شورای علمابه‌طور قطع نقشی تعیین‌کننده در تقویت موقعیت‌و اقتدار رهبر طالبان در سراسر کشور ایفا خواهد کرد. با توجه به نقش قانونگذاری و نظارتی که برعهده علما گذاشته شده‌است، به‌نظر نمی‌رسد که جایی برای مخالفت یا نقد نظرات و دیدگاه‌های رهبری طالبان باقی بماند. علمای انتصابی از سوی رهبر طالبان در حکم چشم‌و گوش او در سراسر کشور عمل خواهند کرد و می‌توانند هر گونه سرکشی و مخالفتی را پیش از اوج‌گیری و از همان ابتدا در نقطه خفه‌کنند.

۴. اما مهم‌ترین و متمایزترین وجه این فرمان را باید در نادیده گرفتن علمای شیعه از سوی رهبری طالبان جست‌وجو کرد. در فرمان اخیر ملامهت‌الله برای تعیین شورای علمای ولایات، نکته بسیار قابل‌تامل این است که در ولایت کاملاً شیعه‌نشین همچون «پامیان»، حتی یک عالم شیعه هم در میان اعضای شورای علما، منصوب نشده است. در چند ایالت دیگر هم که اکثر ساکنان آن را شیعیان تشکیل می‌دهند چنین شرایطی برقرار بوده و خبری از مشارکت

عالمان شیعه در شوراهای انتصابی رهبر طالبان نیست. به‌نظر می‌رسد این موضوع با اهداف اعلام شده طالبان از تشکیل این شوراهامغایرت کامل دارد. در این راستا سال گذشته وقتی پس از تعیین شورای علمای کابل و چند ولایت دیگر از ذبیح‌الله مجاهد در مورد اهداف تشکیل این شوراهاسوال شد، وی تأکید کرد: «شورای علما متشکل از علمای هر ولایت و همچنان بزرگان هر ولایت است و در آن سران قومی و افراد صالح و مخلص به‌جامعه و مردم هم هستند. این شورابه‌خاطر این ایجاد می‌شوند که بین مردم یک واسطه بهتری باشد و صدای مردم را به نظام و حکومت برساند.» «روشن است که انتصابات اخیر کاملاً با مفهوم و اهداف بیان شده از سوی طالبان در آن هنگام در تعارض قرار دارد. علاوه‌بر این عدم حضور علمای شیعه در شورای علما می‌تواند این برداشت را هم به وجود بیاورد که رهبر طالبان و دیگر علمای اهل سنت، مذهب شیعیان و حقوق آنها را به‌عنوان یکی از مذاهب اسلامی به رسمیت نمی‌شناسند. حتی اگر باور داشته باشیم که امارت اسلامی طالبان قائل به حقوق شیعیان است، شاید رهبر طالبان نگران این بوده که انتصاب مستقیم یک عالم شیعه از جانب وی، به‌نوعی رسمیت دادن یا به‌رسمیت شناختن مذهب تشیع تلقی شده و با واکنش افراطی منفی افراط‌گرایان روبه‌رو شود.»

واکنش برانکوبه شکست پرسپولیس:

النصر برد
چون بهتر بود



گزارش «فرهنگیان»: افرادی که پیروانی معرفی کرد وضع را بدتر کردند

چمن آزادی یک ماه استراحت
مطلق می خواهد

مدیریت چمنی

آبروریزی چمن افتضاح آزادی در بازی پرسپولیس و النصر

و آدم‌های بی‌ربطی که به تونل ورزشگاه رسیدند نمادی از وضعیت مدیریت ورزش ایران است



ستاره ازبک از زمان منصوریان در لیست آبی‌ها!

سقف بودجه استقلال
مهم‌ترین سد ما شاریپوف

واکاوی شکست تلخ شاگردان گل محمدی در آزادی
تیمی که آسیایی بسته نشد

فریدونی: مدیر فرم‌ها هر کاری می‌کند دیده شود

درویش شوآف می‌کند
خطیر مدیریت بلد نیست

ورزش

پنجشنبه ۳۰ شهریور ۱۴۰۲
شماره ۳۹۶۴
<div><div><div> فارس</div></div><div><div> فارس</div></div></div>
WWW.FDN.IR
<div><div><div> فارس</div></div><div><div> فارس</div></div></div>
FARHIKHTEGANDAILY



محمدرضا حاجی عبدالرزاق خیرنگارگروه ورزش

دیدار تیم‌های پرسپولیس و النصر از هفته اول دور گروهی فصل جدید لیگ قهرمانان آسیا در حالی برگزار شد که در وهله نخست همه چیز تحت تأثیر حضور فوق‌ستاره پرتغالی قرار گرفته و در این بین کمتر سعی شد تا همه ابعاد فنی و حواشی این مسابقه مورد بازتاب رسانه‌ای قرار بگیرد. در واقع از لحظه ورود تیم عربستانی به تهران تا لحظه ترک ورزشگاه آزادی، نگاه تمامی اصحاب رسانه و هواداران به رونالدو، کاپیتان النصری‌ها بود. با همه این تفاسیر و بعد از همه اتفاقات رسانه‌ای که به خاطر حضور این فوق‌ستاره در تهران به وجود آمد، یک اتفاق دیگر حتی بیشتر از شکست پرسپولیس در این دیدار رخ‌نمایی کرده و باعث شد تا نگرانی جدیدی در فوتبال ایران به وجود بیاید.

واقعیت این است که چندی می‌شود صدای اهالی فوتبال و انتهایی که به هر دلیلی باید در ورزشگاه آزادی دیدارهای خود را برگزار کنند درآمده است. تقریباً چند ماهی می‌شود که سرخابی‌هاو حتی رقبای آنها نسبت به وضعیت چمن آزادی معترض هستند. نگوئیم، سرمربی استقلال در همین چند هفته ابتدایی لیگ بارها به این موضوع اشاره کرده و می‌گوید چمن افتضاح آزادی باعث شده نتوانیم همه ظرفیت‌های خود را به نمایش بگذاریم. اتفاقی که گل محمدی هم در این بازی‌های اخیر به آن اشاره کرده است. اما جالب آنجایی است که در حالی سرمربیان این دو باشگاه از وضعیت افتضاح چمن آزادی گلایه می‌کنند که مدیران این باشگاه‌ها در فضای دیگری اعلام کرده‌اند وقتی بازی‌ها بدون تماشاگر است ما از خدایمان استه که دیدارهایمان در ورزشگاه‌های دیگری که شرایط بهتری دارد با رقم اجاره‌ای کمتری برگزار شود اما این اجازه به ما داده نمی‌شود.



آبروریزی چمن افتضاح آزادی در بازی پرسپولیس و النصر و آدم‌های بی‌ربطی که به توتل ورزشگاه رسیدند نمادی از وضعیت مدیریت ورزش ایران است

مدیریت چمنی

ورزشگاه آزادی سه‌شنبه‌شب و پس از سه دوره که مسابقات لیگ قهرمانان آسیا به دلیل کرونا و شرایط ویژه به‌صورت متمرکز برگزار می‌شد و البته سال قبل که سرخابی‌ها نتوانستند مجوز حرفه‌ای دریافت کنند و فرصت حضور در این تورنمنت مهم باشگاهی را از دست دادند دوباره میزبان یک دیدار مهم آسیایی بود که البته این بار با حواشی و اتفاقات عجیب‌وغریبی همراه بود که چهره ورزش ما در سطح دنیا را خندش‌دار کرد. از استقبال حاشیه‌ساز از رونالدو و تیم النصر که مملو از گاف‌ها و باگ‌های مختلف در زمینه میزبانی بود تا شرایط اسفبار ورزشگاه آزادی که مشخصاً هنوز هم آماده میزبانی از رقابت‌های لیگ داخلی خودمان هم نیست چه رسد به یک بازی مهم در سطح لیگ قهرمانان.

شرایط افتضاح چمن آزادی حتی از طریق دوربین‌های تلویزیونی نیز قابل مشاهده بود و در همان دقیقه‌های ابتدایی وقتی میچ پای تریلی در این زمین بیچ‌خورد احتمالاً برخی بینندگان به یاد زمین‌های خاکی افتادند که زمانی محل رشد فوتبال‌تیمی‌های این مملکت بود. مسئولان شرکت توسعه و تجهیز و همچنین مدیران ورزشگاه آزادی بی‌شک باید پاسخگو باشند که چگونه اینچنین بی‌توجه به شرایط مهم‌ترین ورزشگاه کشور که آبروی فوتبال‌ها محسوب می‌شود باعث شدند تا وضعیت فاجعه‌باری برای چمن ایجاد شود. البته این تنها ایراد ورزشگاه نبود و نمایندگان رسانه‌ها که در این دیدار از نزدیک شاهد مسابقه بودند مشکلات زیادی را مشاهده کردند. مورد دیگری که با وجود حساسیت AFC و همچنین فدراسیون فوتبال در چنین دیدارهایی باز هم مشاهده‌شد حضور تعداد نسبتاً زیاد افراد متفرقه در این دیدار بود. جالب اینکه حتی در جایگاه خبرنگاران شاهد حضور این افراد بودیم که این سوال را مطرح می‌کند که چگونه یک پسر بچه می‌تواند در کنار خبرنگاران نشسته و بازی را تماشا کند، حتی زمانی که خبرنگاران منتظر حضور بازیکنان دو تیم در میکسدزون ورزشگاه بودند، به‌وضوح حضور این افراد که مشخص بود به واسطه آشنایی با برخی مدیران و مسئولان اجرایی به داخل توتل ورزشگاه راه‌پیدا کرده بودند، قابل مشاهده بود. بی‌نظمی‌هاو حتی بعضاً درگیری‌هایی که در زمان رفتن تیم النصر به تویبوس تیم ایجاد شد، شاهد این مدعا بود که ما موران تأمین امنیت ورزشگاه حتی در دیداری که بدون حضور تماشاگر برگزار می‌شود هم برای ایجاد نظم با مشکلات زیادی مواجهند و تدابیر لازم در این زمینه اندیشیده نشده است و این نگرانی وجود دارد که در میزبانی بعدی این ورزشگاه که اتفاقاً با حضور تماشاگر و در جریان دیدار نساچی برابر الهلال خواهد بود این بار حفاظت از زینمار و رفتارهای با مشکل‌ساز و حاشیه‌آفرین شود.

گزارش «فرهیختگان» از پشت‌پرده‌های وضعیت عجیب چمن ورزشگاه آزادی؛ افرادی که پیروانی معرفی کرد وضع را بدتر کردند

چمن آزادی یک‌ماه استراحت مطلق می‌خواهد

■ چمن ورزشگاه آزادی سردسیری است و با رفتن به فصل سرما شرایطش بهتر خواهد شد

■ خاک انگل دارد و زمین به موقع مداوا نشد

■ از فرمان رئیسی تا بررسی ادعای تاج

اخیرا حتی رئیس‌جمهور نیز به این مورد ورود کرده و در مراسم تقدیر از قهرمانان و مدال‌آوران ورزش ایران با نگرانی بر این نکته تأکید می‌کند که با ایجاد یک ورزشگاه جامع و آبرویمند در تهران که در شان قهرمانان ما و میزبانی بین‌المللی باشد علی‌رغم هزینه‌های بالا کاملاً موفقم. این در حالی است که بلافاصله بعد از دیدار سه‌شنبه‌شب، برخی رسانه‌های عرب‌زبان به موضوع کمبودها و ضعف‌های واضح امکاناتی فوتبال ایران و به‌خصوص موضوع چمن و سکو‌ها و نحوه پخش رقابت‌های فوتبال از ایران اشاره کرده و این موضوع را مورد انتقاد قرار دادند.

نکته جالب توجه اینکه مهدی تاج در این خصوص در حاشیه بازدید از ورزشگاه آزادی یک روز قبل از دیدار پرسپولیس و النصر ادعا کرده بود چمن ورزشگاه آزادی باید تعویض شود. اگر بتوانیم چهار ماه لیگ را عقب بیندازیم یا بازی‌های آزادی را در ورزشگاه دیگری برگزار کنیم، می‌توانیم چمن را به بهترین شکل تعویض کنیم در غیر این صورت باید به شکل ترمیم پیش برویم. الان نسبت به قبل بهتر شده اما مطلوب نیست. در این خصوص خبرنگار «فرهیختگان» با بررسی موضوع چمن ورزشگاه آزادی سعی کرده است تا ابعاد مختلف این اتفاق را روشن کند. اینکه ادعای مهدی تاج چقدر واقعی است و اینکه راه‌های حل برطرف شدن معضل چمن ورزشگاه آزادی در سریع‌ترین زمان ممکن چه شیوه‌هایی هستند نیز مورد پرس و جو از اهالی فن قرار گرفته است.

■ چمن آزادی ۱۰ سال بیشتر از عمر مفید

چمن ورزشگاه آزادی بعد از اینکه در سال ۱۳۸۲ تعویض شد از آن سال، دیگر مورد توجه برای تعویض و بازسازی قرار نگرفته و در حالی‌که گفته می‌شود عمر مفید چمن ورزشگاه‌ها حدود ۸ تا ۱۰ سال است، چمن فوق‌با‌انواع ترنندهای مختلف حدود ۱۰ سال بیشتر از عمر طبیعی خود در ورزشگاه آزادی مورد بهره‌برداری و استفاده قرار گرفته است. با این حال در ۱۰ سال گذشته شرایط چمن و وضعیت آن هیچ‌گاه تا به اندازه امروز حاد نبوده است. اینکه چرا امروز این اتفاق افتاده، پیگیری‌ها، سمت و سوی ماجرا را به اتفاقات عجیب و تاسف‌آوری می‌کشاند. در این بین شنیده‌های خبرنگار «فرهیختگان» حکایت از آن دارد که سال گذشته و با انتخاب عاصم یوسفی به‌عنوان مدیرعامل شرکت توسعه و تجهیز، پیمانکاران چمن ورزشگاه تغییر کرده و کار به دست افرادی در معاونت‌های فنی و زیرساختی سپرده می‌شود که تخصص لازم را نداشته‌اند؛ این عامل باعث می‌شود تا جرعه وضعیت امروزی پدیدار شود.

■ امکانات نداریم!

نکته قابل توجه اینکه در ماه‌های اخیر خاک چمن ورزشگاه برای شناسایی دلایل زرد شدن و از بین رفتن چمن به آزمایشگاه ارسال می‌شود که آزمایشگاه اعلام می‌کند این خاک دچار نم‌ماند یا انگل زمین‌های کشاورزی شده است و باید خیلی سریع درمان شود. حال اینکه چرا این اتفاق افتاده به نظر می‌رسد

پیمانکار مربوطه در خرید سم تعلل کرده و زمین به موقع مداوا نمی‌شود تا در نهایت شاهد عواقبی باشیم که امروز با چهره‌ای زرد و کچال‌نمایی زشت را به فوتبال کشور بخشیده باشد.

حال این سوال مهم پیش می‌آید که چرا اقدامی برای تعویض چمن ورزشگاه آزادی به عمل نمی‌آید. پاسخ آن واضح است که برای یک کار اصولی و زیربنایی باید طی یک پروسه ۴ تا ۶ ماه تمامی مسابقات در ورزشگاه آزادی را تعطیل کرد و همین امر می‌تواند تبعات باشگاهی و ملی را به همراه داشته باشد. تا اینجا یعنی ادعای تاج می‌تواند مورد بررسی قرار بگیرد اما اینکه آیا فقط همین یک راه برای ترمیم چمن و بازسازی زمین ورزشگاه آزادی وجود دارد؟ البته در این بین راه‌های دیگری هم وجود دارد که متأسفانه نداشتن امکانات مرتبط باعث شده است تا به سمت آنها نرویم. مثلاً در صورتی تأکید می‌شود که چمن هیبریدی بکاریم که دستگاه‌های چمن‌زنی مخصوص آن را نداریم و باید آن را وارد کنیم. همین الان نیز دستگاه‌های چمنزنی پارک‌ها در استادیوم آزادی مورد استفاده قرار می‌گیرد. جالب اینکه تنها یک دستگاه هواده مخصوص وجود دارد که آن هم از کار افتاده است.

■ توسعه و تجهیز از پیمانکار پرسپولیسی‌ها

راضی است؟!

نکته دیگر اینکه عسگریان، سرپرست شرکت توسعه و نگهداری اماکن ورزشی کشور روز گذشته در گفت‌وگویی به مورد عجیبی مبنی بر اینکه نگهداری چمن ورزشگاه را به درخواست باشگاه پرسپولیس تا شروع بازی‌های لیگ قهرمانان آسیا در اختیارشان گذاشته بودیم اشاره کرده و می‌افزاید:

«درواقع جمع‌بندی به این صورت شد که با درخواست پرسپولیس چمن را در اختیار بزرگوار ی قرار بگیرد که مدیریت چمن ورزشگاه محل تمرین



گزارش «فرهیختگان» از پشت‌پرده‌های وضعیت عجیب چمن ورزشگاه آزادی؛ افرادی که پیروانی معرفی کرد وضع را بدتر کردند

چمن آزادی یک‌ماه استراحت مطلق می‌خواهد

■ کار دست نامتخصصان و ناکارشناسان است

■ کار دست نامتخصصان و ناکارشناسان است

پرسپولیس را برعهده دارد تا چمن آزادی را به شرایطی برساند که مورد تأیید پرسپولیس است. بچه‌های ما با فرمان مسئول پرسپولیس، چمن را نگهداری کردند.» در این خصوص نیز پیگیری‌های خبرنگار «فرهیختگان» حکایت از آن دارد که افشین پیروانی دو نفر را به شرکت توسعه و تجهیز برای بهبود شرایط معرفی کرده و در حالی‌که کارگروه مشخصی برای این امر در حال توسعه و تحقیق و بهبود شرایط چمن بودند، اقدامات آنها نیمه‌کاره باقی مانده و دست فرمان به نقرات مورد اشاره سرپرست پرسپولیس که هیچ صلاحیت علمی بالاتر از کارگروه مورد اشاره نداشته سپرده می‌شود تا کار به شکل فعلی دربیاید. این‌نفرات مدعی می‌شوند ۱۵ روزه چمن را درست می‌کنند اما در نهایت اتفاقی افتاده که همگان شاهد بودند تا فریاد کادرفنی و بازیکنان همین تیم در اعتراض به چمن بلند شود. حال اینکه آیا واقعا رضایت‌مندی از شرایط فعلی وجود دارد که عسگریان تأکید می‌کنند: «اگر باشگاه پرسپولیس نظرش باشد که با این مسئول وظیفه نگهداری چمن را ادامه دهد، این هم از آن دست اتفاقات عجیب و غریبی است که باید این ابهام را هم برطرف کرد.

■ نتیجه بها ندادن به متخصصان

به نظر می‌رسد وقتی وزارت ورزش به متخصصان خودش بها نمی‌دهد و از ناکارشناسان و آدم‌های ناکارآمد خارج از سیستم در پسین مدیران و معاونت‌های فنی شرکت توسعه و تجهیز استفاده می‌کند نتیجه آن می‌شود همین وضعیت آبروسر فعلی و تقابل فعلی به وجود آمده بین مسئولان دو شرکت توسعه و تجهیز و ورزشگاه آزادی نیز فضا را به سمتی برده که اصلاً قابل دفاع نباشد.

■ راهکار چیست؟

رقابت‌های لیگ از جمله دربی، بازی‌های ملی و لیگ قهرمانان باعث شده تقویم فشرده‌ای پیش‌رو باشد. حال اینکه چه راهکار فوری‌ای برای اقدامات موثر به‌منظور بهبودی چمن ورزشگاه آزادی وجود دارد به برخی نکات به صورت تیترواری می‌توان اشاره کرد:

برخی اتفاقات می‌تواند تا حدود یک ماه که ۲۵ روز وضعیت را تا حدودی بهبود ببخشد؛ از جمله اینکه در این مدت مسابقه رسمی و دوستانه و هیچ‌گونه تمرینی در ورزشگاه آزادی برگزار نشود که با توجه به تقویم پیش‌رو به نظر می‌رسد این امر تا تعطیلات منتهی به جام ملت‌های آسیا امکان‌پذیر نباشد. در این بین باید کار به دست متخصصان چمن سپرده شود تا با تجهیز امکانات و وسایل مدرن نیاز آنها، شرایط برای برون‌رفت سریع از وضعیت فعلی با کمک سازمان لیگ و فدراسیون فوتبال ایجاد شود تا چمن با شرایطی بهتر و روزشده تحویل داده شود. خبر خوب اینکه چمن مورد استفاده سردسیری است و با رفتن به فصل سرما وضعیتش بهتر هم خواهد شد. البته نهایت امر اینکه درخصوص استفاده از رول‌های چمنی با توجه به موجود بودن بانک‌های مختلف چمن، این امر هم تا حدودی امکان‌پذیر است.

■ راهکارهای سریع برای برون‌رفت

از شرایط فعلی

■ حدود یک ماه استراحت به زمین

■ آسیب‌شناسی مشکلات چمن

■ سپردن کار به افراد متخصص

■ تأمین امکانات مدرن مورد نیاز

مجتبی فریدونی در گفت‌وگو با «فرهیختگان»: مدیر قرمزها هر کاری می‌کند دیده شود

درویش شواف می‌کند، خطیر مدیریت بلد نیست

حضور قدرتمند در لیگ قهرمانان باید تیمش را تجهیز کند راهی کربلا شد و از خود عکس‌هایی منتشر کرد تا بگوید در کربلا حضور دارد. چشم تعداد زیادی از مردم به این تیم است. کربلا رفتن او درست در کوران نقل‌وانتقالات از واجبات نیست و او می‌توانست پس از انجام مسئولیت‌هایی که اتفاقاً زمان مشخصی داشت به کربلا می‌رفت یا مثل بسیاری از مردم زودتر اقدام می‌کرد و در زمانی که به حضورش در باشگاه نیاز بود راهی این سفر نمی‌شد. به نظر می‌رسد اما تمرکز و هدفش آن چیزی نبود که باید باشد

و بیشتر درجهت دیده شدن است. او از این موضوعات به‌عنوان ابزاری برای بقا استفاده می‌کند. از شناس خوبش پرسپولیس هم در لیگ نتیجه گرفته و او با خیال اینکه این نتایج دست‌آورد اوست می‌خواهد همچنان در این پست باقی بماند. «درویش تبحر زیادی در نمایش و بازی کردن دارد. یادمان نرفته آن روزی که مذاکره می‌براونند با استقلال پیش آمد و او کتش را روی سرش کشید و در صندلی عقب ماشین خوابید اما با اعتمادبه‌نفس به برنامه فوتبال‌بتر رفت و ادعا کرد فشارش افتاده است. او هنرپیشه خوبی است و اعتمادبه‌نفس خوبی دارد. دیدید که در ماجرای دیدار دخترش با رونالدو هم چه حرف‌هایی زد. او جویری از این موضوع حرف زد انگار بقیه مردم ایران علیه فلسطین هستند. اتفاقاً هر ترجمی در این مورد از رونالدو سوال می‌کرد می‌شک درست‌ترین جواب را می‌شنیدیم. او اگر اهل شواف نبود به‌وضوح می‌گفت که دوست داشتم دخترش را بیاورد تا رونالدو را ببیند. اگر راستش را می‌گفت بهتر بود و به شعور مردم هم این‌گونه توهین نمی‌کرد. او با باورهای مردم لطمه می‌زند و از باورهای آنها برای خود سپر مذهبی و سیاسی درست می‌کند. درویش می‌خواهد با این کارها خود را مدیرعامل پرسپولیس نگه دارد غافل از اینکه بقا شناسنگی می‌خواهد. او موفقیت خود را در این می‌بیند که تمرکز دیگران را به هم بریزد. او اگر آل‌کنتر را می‌خواست از ابتدا نظرش را جلب می‌کرد نه اینکه بازیکن برود با سپاهان توافق کرده و قرارداد ببندد، بعد در آنجایی که به مشکل خورد با این حرف‌ها تمرکز تیم و بازیکن را به هم بریزد و خودش را زیر سوال ببرد که برخلاف قوانین با بازیکن تحت قرارداد مذاکره کرده است. درویش یا هیچ چیز از قوانین نمی‌داند یا مرد رند است. همه می‌دانند او با این شواف‌ها فعلاً ماندگار شده است.»



نیلوفر مژده‌هی خبرنگار

مشکلات مدیریتی در فوتبال ایران بیداد می‌کند. طی فصل جاری از همان زمانی که استارت نقل‌وانتقالات تابستانی زده شد مدیران فوتبالی چنان ناشیانه رفتار کردند که روز ریز مشکلات باشگاه‌ها افزوده شد و حال‌ای بینیم در کنار همه ایرادات فوتبال ما، مشکلات مدیریتی از همه بدتر است. این موضوع وقتی عینیت پیدا کرد که رضا درویش و علی خطیر به‌عنوان مدیران دو تیم برطرف‌دار پرسپولیس و استقلال با رفتارهای نامتعارف خود تیشه را بر ریشه اصلی باشگاه خود زدند و چنان رفتار کردند که مشخص نیست از ناتوانی است یا از نابلدی؟ همین اتفاقات بهانه خوبی بود تا با مجتبی فریدونی، مدیرعامل سابق باشگاه ذوب‌آهن و کارشناس ارشد اقتصاد که با نحوه درآمدزایی در باشگاه‌های جهان آشنایی دارد گفت‌وگو کنیم.

■ هنرپیشه خوبی به نام درویش

وی با انتقاد از مدیرعامل پرسپولیس در روزهای اخیر به «فرهیختگان» گفت: «درویش در این یکی دو روز اقداماتی کرد که تصور کردیم مباشر تیم النصر است. او تیم خود را راه‌کرده و همه هوش و حواس خود را روی کارهای حرفی گذاشته بود. اصل دلیلی نمی‌بینم مدیرعامل به استقبال یک تیم از یک باشگاه برود و در فرودگاه حاضر شود. حتی نیازی به حضور او در هتل نبود. از طرفی هماهنگ‌کننده دیدارهای رونالدو شده بود. من به خوب بودن اقدامات صورت گرفته برای ملاقات آن خانم هنرمند و رونالدو ایرادی ندارم، اما این کار را می‌توانست روابط عمومی باشگاه انجام دهند و شأن مدیرعامل حفظ شود. اما او آنقدر ذوق زده و دست‌پجه بود که به وظایف اصلی خود نرسید. درویش به اندازه کافی مطرح هست و نمی‌داند چرا اصرار داشت خود را بیش از این مطرح کند؛ چراکه رفتارهایش اصلاً زبینده مدیرعامل یک باشگاه نبود.»

مدیرعامل سابق باشگاه ذوب‌آهن با اشاره به اینکه مدیرعامل باشگاه پرسپولیس در تقویت تیمش ناکام بود، به ما گفت: «کلا درویش در این مدت مدام در حال فرار رو به جلو بود. در روزهایی که می‌دانست برای

تیمی که آسیایی بسته نشد

ربیع خواه: مصدومیت ترابی کمر تیم را شکست



تیم، گرفتن بی دلیل کارت زرد به خاطر زمین خوردن در صحنه‌ای که میلاد سرلک اولین کارتش را گرفت و وحید امیری که به خاطر بد بودن زمین مصدوم شد و از زمین بیرون رفت. در چنین زمین‌ی واقعاً فوتبال بازی کردن سخت است و متأسفانه پرسپولیس نتوانست از امتیاز میزبانی، نه از جانب حمایت تماشاگران و نه ورزشگاه خانگی بهره ببرد.»

شرایط النصر بهتر از پرسپولیس بود

ربیع خواه با تأکید بر اینکه پرسپولیس در یک جنگ نابرابر به مصاف النصر رفت، یادآورد شد: «واقعیت امر این است که تیم های عربستانی با جذب ستارگان فوتبال دنیا توازن را در بین تیم های آسیایی بر هم

زده اند. در چنین شرایطی تیم های ایرانی و از جمله پرسپولیس باید در شرایط کاملا نابرابر به مصاف رقیبای عربستانی بروند. نه فقط در سطح بازیکن بلکه در زمینه های مختلف. متأسفانه فوتبال ما در زمینه امکانات سخت افزاری و نرم افزاری روند نزولی در پیش گرفته است. روندی که اگر ادامه پیدا کند خیلی زود فاصله ایجاد شده را خیلی بیشتر خواهد کرد. امیدوارم مسئولان زودتر به خودشان آمده و شرایط را برای بهبود امکانات سخت افزاری فراهم کنند. واقعاً برای کشورمان بد است که بهترین ورزشگاه مان چنین زمین چمنی داشته باشد.»

پرسپولیس ماهه

در جذب مهاجم تغلل کرد

وی در پاسخ به این سوال که نقطه ضعف پرسپولیس مقابل النصر چه بود؟ خاطرنشان کرد: «پرسپولیس تقریباً در همه خطوط بازیکنان خوبی دارد اما نبود یک مهاجم توانمند و کامل در خط حمله این تیم کاملاً به چشم می آید. به خاطر همین ضعف هم بارها وحید امیری سعی کرد با دوندگی زیاد برای بقیه موقعیت سازی کند یا به دروازه النصر نزدیک شود. واقعاً نمی دانم که چرا ماهه‌ها برای جذب مهاجم تغلل شد تا الان این شرایط پیش بیاید. در هر صورت خیلی نباید پرسپولیس را کوید بلکه الان وقت حمایت هواداران و پیشکسوتان از این تیم است تا بتوانند در ادامه مسیر این شکست را جبران کنند. خیلی از مربیان بزرگ دنیا اعتقاد دارند که استرس می تواند تا ۷۰ درصد باعث افت کیفی یک بازیکن شود به همین خاطر قبل از آغاز بازی های بزرگ سعی می کنند بیشتر تمرکز خود را روی آماده کردن تیم شان از لحاظ روحی و روانی بگذارند.

قرار داده بود تا در هر یک از خطوط زمین توان تیمش را بالا ببرد که البته خواسته های او برآورده نشد.

نه خبری از اردوی خارجی بود و نه بازی بین المللی

یکی دیگر از خواسته های مهم یحیی گل محمدی در تابستان جاری برگزاری یک اردوی دو سه هفته ای در خارج از کشور بود. او خوب می دانست که تیمش دو سال است نتوانسته به خارج از ایران برود و نیاز دارند که یک فضای تمرینی جدید را با امکانات ایده آل تجربه کنند. در کنار این قضیه یحیی حداقل سه بازی با تیم های خارجی هم برای شاگردانش در نظر گرفته بود تا عملکرد بازیکنانش را در بازی های بین المللی و به مراتب سنگین تر، بهتر بسنجد. مخصوصاً سرخپوشانی که بازی بین المللی در کارنامه فوتبالی خود ندارند. اما لغو اردوی خارجی پرسپولیس خیلی از برنامه های آماده سازی سرخپوشان را به هم زد و تیم آن طور که باید برای بازی های آسیایی آماده نشد. این در حالی بود که النصر چند هفته پیش در یک تورنمنت سنگین که جام اعراب باشد شرکت کرد و قهرمان هم شد.

یحیی مربی بازی های بزرگ نیست؟

مربیانی در فوتبال امروز دنیا موفق عمل می کنند که غیر از اینکه از لحاظ فنی و تاکتیکی خود را به روز کرده و از افراد کار بلد در کنارشان استفاده کنند، از لحاظ روحی و روانی هم بتوانند به بهترین شکل شاگردان شان را آماده مسابقه کنند. مخصوصاً در بازی های سنگین و میداین مهم. پرسپولیس در زمان برانکو بازی های آسیایی سنگینی را تجربه کرد و در اکثر آنها موفق بود. دلیل این موفقیت، داشتن مهره های سرنویشت ساز نبود بلکه چون تیمی یکدست داشتند و برای هر بازی از لحاظ روحی و روانی خوب آماده می شدند، موفق عمل می کردند. به خاطر همین مساله بازیکنان معمولی مثل آدم همتی، احسان علوان زاده و... وقتی در ترکیب سرخپوشان قرار می گرفتند آنقدر از نظر روحی آماده بودند که خودشان هم باورشان می شد در سطح بازی هستند. ناگفته نماند خود یحیی گل محمدی بعد از فینالیست شدن تیمش در اولین سال مربیگری خود در پرسپولیس در برنامه تلویزیونی گفت: «شاگردانم چون تجربه آسیایی داشتند آنقدر خوب و حرفه ای فکر می کردند که دیگر نیازی نبود چیزی به آنها بگویم، اما در سال های بعد از آن پرسپولیس هرچه بازیکنانش تغییر کرد بیشتر دچار افت کیفی در بازی های مهم بین المللی شد و سرخپوشان دو سال پیش مقابل الهلال و این بار مقابل النصر تیمی دست و پا بسته نشان دادند. یحیی به خاطر خصوصیات اخلاقی آرام و متینش، از آن دسته از مربیان هیجانی نیست که قبل از چنین مسابقات مهمی بتواند شاگردان جوان و کم تجربه اش را آن طور که باید آماده بازی کند. شاید وحید امیری هم کاپیتانی با این خصوصیات نباشد. حتی دستیاران یحیی هم افرادی با این خصوصیات نیستند.

ربیع خواه: زمین چمن پرسپولیس را شکست

هافبک سابق پرسپولیس با انتقاد از زمین چمن ورزشگاه آزادی به «فرهیختگان» گفت: «ضربه ای که چمن بی کیفیت ورزشگاه به پرسپولیس زد کمر این تیم را شکست؛ مصدومیت زودهنگام یکی از بهترین بازیکنان



حمیدرضا اسکندری خبرنگار گروه ورزش

پرسپولیس اولین بازی آسیایی خود را با شکست آغاز کرد. تیمی که سه شبه شب مقابل یاران روتالندو به میدان رفت هیچ شباهتی با تیم هفته های پایانی فصل قبل نداشت و در برابر حریف پرستاره عربستانی خود به وضوح دست و پا بسته بود. در این مورد می توان کیفیت بد چمن ورزشگاه آزادی، مصدومیت زودهنگام مهدی ترابی و اخراج میلاد سرلک و گل به خودی دانیال اسماعیلی فر را جزه دلایل شکست سرخپوشان دانست اما جدا از این مسائل شاگردان یحیی گل محمدی در اولین نبرد آسیایی خود نتوانستند هواداران خود را نسبت به آینده امیدوار سازند. دقیقاً مثل آخرین نبرد آسیایی پرسپولیس که به دو سال پیش بر می گردد، مقابل الهلال در یک چهارم نهایی لیگ قهرمانان آسیا. همان بازی که پرسپولیس بدون اینکه توان ایجاد موقعیت روی دروازه الهلال را داشته باشد نتیجه را سه بر صفر واگذار کرد و سرشکسته به تهران برگشت.

برای اینکه بررسی دقیق تری در مورد باخت پرسپولیس در ورزشگاه آزادی مقابل النصر داشته باشیم به چند نکته اساسی اشاره می کنیم. ضمن اینکه در ادامه نظر محسن ربیع خواه که تجربه چنین روزهایی در پرسپولیس دارد را نیز جویا شدیم.

تیمی که برای آسیا بسته نشد

لیگ برتر ایران از لحاظ فنی و کیفی در یک سطح معمولی است و تعداد ستاره های آن نیز انگشت شمار است. از این رو نمی توان سطح این رقابت ها را با لیگ قهرمانان آسیا مقایسه کرد. مخصوصاً این دوره از رقابت ها را که ستارگان فوتبال دنیا به آن راه پیدا کرده اند. در چنین شرایطی وقتی قرار است تیمی به عنوان مدعی وارد رقابت های آسیایی شود باید بازیکنانی در این سطح را هم در اختیار داشته باشد تا وقتی برابر ستاره های شناخته شده فوتبال جهان قرار می گیرند دچار استرس نشده و بتوانند حداقل ۸۰، ۷۰ درصد توانایی خود را ارائه دهند. پرسپولیس به جرات یکی از تیم های پرمهره لیگ برتر است اما مهره هایی که حداقل نیمی از آنها در حد همین لیگ برتر هستند و نه میدان های مهم بین المللی. به خاطر همین مساله بازیکنانی مثل دانیال اسماعیلی فر، علی نعمتی، میلاد سرلک، سعید صادقی، شهاب زاهدی، محمد عمری و مسعود ریگی در بازی با النصر عملکردی معمولی و برخی از آنها بسیار ضعیف و پراشتباه داشتند. در کنار این مساله پرسپولیس بازیکنانی را در خط جلو نداشت که توان حفظ توپ و نگه داشتن آن برای اضافه شدن دیگر نفرات به خط جلو، را داشته باشند. اگر یک بار دیگر بازی را مرور کنیم امیری، صادقی، عمری و زاهدی بارها قصد این کار را داشتند اما با توپ ربایی سریع بازیکنان حریف مواجه شدند. مسلماً تیمی که توان لازم را در خط حمله نداشته باشد ناچاراً عقب بازی می کند و برای رسیدن به گل منتظر ضربات ایستگاهی و اشتباه حریف می ماند. شاید به خاطر همین مساله بود که یحیی بازیکنانی چون سعید عزت الهی، شهباز مغاللو و یک مهاجم خارجی با توانمندی بالا را در لیست خریدهای تابستانی خود

دانیال شه بخش در گفت و گو با «فرهیختگان»: در هانگزو به گونه ای مبارزه می کنم که بعدا پشیمان نشوم

در آسیا با قدرت های بوکس دنیا مقابله می کنیم

با همه وجود برای بهترین مدال می جنگم



مهدی منصرف خبرنگار

تیم ملی بوکس کشورمان با ۵ بوکسور در نوزدهمین دوره بازی های آسیایی ۲۰۲۲ هانگزو حاضر خواهد شد تا پس از عدم توفیق در کسب مدال در دوره گذشته این بار برای افتخارآفرینی تلاش کند. این درحالی است که توزیع سهمیه المپیک ۲۰۲۴ پاریس در این رقابت ها باعث خواهد شد سختی های مسابقات این دوره چندبرابر شود. دانیال شه بخش در مسابقات قهرمانی جهان سال ۲۰۲۱ پس از ۸۶ سال موفق به تاریخ سازی در بوکس ایران شد و برای اولین بار بوکس ایران با کسب نشان برنز صاحب مدال جهانی کرد تا نام خود را در این رشته برای همیشه ثبت کند. او که این روزها با حضور در بوکس حرفه ای اهداف بزرگی را در سر دارد. او مدال نقره آسیا را نیز در کارنامه خود دارد و یکی از امیدهای رشته بوکس و کاروان ایران برای موفقیت در هانگزو خواهد بود. گفت وگویی «فرهیختگان» با شه بخش را در ادامه بخوانید.

تیم ملی بوکس در شرایطی عازم هانگزو شده است که برای حضور در این مسابقات تدارکات چندانی خوبی نداشت و تنها در فاصله یک ماه تا شروع مسابقات یک اردوی مشترک با اردن و یک اردوی مشترک نیز با تیم ترکیه در تهران برگزار کرد، همچنین حضور برخی ملی پوشان به دلیل عدم دریافت روادید در تورنمنت بوسنی متفی شد.

هر قدر در تورنمنت ها شرکت کنیم باز هم کم است. تنها چیزی که به ورزشکار کمک می کند، این است که میدان بیشتر ببیند و در رشته ما با قهرمانان بزرگ بوکس دنیا تن به تن شود. یکی، دو اردوی مشترک داشتیم که مطمئناً تأثیر خود را خواهد گذاشت، اما متأسفانه حضورمان در تورنمنت بوسنی لغو شد. حضور در این مسابقات می توانست کمک کند تا بیشتر برای بازی های آسیایی هانگزو آماده شوم. البته یک تک بازی در بوکس حرفه ای در ارومنستان داشتیم که خدا را شکر خوب بود و می تواند به من کمک کند. اینکه در یک بازی رسمی با یک بوکسور گرجستانی تن به تن شدم قطعاً در عملکردم در بازی های آسیایی ۲۰۲۲ هانگزو تأثیرگذار خواهد بود.

با توجه به رشد و قدرت بوکس قاره آسیا در جهان به نظر می رسد ملی پوشان در بازی های آسیایی کار بسیار سختی پیش رو خواهند داشت.

مشکل حائز اهمیت که بوکس ایران همیشه با آن کلتجار می رود حضور در

توزیع سهمیه المپیک در هانگزو حساسیت را دوچندان می کند



افزایه می شد تا برای بوکس ایران شمره کمتر باشد. متأسفانه در این رویداد نهانی با ما نیست و امیدوارم در نبود ایشان تیم ملی نمایش خوبی را در رینگ هانگزو اجرا کند. بوکس ایران و بچه های تیم ملی همه تلاش خود را می کنند تا بهترین نتیجه را بگیرند و مطمئناً برای این کار از تمام وجود خود استفاده می کنند.

قاره آسیاست. در آسیا با قدرت های دنیا مقابله می کنیم. این قاره در حال حاضر قدرت بوکس دنیاست و تیم های اول و دوم جهان از آسیا هستند. طی روزهای آینده قرار است المپیک آسیایی را تجربه کنیم که کار بسیار سختی خواهیم داشت. در هر صورت دست و پا بسته نیستیم و امیدوارم نه تنها خودم بلکه تک تک بچه ها بهترین نتیجه را برای بوکس ایران بگیرند و کمکی برای کاروان بزرگی بوکس ایران باشند.

بوکس ایران از سال ۲۰۰۶ که علی مظاهری موفق به کسب مدال طلا در بازی های آسیایی دوحه شد، همچنان در حسرت تکرار این مدال است. چقدر امیدواری این ظلم توسط شما شکسته شود؟

علی مظاهری در دوره های گذشته توانست مدال طلا را در بازی های آسیایی کسب کنند، اما در حال حاضر شرایط بوکس بسیار فرق کرده است. جدا از اینکه قهرمانان بوکس دنیا در قاره آسیا حضور دارند، بازی های آسیایی این دوره کسب سهمیه المپیک ۲۰۲۴ پاریس نیز خواهد بود و همین موضوع حساسیت ها را برای کشورهای قهرمان و مدعی دوچندان می کند. در هر صورت تلاش خواهم کرد که بهترین نتیجه را کسب کنم و کاری نخواهم کرد بعد از پایان مسابقه دچار پشیمانی شوم. مطمئناً تمام تلاشم را می کنم بهترین نتیجه را برای بوکس ایران به دست بیاورم.

فکر می کنید سایر ملی پوشان ایران توانایی موفقیت در بازی های آسیایی را دارند؟

واقعاً توانایی همه بچه های تیم ملی بوکس را قبول دارم. بچه های ما به خوبی می دانند که اگر می خواهند تشویق شوند باید کارهای بزرگ انجام بدهند. انجام کارهای سخت و غیرممکن باعث خواهد شد تا تشویق شویم و بچه هایمان مطمئناً تمام توان و وجود خود را خواهند گذاشت. کار بسیار سختی را پیش رو داریم، اما آرزوی می کنم بهترین نتیجه را کسب کنیم. ما کسب سهمیه المپیک و خود المپیک آسیایی را همزمان پیش رو داریم و همین موضوع حساسیت را دوچندان می کند، اما همه بچه ها با همه نیرو جلو خواهند رفت.

حضور محمود نهانی مربی شما در کادرفنی تیم ملی همواره باعث شده عملکرد بهتری داشته باشی، اما این بار بدون نهانی در بازی های آسیایی حاضر خواهی شد.

محمود نهانی در هر رقابتی با من حضور داشته است نتیجه قابل قبول گرفته ام. خیلی خوب می شد ایشان در این مسابقات به کادر استاد نهرویی

واکنش برانکو به شکست پرسپولیس: النصر برد چون بهتر بود

شکست پرسپولیس مقابل النصر خلاف آن چیزی بود که هواداران این تیم انتظار داشتند. از این جهت که سرخپوشان فصل پیش قهرمان دو جام داخلی شد و به عنوان بهترین تیم ایران راهی این مسابقات شدند. از طرفی عملکرد خوب پرسپولیس در چندسال اخیر حضورش در بازی های آسیایی باعث شده سطح توقع هواداران این تیم بالا برود و حداقل انتظار شکست خانگی تیم شان را در ورزشگاه آزادی نداشته باشند. شاید اگر پرسپولیس عملکرد خوبی مقابل النصر داشت انتقادات کمتری از یحیی و تیمش می شد اما واقعیت امر است که سرخپوشان بازی در خور نام و اعتبار تیم شان مقابل النصر ارائه ندادند. یکی از افرادی که از عملکرد پرسپولیس در بازی با النصر رضایت ندارد، برانکو ایوانکوویچ است. مربی ای که در زمان حضورش در پرسپولیس همواره با این تیم در لیگ قهرمانان فروع ظاهر می شد. برانکو که قبل از این مسابقه پیام روحیه بخشی را برای پرسپولیس و هوادارانش فرستاده بود، در مورد این شکست به «فرهیختگان» گفت: «چون بازی را به طور کامل ندیدیم نمی توانم کامل در مورد آن صحبت کنم. متأسفانه فقط یک نیمه از مسابقه را تماشا کردم و در آن نیمه (نیمه اول) هم النصر تیم بهتر میدان بود و به همین خاطر بازی را برد. البته شنیدم که پرسپولیس یکی از بازیکنانش در نیمه دوم اخراج شد و قطعاً این مساله تأثیر زیادی در این شکست داشته است.»

ستاره ازبک از زمان منصوریان در لیست آبی ها!

سقف بودجه استقلال

مهم ترین سد ماشا رپیوف

با اعلام برخی رسانه ها جواد نکونام با ارسال نامه ای برای مدیران باشگاه استقلال خواستار جذب جلال الدین ماشا رپیوف، ستاره سابق تیم النصر عربستان شده است. ماشا رپیوف ازبکستانی چندی پیش قراردادش با النصر را فسخ کرد و به عنوان بازیکن آزاد مشکلی برای حضور در استقلال ندارد. او سابقه بازی برای شباب الاهلی، باختاکور و لوکوموتیو ازبکستان را نیز در کارنامه دارد. باید دید در نهایت مدیران باشگاه استقلال موفق به جذب این ستاره ازبکستانی می شوند یا او راهی تیم دیگری خواهد شد. نکته قابل توجه اینکه این ستاره ازبکستانی طی سال های اخیر و از زمان سرمربیگری علیرضا منصوریان یکی از گزینه های خط هافبک استقلال بوده اما این خرید هیچ وقت انجام نشده و در حد همان گمانه زنی رسانه ای و لینک شدن هر ساله باقی مانده است. البته به نظر می رسد مهم ترین سدی که در حال حاضر پیش پای این چهره برای استقلالی شدن قرار دارد به سقف بودجه تیم های باشگاهی در لیگ برتر مربوط باشد. ضمن اینکه پنجره نقل و انتقالاتی استقلالی ها بسته است و باید اقداماتی در راه باز کردن آن انجام شود.

پازل ذهنی ما از جنگ چگونه ساخته شد؟



حدود خطوط جغرافیایی این را نگویند. این درست است که ملت ایران به رغم همدستی تمام قدرت های جهانی با عراق و قحطی امکانات نظامی و حتی معیشتی آخر سر نگذاشت ارتش بعث به مرادش برسد اما پیروزی اصلی جای دیگری برایش رقم خورد؛ آنجا که فرزندان این ملت توانستند به خودشان و به تاریخ ثابت کنند که اگر در عاشورای سال ۶۱ هجری بودند، جا نمی‌زدند و در سپاه امام حسین می‌ماندند. نقطه شگفتی ساز قضیه از همین خوانش خاص نسبت به یک نبرد مغلوبه در ۱۴۰۰ سال پیش برمی‌خیزد. همه حر ریاحی را پیروز می‌دانند؛ با اینکه در آخرین لحظه از سپاه برنده به سمت سپاه بازنده رفت. این تعریف دیگری از شکست و پیروزی است که از سربازان ایرانی چه مرد و چه زن، چه در خط مقدم و چه پشت جبهه در شهرها و کویچه‌ها و خانه‌ها، انسان‌هایی ساخته بود که صاحبان اراده‌ای ناتمام بودند. تفاوتی که بین سینمای جنگ با سینمای دفاع مقدس وجود دارد هم از توجه به این موضوع و انواع گوناگون تلقی‌ها نسبت به آن ایجاد شده است. آثاری که جنگی هستند اما این درون‌مایه را ندارند؛ چه اکشن و پر از تیر و ترفه و خون و چه ضد جنگ و افسرده فیلم جنگی هستند اما دفاع مقدسی نیستند اما آنهایی که از الگوی فرهنگی دفاع مقدس غافل نبوده‌اند حتی درام را بر این پایه ساخته‌اند. مروری بر چند فیلم مهم که نقاط عطف جریان فیلم‌سازی جنگی، ضد جنگ و دفاع مقدس در ایران هستند تا حدودی به درک موضوع کمک خواهد کرد.

فنی از کیفیت این جنگ و تبعات آن ناتمام است اما بین جنگ ایران و عراق با سایر جنگ‌های کوچک و بزرگ جهان یک فرق اساسی هست که مبنای فرهنگی دارد. می‌شود حد اعلای این تفاوت را در سینمای ایران دید و بازشناسی کرد یا به عبارتی یکی از بهترین جاهایی که برای تبیین تفاوت این جنگ با سایر جنگ‌ها می‌توان شاهد مثال گرفت، سینمای ایران است. تفاوتی که بین دو عبارت سینمای جنگ و سینمای دفاع مقدس قائل شده‌اند کلیدواژه‌ها را برای فهم این موضوع فراهم می‌کند و با تکیه بر همین دوگانگی است که می‌شود نهر جدیدی کنار جریان تمام تحلیل‌های فنی از این تنش ۴۰ ساله و جنگ هشت ساله حفر کرد تا روایت جدیدی آغاز شود؛ روایت فتح. روایت جنگ در سال ۶۷ و ۶۸ به پایان می‌رسد و پس از آن نهایتاً یک سری مسائل اجتماعی مثل مصدومان، داغداران و آوارگان جنگ‌زده را داریم اما روایت فتح ناتمام است. الگوی فرهنگی سربازان و سرداران و رهبران ایران در این جنگ از کهن‌الگوی عاشورا وام گرفته بود و در آن انسان مأیوس و وظیفه‌بود نه نتیجه. به این شکل یک سربازی یا نیروی نظامی اگرچه تمام تلاشش را برای موفقیت به کار می‌گرفت اما بروی‌باخت را در میدان جغرافیا نمی‌دید. هر کسبی اگر پایمردی کرد و خالصانه بر سر اعتقادش ماند یا به عبارتی در جهاد اکبر پیروز شد، پیروز نهایی است؛ هرچند امکان دارد که خودش یا میله پرچی که در مشتش گره کرده، به زمین بیفتند و اگر در این جهاد با نفس پیروز نشدند، بازنده خواهد بود، حتی اگر

تنش‌های مرزی بین ایران و عراق حداقل از سال ۱۳۳۸ شروع شده بود و تا ۴۰ سال بعد ادامه پیدا کرد. جنگ بین این دو کشور اما رسماً و علناً از اواخر تابستان سال ۵۹ شروع شد و ۳۱ شهریور آن سال را آغاز طوفانی‌ترین جنگ کلاسیک و مدرن در تاریخ بشر اعلام کردند. به قدری مسائل ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک بین عراق و ایران پیچیده بود که آغاز روایت این تنش‌ها را می‌توان حداقل به عقد قرارداد قصر ششیرین بین ایران و عثمانی در ۴۰۰ سال پیش برگرداند. در این چند قرن خون‌های زیادی ریخته شد؛ هرچند انگار تا این فواره به اوج نمی‌رسید قرار نبود فرو بریزد و تکلیف دو کشور را با مرزهای هم روشن کند. بالاخره در سال ۱۳۵۹ با تجاوز عراق به خاک ایران از چند محور غربی که مهم‌ترین شان مرز شلمچه و شهر خرمشهر بود جنگ تمام‌عیار آغاز شد. نخل‌ها بی‌سر شدند و برج‌های دیده‌بانی بالا رفت، جای تراکتور و خویش و گاواهن را شن‌کش لشکرهای زرهی گرفت، آسمان با دود جنگنده‌ها سیاه شد و از زمین به جای گیاه و گل توره انفجار بمب‌های خوشه‌ای رویید. جنگ ویرانگری درگرفت که هنوز از تقویم روزشمار آن خون می‌چکد و مادران داغدارانی که آخرین سرباز بازگشته از جنگ هم پسرشان نبوده است هنوز سر از سجاده نفرین و دعا برنداشته‌اند. تحلیل‌های

روزگار

سفر به چزابه

با این فیلم بود که نوستالژی دفاع مقدس آغاز شد و در سیمای شخصیت اصلی‌اش که یک کارگردان سینما بود، می‌شد خود رسول ملاقلی‌پور را دید. نکته اینجاست که جنگ با آن همه تبعات ناگوارش چیزی نیست که بتواند نوستالژیک باشد و رسول ملاقلی‌پور هم نسبت به آن بخش‌های جنگ، حس سوگواری را حفظ کرده است. چیزی که باعث دل‌تنگی فیلمساز شده و مخاطبان را هم با خودش همراه می‌کند، فضای آرمانگرایانه دهه ۶۰ و مناسبات آن‌گونه، بین آدم‌های آن دوره است. بعد از جنگ دولتی روی کار آمد که می‌خواست فضای آرمان‌گرای دوره دفاع مقدس تمام شود و این روند در چندین دولت پس از آن هم با کیفیت‌های مختلف ادامه پیدا کرد. سفر به چزابه اولین واکنش قابل توجه سینمایی به چنین روندی بود.

مرزو برزخی‌ها

«مرز» به کارگردانی جمشید حیدری و نویسندگی سیروس الوند که در سال ۱۳۶۰ ساخته شد، اولین فیلم جنگی سینمای ایران است که در ارتباط با تجاوز عراق ساخته شد. پس از آن در سال ۶۱ فیلم مشهور و پرحاشیه برزخی‌ها روی پرده رفت که محل کشمکش یک‌سری گروه‌های سیاسی قرار گرفت و نهایتاً با پیروزی جریان موسوم به چپ اسلامی در آن دوره تاریخی و حذف وزیر ارشاد وقت که منجر به دور شدن ابدی او از سیاست هم شد از پرده پایین آمد. هر دوی این فیلم‌ها تم میهن‌دوستی را با مایه‌های توبه و تحول آمیخته بودند که این به احوالات عوامل سازنده‌شان، از جمله ستارگانی که بازمانده‌های فیلم فارسی بودند، بی‌ربط نبود.

هیوا

برای نشان دادن اولین عاشقانه سینمای دفاع مقدس، هیچ‌کسی جرات و توانایی رسول ملاقلی‌پور را نداشت تا رابطه‌های عاطفی و درونی یک مرد جنگی با همسرش را تصویر کند. ملاقلی‌پور می‌دانست مردانی که وسط میدان نبرد جنگیدند، نه تنها از جان که از عشق و عاطفه خودشان گذشتند. هیوانمونه کاملی از تمام بدعت‌هایی بود که این فیلمساز برای سینمای ایران آورد با همان جسارتی که در شکستن فرم‌های مرسوم داشت. عشق را به سینمای دفاع مقدس آورد، مردان دیپلمات را نقد کرد، زمان را شکست و زمان و مکانی تازه از روایت به فیلم الصاق کرد، کاری که پیش‌تر در سفر به چزابه و بعداً در مزرعه پدري تکرار کرد.

پرواز در شب

سینمای دفاع مقدس در نیمه‌های دهه ۶۰ ناگهان در اوج متولد شد و «پرواز در شب» را می‌توان نقطه نمادین این تولد نامید. رسول ملاقلی‌پور قبلاً هم فیلمی ساخته بود به نام «نینوا» و حتی نام آن جنبه نمادین داشت اما پرواز در شب، هم پخته‌تر و به لحاظ سنی جلوتر بود و هم توانست به دلیل خلوص و صمیمیتی که داشت، مخاطبان فراوانی را در آن دوره جذب کند. ماجرای این فیلم به نوعی بازسازی انطباقی بخش‌هایی از صحنه عاشورا با جنگ ایران و عراق بود و فرمانده‌ای که در پایان فیلم برای آوردن آب به سنگر بعضی‌ها می‌رود، ماجرای سقایت حضرت عباس در کنار نهر علقمه را به یاد می‌آورد.

آژانس شیشه‌ای

یکی از قله‌های فیلمسازی دفاع مقدس در اوج تنهایی و ناامیدی این فیلم را ساخت. حاتمی‌کیا در مورد نوشتن و ساختن این اثر سینمایی جایی گفته است: «وقتی که فیلمنامه «آژانس شیشه‌ای» را می‌نوشتیم، به هیچ عنوان آمیدی به ساخته شدن آن نداشتیم و همین باعث شد که در نوشتن فیلمنامه این فیلم خیلی راحت برخورد کنم و تنها هدفی که از نوشتن آن دنبال می‌کردم، زدن حرف‌های دلم بود و واکنشی بود به شرایط زمانه». غربیتی که حاج‌کاظم این فیلم دارد، وامدار حس و حال سازنده‌اش است و طغیانی که از میانه فیلم شروع می‌شود هم واکنشی است به تمام شرایط تحمیلی که زمانه بر مردان جنگی وارد می‌کند.

دیده‌بان و مهاجر

ابراهیم حاتمی‌کیا که اولین فیلمش را هم‌زمان با اکران دومین اثر رسول ملاقلی‌پور یعنی پرواز در شب ساخته بود در سال‌های ۶۷ و ۶۸ دو فیلم دیده‌بان و مهاجر را کارگردانی کرد که هر دو از آثار شاخص و مهم سینمای دفاع مقدس و از نقاط عطف این گونه و گفت‌وگو سینمایی بودند. این دو فیلم تاکنون تنها آثاری از حاتمی‌کیا هستند که از ابتدا تا انتها در میدان جنگ روایت می‌شوند و از این لحاظ بر سینمای جنگی ایران تأثیر گذاشتند که به چالش‌های درون نفس انسان‌های رزمنده توجه ویژه‌ای داشتند. توجه به دوگانه‌های متناقض‌نمایی که جمع‌بندی بین‌شان اصلاً راحت نیست، پس از این هم جزء خصوصیات ثابت سینمای حاتمی‌کیا باقی ماند.

موقعیت مهدی

«موقعیت مهدی» فیلمی بود که پس از سال‌ها توانست تب سینمای دفاع مقدس را زنده کند. از جایی به بعد ویروسی به جان سینمای ایران افتاد که درک آدم‌های دیروز با همان فضای واقعی خودشان را ناممکن می‌کرد و فیلم اول هادی حجازی‌فر توانست از این باتلاق بیرون بجهد. این فیلم بیوگرافیک، فاقد درام کلاسیک است که البته با توجه به رسالت تعریف شده برای آن مسأله‌ای طبیعی است. این فیلم ۴ اپیزودی درام‌دار کلاسیک، بسیار محبوب شد چون ذهنیت شهروندان طبقه متوسط ده‌های ۹۰ و ۱۴۰۰ را بر تن شخصیت‌های دهه ۶۰ قالب نکرده بود. این فیلم هم مثل سایر آثار شاخص سینمای دفاع مقدس، به درون‌مایه عاشورا توجه ویژه‌ای کرده بود و خصوصاً موضوع آب را در کانون خرده‌روایت‌هاش قرار می‌داد. به‌طور مثال جایی که مهدی باکری توانست پیکر برادرش را به عقب برگرداند، یادآور ماجرای امام حسین در روز عاشورا بود که توانست پیکر حضرت عباس را به خیمه‌ها برگرداند.

لیلی با من است

لیلی با من است را از جهات مختلفی می‌شود بررسی کرد می‌توان آن را به عنوان یک کمدی یا طنز پاکیزه در نظر گرفت و می‌توان آن را اثری دانست درباره بلوغ مردی که قبلاً بالغ شده اما هنوز بر ترس هایش غلبه نکرده است. با این حال آن جنبه از این فیلم که به آن جایگاهی تأثیرگذار در سینمای دفاع مقدس می‌بخشد، چیزی است که از تحول فرد به واسطه قرار گرفتن در جمع نشان داد. سفر قهرمان این فیلم به انگیزه‌های مالی آغاز می‌شود و او هر قدر که قصد فرار از معرکه را دارد، موفق نمی‌شود و نهایتاً به انسانی آرمان‌گرا تبدیل خواهد شد. لیلی با من است مطلقاً خالی از صحنه‌هایی است که بشود با آن گریخت اما در همان قالب سینمای دفاع مقدس قابل تعریف است و نگاهش به تحول انسان‌ها تأثیر محسوسی بر فیلم‌های پس از خود گذاشت.

در امتداد یک تاریخ هزار و چهارصد ساله

تقریباً خالی بچنگند، بخشی از روزی واقعیات جنگ و بخش دیگر از روزی همان مفهوم‌سازی شیعی صورت گرفته که تاریخی هزار و چهارصدساله دارد. به شخصه به ژانر بومی و غیربومی علاقه‌ای ندارم و برای من به عنوان یک تماشاکننده نیمه حرفه‌ای، تنها چیزی که اهمیت دارد کیفیت بالای چیزی است که مقابل قرار دارد. از این منظر، صادقانه اعتراف می‌کنم که از تماشا کردن برخی از فیلم‌های جریان‌ساز و صاحب‌سبک این ژانر بومی، ابایی ندارم. یعنی با وجود آنکه به اندازه خودم و بسیار بیشتر از دهه‌های قبل، با دنیای سینمای بین‌المللی آشنا هستم و دایره انتخاب‌های من از مرزها و سبک‌ها و ژانرها فراتر رفته‌اند اما اگر فرصتی دست بدهد، از تماشا کردن مجدد خیلی از فیلم‌های دفاع مقدس استقبال می‌کنم. احتمالاً شما هم با من در این زمینه هم نظر خواهید بود که با گذشت سی و چند سال از پایان جنگ، هنوز هم می‌شود بسیاری از فیلم‌های ساخته شده در مورد جنگ را دوباره دید و لذت برد.

فیلم‌های ما، رزمندگان تشنه‌اند، سراغ آب می‌روند اما لب به آن نمی‌زنند، به استقبال خطر می‌روند، در محاصره قرار می‌گیرند اما تسلیم نمی‌شوند، همین است، بازسازی واقعه کربلا و عاشورا، در یک بازه زمانی و مکانی جدید. سینمای دفاع مقدس، یک وظیفه دیگر هم دارد: نمایش مظلومیت تاریخی شیعه و تزیین این ارزش به مخاطبان. تاریخ شیعه و نبردهایش و همچنین فراز و فرودهایش، با این کلمه معین شده. از همین روست که در عمده فیلم‌های جنگی، این کلمه کلیدواژه روایت‌ها و حوادث است و صدالبته که از تاریخ جنگ هم دور نیست. جنگ تحمیلی در شرایطی رخ داد که دولت و ارتش آماده نبودند. کشور در هرج و مرج بعد از انقلاب و ماجرای گروگان‌گیری و همچنین اختلافات داخلی سیاسی قرار داشت و حمله ارتش عراق، در غافلگیری محض انجام شد. اینکه می‌بینید در بسیاری از فیلم‌ها، نیروهای ایرانی، اسلحه‌های آن ندارند، محاصره شده‌اند، در نبرد برابری با قوای دشمن قرار ندارند و در مقابل تجهیزات و روزگار ارتش عراق، سربازان ما باید با دست

عقبه هزار و چهارصد ساله تعریف می‌کند. در تحلیل این نوع از سینما، گفته می‌شود که ژانری بومی و بی‌بدیل است و از خارج وارد نشده. حرف درستی هم هست. در سینمای کمدی یا اجتماعی یا حتی جنایی و ترسناک، با وجود بومی بودن عناصر باز هم می‌شود به این اشاره کرد که با ژانر بومی طرف نیستیم یا در بهترین حالت با وزن یا نسخه بومی شده‌ای طرفیم که اصلش از خارج آمده. این شامل ژانر دفاع مقدس نمی‌شود چراکه اساساً ارزش‌ها و اصول تعریف شده در آن، خارج از معادلات و قواعد مشابه در سینمای جنگی کشورهای دیگر است و این ارزش‌ها را از دل فرهنگ خود استخراج کرده. به عبارت دیگر، سینمای جنگی ایران، آنجا به سینمای دفاع مقدس تبدیل می‌شود که چیزی از ارزش‌های مذهب شیعه را ترویج کند. دستکم این چیزی است که من برداشتم می‌کنم؛ سینمایی که می‌کوشد به نوعی، وقایع اسلامی را بازسازی کند. مهم‌ترینش کربلا دلیل اینکه در بسیاری از

بحث سینمای دفاع مقدس بحث اختصاصی و انحصاری سینمای ایران است. چرا؟ آیا در تمام دنیا سینمای جنگی نداریم؟ آیا در تمام دنیا سینمای جنگی حاوی و مدافع ارزش‌های اخلاقی نداریم؟ قطعاً پاسخ به این سوال مثبت است منتها قصه اینجاست که سینمای دفاع مقدس سینمای جنگی حاوی ارزش‌های شیعی و عاشورایی است و از این رو، در دنیا نمونه مشابه دیگری ندارد. کمتر پیش می‌آید که فیلم‌های جنگی ارزش‌های مذهبی را بکشد مگر اینکه به گونه فیلم‌های تاریخی تعلق داشته باشند و مثل «پادشاهی بهشت» از ریذلی اسکات، روایتگر جنگ‌های صلیبی باشند. از این رو سینمای دفاع مقدس، سینمای بی‌بدیلی به حساب می‌آید چون جنگ هشت ساله خود را در امتداد یک

هومن جعفری خبرنگار

زن؛ چهره‌ی مستور دفاع



عاطفه جعفری خبرنگار گروه فرهنگ

اسلحه به دست گرفتند، خطایی کردند، آسپری کردند، لباس شستند، کارهای امداد و پزشکی انجام دادند و خیلی کارهای دیگر که شاید هنوز درموردشان چیزی نوشته نشده است. زنان در دوران جنگ کم از مردان نداشتند و همپای آنان جنگیدند و دفاع کردند. چه در جبهه و چه در پشت جبهه کمک می‌کردند و حضور پررنگ و سراسر روحیه‌بخش آنان در جای جای این دوران انکارنشدنی است. زنانی که هم کیان خانواده را حفظ می‌کردند و هم برای وطن می‌جنگیدند. گزارش امروز را به بهانه شروع هفته دفاع مقدس به روایت‌های زنان از جنگ اختصاص دادیم. روایت‌های زنان از جنگ شاید به اندازه حضورشان در این جبهه نبوده است و هنوز ناگفته‌های بسیاری داریم که دیده و روایت نشده است. به قول مرتضی سرهنگی تا زمانی که قیمت تمام‌شده جنگ به دست ما نرسد، نمی‌دانیم در آن زمان چه اتفاقی افتاده است و حتما به این قیمت احتیاج داریم.

کفش‌های سرگردان

پرستار بود، برایش مهم بود تا نویسد و فکر نمی‌کرد روزی همین خاطرات کوتاهی که می‌نویسد، کتاب شود. «کفش‌های سرگردان» خاطرات خودنگاشت سهیلا فرجام‌فر، پرستار آبادانی است که از سال اول جنگ تحصیلی عرق علیه ایران در شهرهای آبادان، خرمشهر، بهبهان، تهران و دزفول حضور داشت. سی‌ام شهریور ماه ۱۳۵۹ در روزهای پایانی مرخصی زایمان، به آبادان می‌رود تا دو فرزند درمسالت را به پلدورمدر خود بسپارد. در همان هنگام با شروع جنگ و حمله عراق به خرمشهر و آبادان، راوی به همراه پلدورمدراش و بچه‌ها مجبور می‌شوند خانه پدری را ترک کرده و به منزل یکی از اقوام خود در بهبهان بروند. پس از پایان مرخصی به محل کار خود بازمی‌گردد. مدتی بعد خانه‌ای در تهران خریداری می‌کنند و ایام مرخصی خود را در آنجا می‌گذرانند. حدود یک سال بعد به بیمارستان نیروی هوایی تهران منتقل شده و در تهران مقیم می‌شود. او در بخشی از خاطراتش می‌گوید: «در بیابان تاریک از قطار پیاده شدیم. همگی وحشت‌زده، حالت گوش به رنگ به خودمان گرفتیم. هیچ‌کس نمی‌دانست که چه شده و چه اتفاقی می‌خواهد بیفتد؟ همین‌طور که از سرما می‌لرزیدم، با بقیه روی زمین دراز کشیدیم. باد سردی از یقه لباسم داخل می‌شد، دور کمرم می‌پیچید و امانم را می‌برید. همیشه از سرما بیزار بودم. صورتم داغ شده بود. قلبم آنقدر تند می‌زد که انگار می‌خواست از سینم‌ام بیرون بیزد. زیرلب شروع به فرستادن صلوات کردم. چندتا ترکش از بالای سرمان رد شد. درد و غبار حاصل از آن در فضا پخش شده بود. صدای آتش ضدهوایی آنقدر وحشتناک بود که حتی صدای همکار بغل دستی‌ام را نمی‌شنیدم. دلم تنگ می‌خواست در این بیابان بیمرم. یاد بچه‌هایم افتادم. سعی کردم جوی‌هایم را بگیرم. دوباره صدای شلیک ضدهوایی شنیده شد و به دنبال آن صدای چند انفجار.»

دختران او. پی. دی

به دختران او. پی. دی معروف شده بودند؛ کارهای امدادی می‌کردند. اما در این بین نگاهی هم به خط مقدم داشتند. لیلا محمدی، در کتاب «دختران او. پی.دی» خاطرات زنی آبادانی به این مناس کمایی از روزهای پرتلاطم دوران دفاع‌مقدس را نوشته است. کمایی در بخشی از خاطراتش می‌گوید: «عادت ما شده بود هر وقت می‌خواستیم به جایی برویم همین‌که سوار وانت یا ماشین‌های نظامی می‌شدیم دسته جمعی آوازهای مختلفی می‌خواندیم. به قول بچه‌ها برای خودمان گروه کر راه انداخته بودیم. بین مردم آبادان بیمارستان شرکت نفت امام خمینی (ره) معروف شده بود به O. P. D. به همین دلیل بچه‌های شرکت نفت به ما که در این بیمارستان امدادگر بودیم می‌گفتند دختران O. P. D. بخش ما ۹سایت بزرگ داشت که پر از مجروحان ضربه مغزی بود. از زمانی که دکتر عادل از تهران در بیمارستان آمده بود هیچ مجروح ضربه مغزی به شهادت نمی‌رسید، دکتر عادل آنها را زنده نگه می‌داشت…» در دوران جنگ، مینا کمایی با جمعی از دوستانش امدادگری را در بیمارستان امام خمینی(ره) در شرکت نفت آموزش می‌دادند. در همان سال با تأسیس بسیج خواهران آبادان، همراه با دوستانش که به دختران O. P. D معروف بودند، در بسیج فعالیت می‌کرد و برای امدادگیری و واکسیناسیون به روستاهای اطراف آبادان می‌رفت. پس از شروع جنگ تحصیلی به‌غم نامتی شهر در آبادانی که زیر آتش توپ و خمپاره بود ماند و به همراه تعدادی از دوستانش کار امدادرسانی به مجروحان را انجام داد؛ او و همراهانش خطر را به جان خریدند تا به دیگران کمک کنند و مایه دلگرمی باشند. مینا کمایی در کتاب خاطرات خود را بازگو کرده است و خواننده را به روزهای آغاز تجاوز رژیم بعث عراق به ایران اسلامی می‌برد. در مقدمه کتاب اشاره شده است که اثر حاضر حاصل ۱۱ ساعت مصاحبه با راوی است.

پوتین‌های مریم

حتمان آن تابلوی معروف خرمشهر جمعیت ۳۴ میلیون نفر را دیده‌اید،

روایت‌ها از اشغال خرمشهر و آزادنشدنش به اندازه تعداد آدم‌هایی است که آنجا حضور داشتند و حضور نداشتند. زنان و مردانی که برای آزادشدنش جنگیدند و وطن را رها نکردند. می‌گوید: «جنگ، جنگ است و وطن هم وطن. جنگ زن و مرد نمی‌شناسد، همان‌طور که عشق به وطن هم در دل همه هست…» مریم در این شرایط است که پوتین می‌پوشد و سلاح به دست می‌گیرد تا با به پای مردان در مقابل دشمن مبارزه کند و امروز هم روایتش را برای ما بگوید؛ تا یادآوری باشد بر اینکه ایران چگونه از دست دشمنان نجات یافت بی‌آنکه ذره‌ای از خاکش را از دست داده باشد. کتاب «پوتین‌های مریم» خاطرات یکی از زنان خرمشهری به نام مریم امجدی است. راوی در این کتاب به نقل خاطراتی از شروع جنگ ایران و عراق و اشغال خرمشهر تا زمان آزادسازی آن می‌پردازد.

فریبا طالش پور برای نوشتن خاطرات او هفت جلسه مصاحبه با او ترتیب داد و هفده ساعت نوار ضبط کرد. نوارها روی کاغذ پیاده و به دور از دخل و تصرف، به همان ترتیب گویش راوی، تدوین و بازنویسی شد. هرچند انجام این‌کار و نوشتن کتاب پوتین‌های مریم، سختی‌های خودش را داشت. طالش پور می‌گوید: «با وجود اینکه همه می‌گفتند، امجدی خدای خاطره‌هاست، اما گذشت سال‌ها، ناراحتی میگرد و سروکله زدن با دو دختر و دو پسر، که ثمره زندگی مشترکش هستند، دست‌به‌دست هم داده و بسیاری از وقایع آن روزها را که در آن حضور فعال داشته، از یادش برده‌اند. به‌سختی اسمی اشخاص و اماکن را به خاطر می‌آورد.» مریم در بخشی از خاطراتش می‌گوید: «عصر روز دوم یا سوم بود که خواهری سبزه‌رو و قدبلند که مانتو بر تن و روسری بر سر داشت، به مسجد آمد و شروع کرد به داد و بیداد که شما برادر چرا سری به قبرستان جنت‌آباد نمی‌زنین؟ چرا به ما کمک نمی‌کنین؟ چرا ما را با اون همه جسد تنها می‌ذارین؟ دیشب سگ ما به ما حمله کردن. آگه خودتان نمی‌آیید، لاف‌های اسلحه‌های بدین به ما تا این سگوارو بکشیم. می‌گفت دیشب سگ‌ها جسد پسری به اسم سعید را بردند و دست و پایش را خوردند. مادر آن پسر هم آمده بود و داد و بیداد می‌کرد. چند نفر از برادران را همراه او فرستادند و به آنها گفتند که شب‌ها را در آنجا نگهانی بدهند.»

صباح

خاطراتش از خرمشهر را با خریدن خانه در این شهر شروع می‌کند و می‌گوید: «بعد از کلی جابه‌جایی و از این شهر به آن شهر رفتن، سال ۱۳۵۰ بالاخره در خرمشهر ساکن شدیم. زمینی که آقام خریده بود پشت گمرک و در محله «سنتاب» بود. او همراه حاج حبیب، یار و دوست قدیمی‌اش دو نفر از دوستانش هرکدام حدود سیصد متر زمین در کنار هم خریده و شروع کرده بودند به ساخت وساز. از چمن‌بید که رقتیم بروجرد، آقام به خاطر سختی کار و دوری از خانواده از شرکت راه‌سازی آمد بیرون. بعد از بیرون آمدن، مسئول یک شرکت ترکوبافی که دفتر مرکزی‌اش در تهران بود، به او پیشنهاد داد. او به آقام گفته بود نرو خرمشهر بیا تهران، بدون من اینجا بهت یک خانه خوب و وسایل زندگی و امکانات می‌دهم تا همین‌جا زندگی کنی. اما آقام به خاطر عرق مذهبش می‌اش گفته بود که از جو تهران و خیابان‌هایش با آن بی‌حجابی‌ها خوشش نمی‌آید و ترجیح می‌دهد برود خرمشهر. نظر مامان و فوزیه به عنوان دختر بزرگ خانه هم همین بود. آنها هم خرمشهر را بیشتر دوست داشتند. اصلا همه‌مان خرمشهر را دوست داشتیم.»

صبحا وطن‌خواه از زنان امدادگر فعال در شهرهای آبادان و خرمشهر است که در ماجرای اشغال خرمشهر و همچنین مقاومت مردمی در مقابل اشغال، نقش‌آفرینی فراوانی داشته است. برای اولین بار اسمش در کتاب «دا» آمد و فاطمه دوست‌کامی خاطرات او را شنید و کتاب صبحا را نوشت. آنچه کتاب صبحا را خواندنی‌تر کرده، روایت روزهای مقاومت خرمشهر از زاویه دیدی نزدیک است. در صبحا گویی خود خرمشهر دهان باز کرده و بعد از قریب به چهار دهه، هر آنچه در سینه داشته نقل کرده است؛ از غم هجران و مهاجرت‌های اجباری به شهرهای اطراف گرفته تا خمسه‌خمسه‌هایی که امان یک شهر را نتوانست ببرد و مردمی که در یک پیمان نانوشته، خانه به خانه مقاومت کردند.

ساجی

کودکی‌اش در خرمشهر گذشته است، خرمشهر برایش خانه است و بیرون رفتن از این خانه، برایش سخت و دلگیر است. کتاب ساجی؛ خاطرات نسرين باقرزاده، همسر سردار شهید بهمن باری است از روزهایی که در خرمشهر و دیگر شهرهای جنوبی گذرانده است. ساجی، کتابی است که از سال‌های کودکی نسرين باقرزاده در خرمشهر شروع شده و تا زمان جنگ در این شهر ادامه پیدا می‌کند. چند روز نخست جنگ خانواده باقرزاده در خرمشهر بودند، اما به ناچار خرمشهر را ترک کرده و مانند دیگر زنان حاضر به شیراز روانه می‌شوند، ولی مدتها در خرمشهر مانده و از این شهر حفاظت می‌کنند. در این دوران اتفاقات مختلفی می‌افتد که جذابیت‌های خاصی دارد. زنان در بوشهر یا در شهرهای دیگر پراکنده می‌شوند، اما راوی این خاطرات در خرمشهر می‌ماند، گاهی هم به شهرهای دیگر مثل قم، ماهشهر و آبادان رفته و مدتی را در این شهرها زندگی می‌کند. روزها و شرایط سختی را می‌گذرانند و سال‌های پایانی دوباره به خوزستان باز می‌گردد تا اینکه در ۲۹ فروردین ۱۳۶۷ همسرش

به شهادت می‌رسد.

نام کتاب برگرفته از اسم یکی از شخصیت‌های کتاب است. این اثر روایت خانمی است که هرگز فکرش را هم نمی‌کرده جنگ وارد خانه‌اش شود. او بدون سلاح می‌خواهد از کیان و خانواده‌اش دفاع کند. اکثر اقوامش شهید شده و وقتی همه چیزش را از دست می‌دهد، همچنان در پایان کتاب به بازسازی خرمشهر امید دارد. حسی که به خواننده هم منتقل می‌شود.

او عاشقانه شهرش و خانه‌شان را دوست دارد و در روایتش می‌گوید: «شب‌های تابستان اغلب میهمان داشتیم. یکی می‌خواست ازدواج کند، آن یکی مشکل مالی داشت، یکی می‌خواست خانه بخرد. می‌آمدند و می‌نشستند روی همان تخت‌ها و از پدر و آقا بزرگ مشورت می‌گرفتند. مادرم کاسه‌های بزرگ هندوانه را می‌داد به من و نغمه تا بگذاریم وسط تخت‌ها. مواظب بودیم پارچ‌های بلور آب و دیس‌های بزرگ میوه از دستمان نرفتند. شب‌هایی که میهمان داشتیم و تخت‌ها پر نبود، ما بچه‌ها می‌چیدیم توی اتاق. پنجره‌ها را باز و پنکه سقفی را روشن می‌کردیم.»

از چنده‌لا تا جنگ

انگار کردستان و روایت‌هایش قبل و حین جنگ، متفاوت از روایت‌های دیگر می‌شود. شمس‌سیبجانی در کتاب «از چنده‌لا تا جنگ» خاطراتش را از قبل انقلاب شروع می‌کند. خاطرات تلخ و شیرینی از دوران انقلاب و کودکی‌اش و حضورش در کردستان. او در آغاز جوانی به نیروهای انقلابی می‌پیوندد. پس از پیروزی انقلاب هم آموزش نظامی می‌بیند و سپاه را انتخاب می‌کند. در عملیات‌هایی مثل فتح‌المبین، بیت‌المقدس و والفجر حاضر داشته. در بیمارستان‌های اسنجد، کرمانشاه و گروه‌های امداد مناطق پرخطر انجام وظیفه می‌کند. پس از آن، به اهواز و اندیشک می‌رود و در بیمارستان‌های این شهرها به کمک مجروحان می‌رود و تا اواخر سال ۱۳۶۴ در آن مناطق جنگی حضور دارد.

آنقدر خاطرات مستند و واقعی بیان شده و چنان به جزئیات پرداخته شده است که خواننده تصویر ماجرا را مانند فیلمی داستانی در ذهن خود بازسازی می‌کند. یکی از ویژگی‌های خاطره‌نویسی، معرفی کامل شخصیت‌ها، موقعیت‌ها و تاریخ وقوع رویدادهاست که گلستان جعفریان، نویسنده این کتاب، به درستی چنین مواردی را رعایت کرده است. این کتاب، بازگویی جریان دوستی‌ها و رفاقت‌ها و ارتباط بین پرستاران همچنین ارتباط آنها با رزمندگان، غم‌ها، شادی‌ها، تحولات و ازدواج آنها در جبهه‌های جنگ تحمیلی است. او در بخشی از خاطراتش می‌گوید: «جاده پرگل و چکمه‌های مالاستیکی و سنگین بود. با این وضع باید یک‌کیلومتر سریالایی می‌رفتیم. بالاخره یک روز صدای دوست علی درآمد و گفت: «من دیگر حاضر نیستم کتاب‌هایتان را ببورم. هرکسی بیاید پلاستیک کتاب‌هایش را بگیرد والا همین‌جا می‌گذارم‌شان، بدون اینکه برگردم و نگاهش کنم.» گفتم حرف نزن، تو کتاب‌ها را می‌آوری. بعد از سریالایی، یک سرانجیبی بود که به مدرسه می‌رسید، وقتی به مدرسه رسیدیم، گفتم کتاب‌هایم را بده.»

فرنگیس

«همیشه وقتی تندیس زنی تبر به دست را کنار پارک شیرین کرمانشاه می‌دیدم با خودم فکر می‌کردم کاش بتوانم یک روز این زن قهرمان را از نزدیک ببینم و با او حرف بزنم. می‌گفتند فرنگیس در روستایی نزدیک گیلان‌غرب زندگی می‌کند و مایل نیست خاطراتش را تعریف کند. می‌دانستم نوشتن خاطراتش سخت خواهد بود اما همیشه به نوشتنش فکر می‌کردم…» این حرف‌های مهناز فتاحی است که در ابتدای کتاب «فرنگیس» نوشته است. در سال ۱۳۵۹ عراقی‌ها به محل تولد فرنگیس حمله کردند. مردم به دره‌های اطراف فرار می‌کنند. او تنها ۱۸ سال داشت و در نیمه‌های شب با برادر و پدرش برای تهیه غذا به روستا برمی‌گردند، ولی برادر و پدرش با عراقی‌ها درگیر شده و شهید می‌شوند. فرنگیس نیز بدون داشتن سلاح گرم با تبر پدرش با دو سرباز درگیر شده و یکی را می‌کشد و دیگری را اسیر کرده و به ارتش ایران تحویل می‌دهد. مهناز فتاحی در این کتاب به این‌ها می‌دهد که فرنگیس حیدرپور با روحیه استوار و پرقدرتش دلآورانه و با زبانی صمیمی با نوشتن این کتاب با ما سخن گفته است. تمامی گرسنگی و خسارت‌هایی که در روستاهای مرزی به وجود آمده را صادقانه گفته است. ماجرای قتل و اسارت دشمن به دست فرنگیس نیز داستانی جذاب و خواندنی است.

در بخشی از خاطرات فرنگیس آمده است: «شب آرام آرام از راه می‌رسید. همه کنار هم، پشت صخره‌ها کز کرده بودیم. کسی نای حرف زدن نداشت. نمی‌دانستیم قرار است چه بلایی سرمان بیاید. علیمردان، دایمی‌ام، پدرم و تعدادی از مردها هنوز با ما بودند. آنها هم آرام و قدار نداشتند. می‌خواستند برگردند ده. عده‌ای از زن‌ها نگاهداشتند. با یک دنیا ترس می‌گفتند اقل کم شما بمانید. ما اینجا تنها هستیم. اگر یکپهو عراقی‌ها تا اینجا جلو بیایند، دست‌تنها چه کنیم؟ در دل شب، صدای زنجیر تانک‌ها و انفجار توپ و خمپاره لحظه‌ای قطع نمی‌شد. از سمت گیلان غرب هم نیروهای خودمان به طرف گورسغید توپ و بمب پرتاب می‌کردند. آوزرین و گورسغید، شده بود خط مقدم جبهه!»

خانواده از این شهید به وجود آمده بود نا‌دان. یکی دیگر از نمونه‌هایی که در سال‌های اخیر ساخته شده است اولین فیلم سینمایی مهدی جعفری است. فیلم سینمایی «۲۳ نفر» اقتباسی از کتاب «آن بیست‌وسه نفر» است و داستان نوجوانان کم‌سن‌وسالی است که اسیر شده‌اند و حال‌اقرامی می‌خواه‌داز حضور آنها‌سوء استفاده کند و نشان بدهد که این سربازان‌کودکان به زور و اجبار به جبهه فرستاده شدند. معصومیت این سربازان کم‌سن و انجاندن که آنها دارند، بسیار شگفت‌انگیز است. مخاطبی که این فیلم را روی پرده‌ی تفره‌ای سینما می‌بیند، قطعاً برایش حضور این نوجوانان در جنگ پدیده‌ای غیرقابل درک است، اما این اتفاق افتاده و حالا که از این اثر سینمایی، فیلم و کتاب ساخته شده است، پذیرش این اتفاق و همراه شدن مخاطب با آنها به خاطر خود آن سربازان است. سربازانی که لباس‌های خود را تکان دادند که با خاک لباس‌شان تیمم کنند، کتک خوردند اما حاضر نشدند دروغ بگویند که به زور به جنگ فرستاده شده‌اند، اعصاب‌ها غذا کردند تا به حق طبیعی خودشان



پنجشنبه ۳۰ شهریور ۱۴۰۲



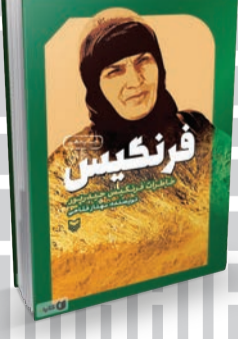
شماره ۳۹۶۴



WWW.FDN.IR



FARHIKHTEGADAILY



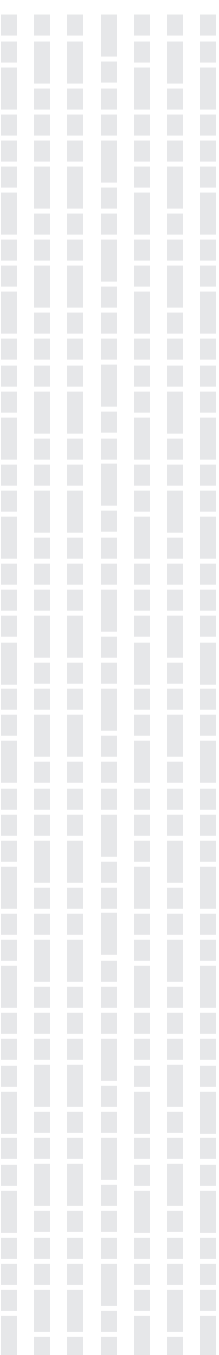
برسند و اسم‌شان جزء سربازان فهرست صلیب سرخ بود. این دست‌کارها، به خودی خود کتفش‌هایی بزرگ و خاص است و وقتی می‌بینی که کششگر آنها نوجوانانی کم‌سن‌وسال است، این واقعیت حماسی بیشتر تورا به وجد می‌آورد. یکی دیگر از آثار سینمایی که اتفاق نوروز اسال در سینماها اکران شد، فیلم سینمایی «غریب» است. این فیلم از معدود آثار سینمای دفاع مقدس است که سراغ جبهه غرب‌رفته است. جایی‌که حزب کومله شروع به کشتار مردم کرده بود و حالا محمد بروجردی به فرمان امام خمینی به کردستان می‌رود تا آرامش را به آنجا برگرداند. مخاطبی که تا قبل از این فیلم سینمایی با شهید بروجردی آشنایی نداشته باشد، انتهای فیلم این شهید برایش جایگاهی خاص پیدا می‌کند. به خاطر جدیتی که در کار داشت، تعادلی که در کار داشته، تعاملش با آدم‌ها و افشار گوناگون و آرمانی که برایش حاضر بود جان بدهد. آرمانگرایی که در آن زمان بین شهدا بوده، شاید برای نسل ن من قابل درک نباشد، اما برایمان ارزشمند است و این تلاش برای رسیدن به هدف‌هایشان را ارزشمند می‌دانیم.

ادامه از صفحه ۱۲

پنجشنبه ۳ شهریور ۱۴۰۲
شماره ۳۹۶۴

WWW.FDN.IR

FARHIKHTEGANDAILY



ادامه در صفحه ۱۵

رهبر انقلاب روز گذشته در حسینیه امام خمینی از ظرفیت نرم افزاری و سخت افزاری دفاع مقدس گفتند

در جنگ هم

خودمان را

شناختیم

هم دنیا ما را

رهبر معظم انقلاب اسلامی صبح دیروز در دیدار هزاران نفر از «پیشکسوتان دفاع مقدس و فعالان حوزه‌های مختلف تبیین و روایتگری جنگ تحمیلی»، با تشریح ابعاد ای عظمت دفاع مقدس و دستاوردهای ایستادن ملت ایران بر سکوی پیروزی آن رویارویی دشوار، حفظ تمامیت ارضی، آشکار شدن توانایی و ظرفیت عظیم ملت ایران، گسترش مرزهای غیرجغرافیایی کشور و رشد و استحکام مفهوم و فرهنگ مقاومت در داخل و در جهان را از نتایج دفاع همگانی ایرانیان در مقابل جبهه قلدران جهانی و صدام خبیث خواندند و تأکید کردند: «شکوفایی استعدادها و بروز قدرت و ابتکار جوانان کشور در دفاع مقدس، نشان داد جوانان همیشه قادرند همه مسائل کشور را حل کنند.»
مشروح بیانات ایشان را در ادامه می‌خوانید.

■ ■ ■

خداوند متعال را خیلی شاکرم که به بنده توفیق داد در این جلسه باشکوه و جامع و پرمعنا حضور پیدا کنم و تشکر می‌کنم از کسانی که ترتیب این جلسه را دادند. همچنین تشکر می‌کنم از برادران و خواهرانی که در آغاز جلسه، در این یک ساعت و خرده‌ای برنامه اجرا کردند؛ تلاوت قرآن خوب، سرودها عالی، هم شعر، هم آهنگ -برنامه مداحی خیلی خوب؛ سخنران‌ها مطالب بسیار خوبی را بیان کردند. تقریباً همه آن چیزهایی که در دل ما و در ذهن ما در حول‌وحوش مسائل دفاع مقدس و ارتباطش با مردم است، در بیانات این خانم‌ها و آقایان بود؛ منتها خب احتیاج دارد تأمل بشود، تفکر بشود، راهکار پیدا بشود ان‌شاء الله.

آنچه بنده می‌خواهم عرض بکنم، این است که واقعه دفاع مقدس یک برهه برجسته و مهمی از تاریخ کشور ماست. این مقطع راه، این واقعه مهم را باید درست بشناسیم و آن را به اذهان نسل‌های بعدی معرفی کنیم. عقیده راسخ بنده این است که اگر نسل‌های بی‌دریی ما، جوانب مهم و معنادار دفاع مقدس را ببیناسنند و بدانند که در این‌واقع مهم چگونه ملت ایران توانست خود را به سکوی پیروزی برساند و در آنجا با قدرت و با سربلندی بایستد، برای آنها در این شناخت درس‌های بزرگی وجود خواهد داشت؛ و کارهای بزرگی پیش خواهد رفت؛ این عقیده راسخ بنده است. عظمت این واقعه را باید شناخت. خیلی کار شده؛ کتاب نوشته شده، فیلم ساخته شده، خاطرات‌گویی شده، لکن به نظر من جا برای کار هنوز بسیار زیاد است. ما تاکنون نتوانستیم جزئیات این تابلوی عظیم و پرنقش ونگار را بشناسیم و بشناسانیم؛ از دور داریم می‌بینیم، [اما] اگر نزدیک برویم، در هر تکه آن، آن قدر زیبایی، آن قدر ظرافت، آن قدر کارهای پربغر و پرمعنا وجود دارد که انسان حیرت می‌کند؛ هر تکه‌اش این جور است و اینها باید معرفی بشود. حالا البته بدیهی است که من قصد ندارم در این جلسه این هدف را عملی کنم، ممکن هم نیست؛ کار بزرگ گسترده همه‌جانه‌ای است، لکن یک جنبه‌هایی را می‌خواهم عرض کنم. ما می‌خواهیم عظمت این حادثه معلوم بشود؛ عظمت این حادثه را از چند زاویه، از چند دیدگاه می‌شود مشاهده کرد؛ یکی از زاویه آن چیزی است که از آن دفاع می‌شد؛ چون بحث دفاع مقدس است؛ [یعنی] ما از چه دفاع می‌کردیم؛ این یک. [اگر] از این زاویه نگاه کنیم، بخش مهمی از عظمت این واقعه روشن خواهد شد. یکی از این زاویه است که این دفاع در مقابل چه کسی انجام می‌گرفت؛ چه کسی هجوم کرده بود که لازم بود دفاع صورت بگیرد؛ این هم یک زاویه دیگری است که به نظر من مهم است. دیدگاه و زاویه سوم این است که این دفاع به وسیله چه کسی انجام گرفت، دفاع‌کنندگان چه کسانی بودند؛ این هم یک چیز بدیع و مهمی است که من حالا بعدا دو سه جمله‌ای درباره هرکدام عرض خواهم کرد. زاویه چهارم این است که آثار و دستاوردهای این دفاع چه بود. حالاً من این چهار جهت را ذکر کردم که البته از جهات دیگر هم می‌شود نگاه کرد. پس یکی اینکه بحث کنیم یعنی فکر کنیم، مطالعه کنیم که دفاع از چه انجام می‌گرفت؛ دوم اینکه دفاع در مقابل چه کسی انجام می‌گرفت؛ سوم اینکه دفاع به وسیله چه کسانی انجام می‌گرفت؛ چهارم اینکه نتیجه این دفاع چه شد. هرکدام از اینها به نظر من خیلی مهم است؛ [درباره] هرکدام فکر کنیم، مطالعه کنیم خیلی مهم است.

اما اینکه «از چه چیزی دفاع می‌شد»، در دفاع مقدس از انقلاب اسلامی، از جمهوری اسلامی که محصول دفاع انقلاب اسلامی بود، و از تمامیت ارضی کشور دفاع می‌شد؛ این سه عنوان مهمی بودند که دفاع از اینها انجام می‌گرفت. طرف مقابل به این سه چیز حمله کرده بود. البته هدف جبهه اساسی و مهم دشمن که حالا بعدا در آن بخش دوم شرح می‌دهم، مسئله تمامیت ارضی نبود. این‌هدف صدام بود ـ هدف آنها انقلاب بود؛ آنها می‌خواستند این انقلاب بی نظیر و کبیر و مهمی را که به برکت جانفشانی مردم در ایران اتفاق افتاده بود سرکوب کنند. چرأ می‌گویم بی نظیر؟ برای خاطر اینکه یک پدیده‌ای بود که نظیر آن پیش‌ازاین در انقلاب‌های بزرگ اتفاق نیفتاده بود؛ مردمی بود، دینی بود، اصیل و غیروابسته بود، مربوط به یک ملت بود، عمومی بود؛ مثل کودتاها و مثل انقلاب‌های احزاب و مانند آنها نبود. این انقلاب توانسته بود نظام وابسته و فاسد حاکم بر کشور را برطرف کند، برکنار کند و یک نظام جدید، یک سخن‌نور را در این کشور حاکم کند؛ [یعنی] جمهوری اسلامی؛ جمهوری یعنی مردم‌سالاری، اسلامی یعنی دین؛ مردم‌سالاری دینی؛ حرف نویی بود در دنیا. در تاریخ، حکومت‌های دینی داشته‌ایم، [ولی] بحث مردم‌سالاری در آن نبود؛ حکومت‌های مردم‌سالار سی‌با واقعی، یا صوری و اسمی -داشته‌ایم. [اما] بحثی از دین در آن نبود. حکومتی و نظامی که در آن، دین و دنیا، دنیا و آخرت، مردم و خدا دخالت دارند و سازنده آن هستند، یک چنین چیزی بی‌سابقه بود؛ این اتفاق افتاده بود، می‌خواستند این را منکوب کنند، مقهور کنند و جمهوری اسلامی را از بین ببرند؛ هدف‌شان این بود. تا الان هم هدف همین است؛ تا الان هم [به] بهانه‌های مختلفی وجود پیدا می‌کند، اما آنهایی که با جمهوری اسلامی طرفند، مقابلند، دشمنی می‌کنند، مساله‌شان «جمهوری اسلامی» است، مسائل فرعی و حاشیه‌ای در درجه بعد قرار دارند؛ مساله اصلی این است؛ آن روز هم این بود.

البته در این بین، یک آدم خبیث، زیاده‌خواه و دور از همه اصالت‌های بشری و انسانی مثل صدام یک هدف دیگر هم داشت و آن اینکه درکنار نابود کردن جمهوری اسلامی، تمامیت ارضی کشور را هم مورد تعرض و چپاول قرار بدهد و بخش‌های نفت خیز و ثروتمند کشور را بردارد و کشور را تجزیه کند؛ این هم بود، منتها اطراف دیگر قضیه به این خیلی اهمیت نمی‌دادند؛ مساله اصلی‌شان آن بود. خب خیلی فرق می‌کند که یک جنگی برای جابه‌جایی یک بخشی از مرز بین دو کشور اتفاق بیفتد، یا یک جنگی برای نابود کردن آن چیزی که هویت یک ملت را تشکیل می‌دهد اتفاق بیفتد. جنگ در دنیا خیلی اتفاق می‌افتد، که جنگ‌های مرزی است، برای تصرف سرزمین است، اما آن جنگی که بخواهد هویت یک ملت راه، هستی یک کشور را، دستاورد جان‌فشانی یک ملت را، که انقلاب اسلامی است، هدف قرار بدهد، با آن جنگ‌ها فرق دارد؛ این واقعه با آن وقایع فرق دارد. بنابراین آن چیزی که از آن دفاع می‌شد، این نقطه‌های اساسی و مهم بود؛ مساله فقط این نبود که حالا یک قسمتی از مرز، عقب می‌رود یا جلو می‌آید و مرزهای جغرافیایی تغییر پیدا می‌کند؛ البته اگر آن هم بود مهم بود، اما اهمیت این قابل‌مقایسه با آن نیست. این از زاویه آن چیزی که از آن دفاع می‌شد؛ موضوع دفاع.

اما آن زاویه دوم یعنی «مهاجم‌ها چه کسی بودند» اگر با این نگاه هم به قضیه نگاه کنیم، عظمت و اهمیت دفاع مقدس روشن خواهد شد. یک وقتی یک کشوری به یک کشور دیگری حمله می‌کند. یک اتحادی دو نفری، سه نفری، دو دولت، دو قدرت به یک جایی حمله می‌کنند. یک وقت همه دنیا به یک کشور حمله می‌کنند قضیه این بود. اینکه عرض می‌کنم مبالغه نیست؛ «همه

دنیا، هم که می‌گویم، منظور متلافلان کشور دورافتاده بی‌تأثیر در اوضاع عالم نیست؛ همه قدرت‌های مطرح آن روز دنیا شدند یک جبهه و در این حمله به ما، حمله به جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی، سهیم شدند. آمریکا یک جور، کشورهای مختلف اروپا، هر کدام یک جور، بلوک شرق آن روز به سرکردگی شوروی یک جور، گفته می‌شد مشوق اصلی حمله به ایران هم آمریکایی‌ها هستند ـ که حالا البته در این زمینه‌ها اسنادی منتشر شده، [ولی] بنده در این زمینه تحقیقی نکردم یا ندیدم اما گفته می‌شد رایج و شایع بود که مشوق اصلی حمله صدام به ایران آمریکایی‌ها بودند. بعد هم در طول جنگ مهم‌ترین کمک را که کمک اطلاعاتی است آمریکایی‌ها می‌کردند.

آن روز مثل امروز نبود، اینقدر امکانات وجود نداشت، نقشه‌های هوایی به‌آسانی در اختیار آمریکایی‌ها بود؛ جایگاه و آرایش نیروهای ما نقشه‌برداری می‌کردند به‌طور مداوم و بی‌درپی در اختیار آنها می‌گذاشتند؛ این مسلم است که آمریکایی‌ها با یک چنین کمکی می‌کردند؛ و شیوه‌های جنگ و ـ به تعبیر رایج دوستان که اخیراً به جای تاکتیک «راه‌کنش» را استعمال می‌کنند ـ شیوه‌های راه‌کنشی را، یعنی تاکتیکی را، در اختیار صدام قرار می‌دادند. یا اروپایی‌ها، فرانسوی‌ها پیشرفته‌ترین تجهیزات هوایی را در اختیار عراق قرار دادند؛ جنگنده‌های میراژ، [هوابیماهای] سوپر اتاندر، موشک‌های آگزوسه؛ اینها پیشرفته‌ترین تجهیزات آن روز دنیا بود که در اختیار صدام قرار دادند.

آلمانی‌ها امکانات تهیه تسلیحات شیمیایی را که این همه فاجعه در ایران و حتی در خود عراق، در حلبچه و مانند اینها به وجود آورد، در اختیار صدام قرار دادند و کمک کردند. حالا همین‌هایی که امروز مدعی همه دنیا هستند یک چنین جنایاتی از اینها سرزد. بلوک شرق، شوروی سابق و کشورهای دیگر که در اروپای شرقی بودند از امکانات زمینی و هوایی هرچه می‌خواستند در اختیار او گذاشتند؛ هرچه لازم داشت به او دادند. [چون] موشک‌گران بود، به این نتیجه رسیدند که توپخانه قابل دسترسی به تهران به او بدهند و دادند؛ یعنی توپخانه‌اش را جوری تجهیز کردند که بتواند با توپخانه تهران را بزند که خرجش زیاد نباشد و ایجاد اختلال بکند. هر کاری توانستند برایش کردند. عرب‌های منطقه خودمان، کشورهای عربی، پول بی‌حساب در اختیارش گذاشتند. تمام این چیزهایی را که اینها از [کشورهای] اروپایی وارد کردند و خریدند، با پول دوستان عرب ما بود که در اختیارش گذاشتند؛ هم پول دادند، هم مسیر رفت وآمد. این منطقه مرز قسمت جنوبی خلیج فارس به‌طور دائم محل رفت وآمد کامیون‌ها و ماشین‌های سنگینی بود که ابزارها را می‌آوردند و وارد عراق می‌کردند؛ یعنی همه کمک کردند، همه، مهاجم اینها بودند؛ ما چه؟ ما کمک‌کننده‌ای نداشتیم؛ حتی امکانات و تسلیحاتی که حاضر بودیم پول بدهیم بخریم، فراهم نمی‌شد مگر به ندرت؛ چند مورد خیلی جزئی اتفاق افتاد که با پول زیادتر از متعارف و معمول و با زحمت زیاد یک جنسی را از یک جایی توانستیم با مشکلات فراوانی بخریم و وارد کنیم که مطلقاً تأثیری در نابرابری جنگ نداشت که حالا مثلاً یک مقداری این نابرابری را کم کند؛ این جوری نبود.

خب دریک چنین نبردی، دریک چنین رویارویی‌ای ملت ایران توانست روی سکوی پیروزی بایستد و با شکوه خودش را به دنیا نشان بدهد؛ عظمت این است. در جهت سوم یعنی «دفاع‌کنندگان چه کسانی بودند»؛ این هم جزء چیزهای استثنائی است. خب ارتش بود، سپاه بود، نیروهای بسیج مردمی در قالب یگان‌های سپاه حضور داشتند؛ اینها کمابیش شبیه همان چیزی است که در دنیا هست، یعنی ظاهرش یگان‌های مسلحی هستند که حضور دارند؛ لکن مساله فقط این نبود؛ مساله این نبود، بله، ظاهر دفاع‌کننده‌ها، ظاهر ارتش و ظاهر سپاه، یا به شکل همین تنظیمات متعارف دنیا بود اما باطنش یک چیز دیگری بود؛ باطنش اصلا شباهت به لشکرکشی‌های دنیا نداشت. اولاً فرمانده این مجموعه، امام بزرگوار، یک مرد الهی بود؛ یک عنصر الهی بی‌نظیر؛ که در کنار دانش و فکر و تجربه و بختگی از جهات مختلف ـ در کنار همه اینها ـ [اداری] آن روح ژلال و صفای معنوی بود؛ لذا نفسش تأثیر داشت. [مثلاً وقتی گفت] پایه‌ها باید نجات پیدا کنند، بنده از خود مرحوم چمران شنیدم که گفت «به مجرد اینکه ساعت دو بعدازظهر پیام امام در رادیو منتشر شد ـ اینها در پناه در محاصره بودند دیگر؛ اطراف‌شان را گرفته بودند ـ دفعتا

و همان به مجرد اینکه این پیام منتشر شد، [درحالی‌که] هنوز هیچ نیرویی نرسیده، شاید هنوز حرکت هم نکرده، ما دیدیم که اطراف‌مان باز شد.» نفس این پیام، نفوذ این کلام [اثر داشت]؛ این را بنده از خود چمران شنیدم؛ آن شهید عزیز، [با وقتی گفت] حصر آبادان باید شکسته بشود، روپرگرد ندارد، شکسته شد. در قضایای مختلف، [مثلاً] در قضیه سوسنگرد، و آن کشمکش‌ی که در باب حمله به سوسنگرد [وجود داشت]، که برویم دفاع بکنیم یا نکنیم، مشکلاتی که وجود داشت، وقتی پیام امام، به‌واسطه رسید، مساله حل شد. فرمانده‌ای مثل او را [آن نفوذ کلمه، با استفاده از معنویت و صفا، با نفس گرم، بعد، صیغه دینی دفاع مقدس؛ صیغه دینی، وقتی صیغه دینی هست، نتیجه اینی می‌شود که این جوان با شوق شهادت حرکت می‌کند. این زندگی [نامه]‌هایی، شرح‌حال‌هایی که نوشته شده‌اند را بخوانید ـ با شوق شهادت و آرزوی شهادت راه می‌افتد؛ گریه می‌کرد برای اینکه برود جبهه، به امید اینکه بتواند شهید بشود؛ نتیجه صیغه دینی این است. خانواده‌ها، پدرها، مادرها، همسرها راضی می‌شدند به اینکه این جوان برود جبهه، برای خدا. بنده مکرر مادران شهیدی را از نزدیک زیارت کردم که مثلاً یک فرزند یا دو فرزندشان شهید شده بود، می‌گفتند اگر ده فرزند هم داشتیم، حاضر بودیم اینها شهید بشوند؛ راست می‌گفتند، واقعاً می‌گفتند. حالا در همین نمایشگاه اینجا مسواری را به ما نشان دادند که [خانمی] مادر ۹ شهید [بود]؛ شوخی است؟ مادر ۹ شهید، مادر هشت شهید؛ اصلاً این قابل تصور است؟ اما این اتفاق افتاد. خود من در کردستان دیدم خانواده‌ای را که از یک خانواده هفت نفر، آنجه الان به ذهنم می‌آید هفت نفر ـ شهید شدند. [دفعه اولی‌که اینها را دیدم مادرشان هم زنده بود، پدرشان هم زنده بود؛ بعد البته پدر از دنیا رفته بود. هفت شهید از یک خانواده؛ این جز عامل دینی چه می‌تواند باشد؟ عامل «دین» مدافعان اینها بودند. خطوط مقدم جبهه ما، محراب عبادت بود. اینکه نیمه شب یک جوانی، یک فرمانده ـ یا غیر فرمانده ـ یک گروهان یا یک گردانی بنشیند اشک بریزد، گریه کند، عبادت بکند، این نقلش یکی دو مورد یا ده مورد نیست؛ در همه بخش‌های این جبهه، این وجود داشته. اصلاً [شما در] آنجای دنیا، کدام جنگ، کدام درگیری نظامی یک چنین وضعیتی را داشتید؟ شوق شهادت، توسل، توجه به خدای متعال، آرزوی شهادت و مانند اینها. بعد هم حضور عمومی ملت؛ یعنی جبهه جنگ فقط منطقه زدوخورد نبود، پشت جبهه هم جبهه جنگ بود. [مثلاً] محل تأمین نیرو؛ خب در دنیا پادگان‌ها محل تأمین نیرو نبود؛ اینجا پادگان‌ها هم بودند، مسجدها هم بودند، هیات‌ها هم بودند، دانشگاه هم بود، حوزه هم بود، مدارس و دبیرستان‌ها هم بود؛ معلم سر کلاس جبهه می‌رفت، بچه‌ها دنبالش راه می‌افتادند و به جبهه می‌رفتند. چقدر شهید دانش آموز داریم، چقدر شهید دانشجو داریم، چقدر شهید طلبه داریم، مساجد ما، منابر ما، گویندگان ما، همه در خدمت این حرکت عظیم قرار داشتند؛ یعنی جمع کثیری از اینها در خدمت این حرکت عظیم بودند. مدافعان اینها بودند.

در بخش‌های گوناگون پشتیبانی، خانواده‌ها، زنان خانه‌دار و دیگران [هم بودند]. در قسمت پشتیبانی از رزمندگان، شست‌وشوی لباس‌های خونی رزمندگان، حوض خون که کتابش نوشته شد و بنده هم یک وقتی اسم بپر دم؛ و از این قبیل، اصلا همه ملت درگیر بودند. نمی‌گویم همه آحاد ملت بودند اما در سطح عموم مردم و لایه‌های گوناگون اجتماعی این حرکت حضور داشت؛ مخصوص یک جمعی نبود که از پادگان‌ها راه بیفتند بروند بجنگند و برگردند ـ عظمت یک حادثه را از این ناحیه خوب می‌شود فهمید؛ و از

